

بازرسی و اقتصاد

سال دوم • شماره ۶ • تابستان ۱۳۹۳ • ۵۰ صفحه

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان
مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی، آموزش و انتشارات

سرمایه‌گذاری صنعتی در استان کرمان

این مقاله از دو بخش تشکیل شده است که بخش اول آن فضای صنعتی دو دهه‌ی قبل استان کرمان را ترسیم می‌کند. این فضا در سه بُعد بین‌المللی، ملی و محلی به تشریح وضعیت سرمایه‌گذاری و گام نهادن در مسیر توسعه‌ی صنعتی می‌پردازد. در بخش دوم مقاله با بهره‌گیری از برخی نکات مهم بخش اول به تحلیل وضع فعلی می‌پردازد ...



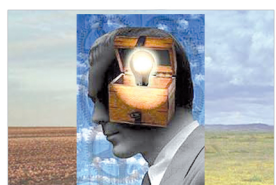
آینده صنعت زغال سنگ در استان کرمان

بخش اعظمی از زغال سنگ تولیدی در کشور در استان کرمان تولید می‌شود. عمده این زغال سنگ تبدیل به کک می‌شود و در صنایع فولادسازی کاربرد دارد. تولید زغال سنگ در استان کرمان از سال ۱۳۸۸ به شدت کاهش یافته است در حالی که در همین مدت چندین کارخانه زغالشویی و کک سازی در استان احداث شده و یا در حال احداث می‌باشند ...



مدیریت تغییر: چرا تلاش‌های تغییر به شکست می‌انجامد؟

شرایط متغیر و شرایط متغیر و نامطمئن محیطی در دهه‌های شرایط متغیر و نامطمئن محیطی در دهه‌های اخیر سازمان‌ها را با چالش‌های متعددی روبرو کرده است. شرکت‌ها برای پاسخ‌گویی به این شرایط و باقی ماندن در صحنه رقابتی، مجبور به تن دادن به تلاش‌های مستمر و انعطاف‌پذیری هستند. این تلاش‌ها در لوای عناوینی چون ...



برنامه‌ریزی توسعه‌ی نیروگاه‌های استان کرمان

برنامه‌ریزی توسعه ظرفیت تولید انرژی الکتریکی از جمله مهم‌ترین بخش‌های برنامه‌ریزی توسعه سیستم‌های انرژی است. بدین منظور، در ابتدا لازم است میزان تقاضای انرژی الکتریکی در افق مورد مطالعه پیش‌بینی گردد. در این تحقیق، ابتدا میزان کل تقاضای انرژی الکتریکی استان کرمان تا افق ۱۴۰۴ با استفاده از مدل‌های پیش‌بینی مناسب تخمین زده شده است و سپس ...



گزارش نشست‌های تخصصی تابستان ۱۳۹۳

در تابستان ۱۳۹۳ سه نشست تخصصی با محوریت مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی در اتاق کرمان برگزار شد. نشست تخصصی اول با حضور دکتر مسعود نیلی مشاور عالی اقتصادی رییس جمهور، نشست تخصصی دوم با حضور دکتر محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، نشست تخصصی سوم با حضور دکتر امیر ناظمی عضو هیات مدیره اندیشگاه آتی نگار و مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور ...



RESEARCH ON ECONOMIC ISSUES

Investments on Industries In Kerman Province

The Future of Coal Industry In Kerman Province

Management of Change: Why Efforts Toward Change Always Fail?

On The Expansion of Power Plants In Kerman Province

A Report on the Three Meetings of Specialists, Summer 1393



Kerman Chamber of Commerce,
Industries, Mines and Agriculture

بازرسی و اقتصاد



سال دوم | شماره‌ی ۶ | تابستان ۱۳۹۳

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان
مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی، آموزش و انتشارات

صاحب امتیاز:
اتاق بازرگانی، صنایع،
معادن و کشاورزی کرمان

فهرست |

مدیر مسئول:
محسن جلال پور

دولت کوچک دولت چابک |

| ۰۲ |

سر دبیر و ناظر:
مسعود رشیدی نژاد

تدوین برنامه‌ی ششم توسعه |

| ۰۳ |

انسان توسعه‌ای، محور برنامه‌ی ششم توسعه |

ویراستار:

محمد رضا دهقان پور

| ۰۴ |

مقالات

سرمایه‌گذاری صنعتی در استان کرمان |

| ۰۷ |

مدیر داخلی:

فرزانه زاهدی

آینده صنعت زغال سنگ در استان کرمان |

| ۲۱ |

طراحی و صفحه آرایی:

فروغ زابنده رودی

مدیریت تغییر: چرا تلاش‌های تغییر به شکست می‌انجامد؟ |

| ۲۷ |

اعظم عرب نژاد

برنامه‌ریزی توسعه نیروگاه‌های استان کرمان به منظور تامین تقاضای برق تا سال ۱۴۰۴ |

| ۳۱ |

نشانی: کرمان، میدان آزادی،
ابتدای بولوار جمهوری اسلامی

کد پستی: ۷۶۱۷۵-۴۷۱

گزارش نشست‌های تخصصی تابستان ۹۳ |

| ۳۹ |

کد پستی: ۷۶۱۹۶۵۳۴۹۸

تلفن: ۰۳۴ ۳۲۴۴۲۴۶۷

نمابر: ۰۳۴ ۳۲۴۳۸۳۷۰

- مطالب مندرج در این فصل نامه، نظرات نویسندگان بوده و لزوماً نظر مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی اتاق کرمان نمی‌باشد.

- استفاده از مطالب فصل نامه با ذکر ماخذ بلامانع است.

سایت اتاق کرمان:
www.otagh-bazargani.com

سخن مدیر مسئول

دولت کوچک دولت چابک

○ محسن جلال پور

نایب رییس اتاق ایران و رییس اتاق کرمان

در ادبیات نوین ساختار دولت‌ها عمدتاً مبتنی بر وظیفه حاکمیتی استوار است تا تصدی‌گری، به انضمام اعمال نظارت‌های لازم به گونه‌ای که در اجرای فرآیندهای توسعه اقتصادی تسریع ایجاد شود. در واقع وقتی دولت به جای آن‌که در هدایت امور و نظارت بر حسن اجرای آنها فعالیت داشته باشد به دلیل داشتن روحیه و نگرش تصدیگری دخالت مستقیم و غیرمؤثر در امور می‌کند که باعث می‌شود نتواند تأثیری مطلوبی از خود به جای بگذارد. رهایی از این نگرش از طریق کوچک‌سازی دولت و سپردن امور به خود مردم، انجمن‌های مردم نهاد، سازمان‌های غیردولتی و بخش خصوصی میسر می‌باشد.

تجربه‌ی کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که بهتر است دولت با کوچک‌سازی خود و پرداختن به وظایف اصلی و کلان خویش هم‌چون تأمین امنیت، تدوین روابط خارجی، بالا بردن سطح بهداشت و کیفیت آموزش، گسترش تأمین اجتماعی برای برقراری عدالت اجتماعی، بهبود محیط کسب و کار برای افزایش اشتغال و کارآفرینی و غیره میزان کارآمدی خود را بالا ببرد. در این بین حداقل انتظار فعالین اقتصادی از دولت، بهبود محیط کسب و کار و حفظ ثبات کشور و تقویت فضای امن سرمایه‌گذاری است تا این دست افراد با دغدغه‌ی کمتری مواجه شوند. در واقع به صلاح دولت نیست که خود به عنوان یک عامل مخل و مداخله‌گر در فضای کسب و کار قلمداد شود. که اگر چنین شود نمی‌توان انتظار داشت که فعالیت‌های اقتصادی، توسط بخش خصوصی ایجاد و اداره شوند. البته به نظر می‌رسد در وضعیت کنونی که رکود تورمی در کشور ایجاد شده است تا حدی عنان امور را از دست دولت گرفته است و فضا را برای هر نوع تصمیم‌گیری دشوار نموده است. هم‌چنین عدم به بازی گرفتن مؤثر بخش خصوصی، فضای نامطلوب کسب و کار و هم‌چنین فقدان ساز و کارهای تسهیل‌کننده برای حضور مؤثر مردم در فعالیت‌های اقتصادی موجب ناکارآمدی تصمیمات اقتصادی دولت را نیز فراهم آورده است. از طرف دیگر حضور کمرنگ مردم، بخش خصوصی و انجمن‌های مردم نهاد در تصمیم‌گیری‌های کلان باعث شده است که مردم خود را با دولت هم‌راستا ندانند و در جهت سیاست‌های دولت گام برندارند. در واقع دولت را از خود نمی‌دانند بلکه بر خود می‌پندارند. البته دولت هم به جای آن‌که خود را خادم مردم بداند تا حدی مردم را مخدوم خود تصور می‌کند. این باعث می‌شود از میزان کارایی و اثرگذاری دولت به مرور زمان کاسته شود.

دولت به عنوان بزرگترین مجری در سطح کلان جامعه به‌جای انجام نظارت و هدایت امور با سیطره بر منابع مادی و نیروی انسانی بیش از حدی که در اختیار دارد به‌صورت ناکارآمد به مدیریت این منابع می‌پردازد به‌طوری‌که امروزه دولت با تشکیلات عریض و طولی که بعضاً قابل برنامه‌ریزی، مدیریت و کنترل نمی‌باشد مواجه است. این امر در حالی است که با واگذاری بسیاری از کارهای اجرایی به بخش خصوصی هم حجم کارهای اجرایی دولت کاهش یافته و هم رونق فضای کسب و کار و تبعات مثبت اقتصادی را به‌همراه خواهد داشت که به‌طور قطع و یقین این امر به‌جز با کوچک‌سازی حجم دولت مسیر نخواهد شد. کاهش حجم دولت مستلزم عزمی راسخ و اعتقاد جدی به حضور بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی با حمایت همه‌جانبه از روانسازی و تسهیل فضای کسب و کار می‌باشد. تسریع فرآیند خصوصی‌سازی در کشور با حمایت از بخش خصوصی و تقویت آن از نظر مالی و ضوابط قانونی می‌تواند زمینه رشد را نیز فراهم آورد. برخی از قوانین اقتصادی، مالیاتی، گمرکی، بانکی در راستای تسهیل توسعه بخش خصوصی نیستند و حتی بعضاً موجبات تضعیف فعالیت‌های اقتصادی را فراهم می‌آورند که بایستی اصلاح گردند. از طرفی کوچک‌سازی دولت یک شبه امکان‌پذیر نبوده بلکه با یک برنامه زمان‌بندی معقول و سپری شدن یک دوره لازم طی چند برنامه توسعه بایستی صورت پذیرد، تا این‌که هم ظرفیت‌سازی کافی در بخش غیردولتی ایجاد شده و هم فرایند انتقال فعالیت‌ها از دولت به بخش غیر دولتی به شکل ساختار یافته‌ای تحقق یابد.

در این راستا اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان آمادگی همکاری و مشارکت در تحقق این امر خطیر با تمام ظرفیت و امکاناتی که در اختیار دارد را اعلام می‌دارد.

من الله التوفیق



سخن سردبیر

تدوین برنامه‌ی ششم توسعه

○ مسعود رشیدی نژاد

مدیر مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی، آموزش و انتشارات اتاق کرمان

از گذشته دو نظام اقتصادی بزرگ در دنیا شکل گرفته است که یکی نظام اقتصاد متمرکز و دیگری نظام اقتصاد آزاد است. هر دوی این‌ها برای برقراری عدالت اجتماعی و افزایش رفاه انسانی شکل گرفته اند، اما نگاه و نگرش آن‌ها بسیار متفاوت می باشد. نظام اقتصاد آزاد بیشتر مبتنی بر بازار است و اعتقاد دارد که حضور حداقلی دولت در اقتصاد باعث برقراری تعادل عرضه و تقاضا می گردد. این نگرش موجب شده تا دولت در امور اقتصادی به عنوان یک ناظر و در امور درمانی و آموزشی به عنوان متولی حضور داشته باشد. بنابراین برنامه‌ریزی دولت در این نظام فضای متفاوتی از برنامه‌ریزی در نظام اقتصاد متمرکز دارد. در واقع در نظام اقتصاد آزاد، برنامه‌ریزی به آن معنا و مفهومی که امروزه ما با آن سروکار داریم به کار برده نمی‌شود. اما در نظام اقتصاد متمرکز چون امور از بالا به پایین اداره می‌شوند و تقریباً حاکمیت در تمامی امور دخالت مستقیم دارد، نظام برنامه‌ریزی به شکل جامع و کامل باید انجام گیرد. یعنی دولت از قبل باید بداند در امور اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیره چه اقدامی باید انجام دهد. البته تجربه نشان داده که جوامع با ساختار اقتصاد متمرکز نتوانسته اند با این روش و منش به موفقیت چندانی دست یابند. به نظر می رسد تضارب آرای که در ایران بر سر این که برنامه‌های پنج ساله را داشته باشیم یا خیر ریشه در وقایع کشورهای با ساختار اقتصاد متمرکز دارد. برخی معتقدند که ما می‌توانیم به جای برنامه‌های پنج ساله با تصویب بودجه‌های سنواتی و هم‌چنین برنامه‌های کوتاه مدت بهتر به نتیجه برسیم. چرا که از سال ۱۳۲۷ در ایران نظام برنامه‌ریزی داشته‌ایم، شش برنامه را قبل از انقلاب اسلامی و پنج برنامه را پس از آن تجربه کرده‌ایم اما ایا در حال حاضر به نقطه مطلوب رسیده‌ایم؟ و یا این که تنها شکل مشکلات را تغییر داده ایم. البته این مسأله روی دیگری هم دارد، چرا که تجربه در ایران نشان داده است که بسیاری از تصمیمات دولت‌ها بستگی به وضعیت فروش نفت داشته است. فی الواقع هر کجا بیش از حد انتظار درآمد نفتی کسب کرده‌ایم نسبت به اجرای برنامه‌های مدون بی‌انگیزه شده ایم. شاید بتوان گفت در بسیاری موارد اجرای اشتباه و بعضاً ناقص برنامه‌ها موجب ناکارآمدی آنها شده است. البته نباید فراموش کرد که دولت‌ها نیز کمتر رغبت نشان داده‌اند که هر ساله خود را با سیاست‌های برنامه هماهنگ نمایند و هر کجا که از آن عدول کرده اند، اصلاح نموده و باز گردند. اما به هر حال به نظر می‌رسد در اقتصادی که به گفته‌ی مسئولین امر ۸۵ درصد دولتی است قاعدتاً نمی‌توان بدون برنامه اقدام مناسبی انجام داد. این روزها دولت با کوله باری از تجارب گذشته موضوع تدوین برنامه ششم توسعه را با جدیت در دستور کار دارد و در این راه دست کمک به سوی بخش خصوصی دراز کرده است. بنابراین به نظر می رسد بهتر است بخش خصوصی این فرصت را مغتنم شمرده و مجدانه در این زمینه تلاش و مشارکت نماید. از طرف دیگر دولت بایستی به برخی خواسته‌های بخش خصوصی در تدوین برنامه‌ی ششم توجه نماید. در ابتدا بهبود فضای کسب و کار به عنوان یکی از مطالبات بسیار مهم بخش خصوصی به گونه‌ای است که اگر این فضا فراهم نشود قاعدتاً نمی‌توان انتظار داشت میزان سرمایه‌گذاری‌ها و مشارکت بخش خصوصی در اقتصاد پررنگ و جدی شود. نکته‌ی دیگر کوچک‌سازی دولت و واگذاری بسیاری از امور به بخش خصوصی می باشد، چرا که دولت بایستی نگاه تصدیگرانه‌ی خود را به سمت هدایت و نظارت سوق دهد. هرچه دولت بر تصدیگری پافشاری نماید، به مثابه این است که مهر ناکارآمدی را بر پیشانی اقتصاد زده‌است. دولتی را می‌توان کارآمد و چابک خواند که حداقل تصدی و حداکثر نظارت و اثرگذاری مثبت را داشته باشد و فضای امن برای جذب سرمایه و سرمایه‌گذاری را فراهم نماید. نکته‌ی آخر اینکه به نظر می رسد با تجاربی که تاکنون به دست آورده‌ایم بایستی ریشه‌ی بسیاری از مسائل و مشکلات را در فقدان سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی ارزیابی کرد. انتظار این است که دولت توجه بیشتری به امر سرمایه اجتماعی نشان دهد و بیشتر درصدد شکل دادن شبکه‌های اجتماعی برای سپردن امور اقتصادی به مردم باشد. در واقع یکی از جدی‌ترین ارکان تحقق توسعه، دخالت دادن بخش خصوصی و انجمن‌های مردم نهاد در امور تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرا می باشد. بدون توجه به سرمایه‌ی اجتماعی قاعدتاً در دور باطل توسعه گرفتار خواهیم شد و ممکن است رسیدن به سر منزل مقصود را ممکن نسازد.

امید است دولت تدبیر و امید با استفاده از بازوی مشورتی خود یعنی بخش خصوصی در راستای تدوین برنامه‌های دقیق و منظم تلاش نماید و خود را نیز ملزم به رعایت و اجرای مفاد آن بنماید.

انسان توسعه‌ای، محور برنامه‌ی ششم توسعه

○ سید مهدی طبیب‌زاده
نایب رییس اتاق بازرگانی کرمان

در آستانه تدوین برنامه پنج ساله ششم توسعه قرارداریم و فعالیت‌های جدی و وسیعی برای این موضوع در حال انجام است و استان نیز به‌لحاظ برخورداری از مدیریت توسعه نگر و توسعه‌گرا و پیش‌بینی اجرای طرح‌های بزرگ و زیربنایی در مسیر توسعه جهشی در صنایع بزرگ و عمدتاً معدنی و زیربنایی در بخش‌های انرژی و حمل و نقل و آب قرار گرفته است. با مقایسه این وضعیت با سایر موقعیت‌هایی که منجر به تدوین برنامه‌های توسعه‌ای در سطح ملی و برش‌های استانی به شرایط نسبتاً مشابهی می‌رسیم و بنابراین می‌توانیم نتیجه بگیریم که همواره قصد و نیت‌هایی (کمتر یا بیشتر) وجود داشته که استان به استانی توسعه یافته تبدیل شود و مردم در سطح قابل قبولی از رفاه و معیشت قرار گیرند. اما با این همه تفاسیر این سوال پیش می‌آید که از این همه مواهب طبیعی خدادادی برخوردار است، ذخایر عظیم نفت، تنوع و حجم انبوه معادن، موقعیت بسیار ممتاز ژئوپولیتیکی، نیروی انسانی تحصیل کرده و متخصص، مدیران با انگیزه‌های قوی مذهبی و ملی، مجلس قانون‌گذاری متشکل از نمایندگان واقعی مردم و خیر خواه رستگاری و رفاه آن‌ها و تلاش‌های جهاد گونه آنان به نحوی که کمتر مدیری می‌توان یافت بخش اعظم وقت خویش را صرف فعالیت موظفی خود نکرده باشد.

چرا علی‌رغم برخورداری از همه عوامل توسعه، برنامه‌های متعدد توسعه‌ای (پنج برنامه قبل از انقلاب و پنج برنامه بعد از انقلاب) هنوز نیاز به تدوین برنامه‌های توسعه‌ای داریم و با اجرای ۱۰ برنامه توسعه با یک نگرش نسبتاً سختگیرانه حتی در زمره کشورهای توسعه یافته قرار نگرفته‌ایم. آمار نگران کننده‌ای که در بخش اقتصادی (تورم، رشد اقتصادی، اشتغال، بهره‌وری و غیره) از مراجع رسمی بیان می‌شود و هم‌چنین وضعیت شاخص‌های اجتماعی که دقت در آن‌ها و مقایسه با وضعیت مطلوب آزار دهنده است. همه و همه بیانگر این موضوع است که نمی‌توان کشور را به‌لحاظ شاخص‌های توسعه‌ای، کشوری حتی در حال توسعه ارزیابی کرد. لذا با این شرح سوال اصلی به ذهن متبادر می‌گردد این است که از چه عامل یا عواملی که به نظر می‌رسد بسیار هم تاثیرگذار بوده غفلت شده است؟ آیا به این موضوع فکر شده است؟ آیا نتایج و عملکرد برنامه‌ها با پیش‌بینی‌ها مقایسه شده است؟ اگر نشده که می‌توان با قاطعیت گفت سرنوشت برنامه‌های جدید هم تفاوتی با گذشته نخواهد کرد. اگر نتایج ارزیابی و با واقعیت‌های دور از انتظار مقایسه شده آیا علت اصلی ناقص بودن برنامه‌ها شناسایی شده است؟ اگر شناسایی شده چه عاملی بوده چه میزان تاثیرگذار بوده و چه تمهیداتی برای رفع علت کمتر موفق بودن برنامه‌های پیشین اندیشیده شده است. در نگاه اول به شاکله برنامه‌ها به نظر می‌رسد از عامل مهمی غفلت و یا بدان کمتر توجه شده است عاملی که امروزه ارزشمندترین سرمایه یک جامعه برای پیشرفت می‌باشد و سهم اصلی را در توسعه یک کشور یک منطقه و حتی یک استان دارد و این عامل نیروی انسانی است. در گذشته همواره تکیه بر منابع مادی (از جمله معادن، نفت، آب و خاک و اقلیم و غیره) بود و کشوری را مستعد توسعه می‌دانستند که این مواهب را در خود جای داده باشد اما امروزه توجه اصلی به نیروی انسانی به‌عنوان موثرترین عامل توسعه یک جامعه، یک منطقه و یا یک کشور می‌باشد و البته نه هر نیروی انسانی. نیروی انسانی مد نظر است که عالمانه و متعهدانه تمامی عوامل مادی را به‌کار گیرد و با تلفیق دانش و انگیزه قوی خود ابزارهای کارآمدی را خلق نماید. مقایسه کشورهای فاقد منابع مادی و البته برخوردار از نیروی انسانی زنده با کشورهای دارنده انواع مواهب طبیعی و مادی از لحاظ توسعه یافتگی از حوصله این بحث خارج است و البته اهمیت بسیار زیادی دارد و می‌بایست به تفصیل و در جای خود به آن پرداخته شود. اما ذکر این نکته بسیار ضروری است



که تا زمانی نیروی انسانی توسعه نگر و توسعه گرا امور اجرایی برنامه‌ها را به‌عهده‌نگیرند و ذهن‌های توسعه یافته و بینش‌های وسیع و افکار بلند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌ها را در یک جامعه شکل ندهند نمی‌توان انتظار چندانی از تاثیرگذاری برنامه‌ها، اراده‌ها، امکانات مادی مواهب و منابع در بهبود شرایط داشت. لذا با این شناخت اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی کرمان برآن شده است با به‌کارگیری اندیشمندان دانشگاهی، کارشناسان و متخصصان و مجریان سیستم‌های اداری و دولتی، فعالان پر تلاش بخش خصوصی ارزیابی دقیقی از نتایج عملکرد برنامه‌های استان داشته و با آسیب شناسی علل و دلایل کمتر موفق بودن آنها و نقش ورود سرمایه نیروی انسانی در معادلات توسعه‌ای به مدلی از توسعه کارا دست یابد.

تمرکز اصلی در این مقوله به مفاهیمی چون نیروی انسانی، انسان توسعه یافته و سرمایه‌ی اجتماعی خواهد بود که همین جا از کلیه صاحب‌نظران، اندیشمندان، اساتید، کارشناسان، فعالان اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی دعوت می‌نماییم اتاق را در تهیه مدلی کارآمد، همه جانبه، برای رسیدن به توسعه پایدار که همه شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جامعه را ارتقاء دهد یاری دهند تا بتوان امیدوار بود مسئله به‌درستی شناخته و راه حل درست و منطقی انتخاب گردد. این خلاصه آغاز طرح مسائلی از این نوع است و در مراحل بعدی به عوامل فوق‌الذکر با شرح و تفصیل بیشتری پرداخته خواهد شد.



○ مهدی ایرانی کرمانی

مهندس برق و الکترونیک از انگلستان و دانش آموخته جامعه شناسی از پاریس

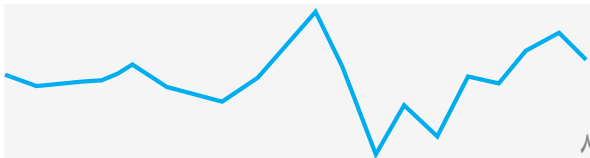
عضو هیات رییسه و رئیس کمیسیون فرهنگی اجتماعی اتاق کرمان

سرمایه گذاری صنعتی در استان کرمان

چکیده

این مقاله از دو بخش تشکیل شده است که بخش اول آن فضای صنعتی دو دهه‌ی قبل استان کرمان را ترسیم می‌کند. این فضا در سه بُعد بین‌المللی، ملی و محلی به تشریح وضعیت سرمایه‌گذاری و گام نهادن در مسیر توسعه‌ی صنعتی می‌پردازد.

در بخش دوم مقاله با بهره‌گیری از برخی نکات مهم بخش اول به تحلیل وضع فعلی می‌پردازد تا نشان دهد که در مسیر صنعتی شدن تا چه حد توانسته‌ایم مشکلات دو دهه قبل را حل نماییم و چه مقدار از مسائل به صورت لاینحل باقی مانده است.



سرمایه‌های سرگردان

این مقاله حدود بیست و اندی سال پیش برای درج در فصل‌نامه اتاق نوشته شد و به دلایلی به چاپ نرسید. شاید انتشار آن دو خاصیت داشته باشد؛ نخست آن که یادآوری کند که شرایط و مشکلات در آن دوره به چه صورت بوده و دوم آن که تاسف بخوریم که در بسیاری از مقوله‌ها در بر همان پاشنه می‌چرخد و آش همان آش و کاسه همان کاسه است. چرا در استان کرمان که منابع درآمد ارزی و ریالی قابل توجهی دارد سرمایه‌گذاری صنعتی نمی‌شود؟ چرا کرمانی‌ها که بزرگ‌ترین باغات مثمر کشور را به وجود آورده‌اند (تقریباً ۱/۴ باغ‌های ایران در استان کرمان است و با توجه به میانگین بارندگی کمتر از ۱۵۰ میلی‌متر در سال این دست‌آورد بزرگی است) و در طی قرون گذشته بزرگ‌ترین شبکه آبیاری زیرزمینی را احداث کرده‌اند با حفر قنات، این پدیده شگرف و ابداع نبوغ‌آمیز ایرانی از دل کویر خشک آب بیرون کشیده‌اند و یا در صنعت فرش دستباف تا چندی پیش بزرگ‌ترین تولیدکننده‌ی جهانی بوده‌اند در صنایع جدید سرمایه‌گذاری نمی‌کنند و گام موثری در تحول صنعتی این مرز و بوم بر نمی‌دارند.

چرا قسمتی از درآمد سرشار ناشی از تولید پسته و خرما و مرکبات و قالی و غیره، از کرمان (و احتمالاً از ایران) فرار می‌کنند و چرا قسمتی از آن صرف ایجاد تورم قیمت آب و زمین در مناطق پسته‌خیز یا خرماخیز می‌شود. بسیاری از پسته‌داران به علت این‌که مناسبات روستایی را بهتر از فرهنگ صنعتی می‌شناسند، مخصوصاً بعد از انقلاب برای سرمایه‌گذاری به جز ازدیاد مالکیت آب و باغ پسته و یا نخلستان راهی نمی‌شناسند و این بازخورد سرمایه در آب و باغ قیمت یک پمپ ۶ اینچی با ۴۰ لیتر آب‌دهی در ثانیه را تا سیصد میلیون تومان (قیمت یک موتور پمپ مشابه در خراسان و یا غرب فارس کمتر از یک دهم این مبلغ است) و هر هکتار باغ پسته ثمری را تا هشت میلیون تومان بالا برده است و بالاخره چرا قسمتی از آن درآمد سرشار به تکاثر ثروت غیرمولد نزد تعداد انگشت شماری دلال می‌انجامد؟ آیا زمینه‌های مناسب را برای درک، تحویل و گسترش صنعت و برای جذب سرمایه‌های سرگردان ایجاد کرده‌ایم؟ آیا توانایی‌های انسانی، اطلاعات و دانش فنی و مدیریت لازم را برای صنعتی شدن در اختیار داریم؟ آیا شرایط مطلوب و تشویق‌کننده را برای سرمایه‌گذاری صنعتی در ممالک عقب مانده و یا به تفسیری عقب نگه داشته شده جزئی از مقوله‌ی وسیع‌تری به

نام «توسعه‌ی اقتصادی است» که مبحثی بسیار مهم و تخصصی است و در بضاعت این نویسنده نیست که به شرح و تفصیلش بپردازد. اجمالاً عرض می‌شود که توسعه‌ی اقتصادی و به تبع آن سرمایه‌گذاری صنعتی ابعادی بین‌المللی، ملی و محلی دارد.

بُعد بین‌المللی توسعه‌ی صنعتی

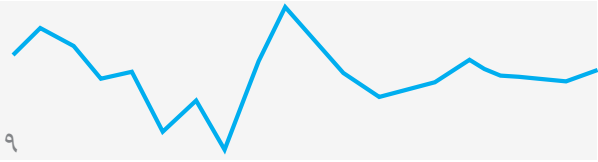
بعد از سقوط امپراطوری شوروی وضعیت به این صورت است که گرچه بین ممالک صاحب سرمایه (آمریکا، اروپا و ژاپن، به قولی کشورهای شمالی) تنش‌ها، چالش‌ها و رقابت‌هایی موجود است ولی هیچ کدام دایه مهربان‌تر از مادر نیستند و نهادهایی که ظاهراً برای کمک به توسعه‌ی اقتصادی و صنعتی کشورهای پیرامونی به وجود آمده‌اند (صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، و غیره) عملاً اهرم‌های بسیار موثری هستند برای جهت دادن به توسعه و فعالیت‌های صنعتی و بعضاً برای جلوگیری از تحول صنعتی و استقلال و توسعه‌ی اقتصادی در ممالکی نظیر کشور ما.

تکنولوژی و صنعت ابزار انحصاری کشورهای پیش‌رفته صنعتی هستند برای رفاه اقتصادی و اجتماعی خودشان، برای استمرار آقایی و سلطه فراگیرشان.

مگر نه این است که به قول یکی از بزرگان صاحب صنعت کرمانی هر چرخه‌ی که در این مملکت شروع به چرخیدن کند و یا هر کارخانه‌ای که در این دیار شروع به تولید کالایی کند لامحاله و در تحلیل نهایی چرخه‌ی در ممالک صنعتی باید از چرخیدن باز ایستد و کارخانه‌ای تعطیل شود.

پس دلیلی وجود ندارد که کشورهای پیش‌رفته صنعتی و سازمان‌های وابسته به آن‌ها واقعاً تمایل به صنعتی شدن مملکت

متأسفانه بعضی از هم‌وطنان و همشهریان ما که در دستگاه‌های دولتی صاحب مقام و قدرتی شده‌اند به جای این‌که مسئولیت وجدانی و اداری خود را ایفا کنند، به جای این‌که خدمتگزار جامعه و افراد و آحاد آن باشند امر بر آنان چنان مشتبه شده که ایشان سالارند و امیر و مردم فرمان‌بردار و تابع.



بعد ملی توسعه‌ی صنعتی

جامعه ایران دچار بحران است، تمام شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی اعم از ارقام مربوط به نرخ و روند تشکیل سرمایه ثابت که نشان دهنده میزان و چگونگی سرمایه‌گذاری‌های سالانه یک جامعه در کل فعالیت‌های اقتصادی- اجتماعی است، یا ارقام مربوط به تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه (با قیمت‌های ثابت) تورم، رشد سرطان‌گونه جمعیت، تنگناهای آموزشی، عدم امنیت قضایی و مالی، تخریب بی‌وقفه‌ی محیط زیست، فقدان عدالت اجتماعی، تنبلی و مصرف‌زدگی، دخالت دولت در تمام عرصه‌های زندگی اقتصادی همه و همه حکایت از وضعیت نامطلوب و حتی خطرناکی دارند.

در حالی که میلیون‌ها ایرانی زیر خط فقر زندگی می‌کنند، قسمت عمده‌ی نقدینگی کشور، که چند برابر بودجه عمومی دولت است تنها در دست اشخاص معدودی در بخش خصوصی است و این تفاوت فاحش درآمدها نشانگر فقدان عدالت و از مشخصه‌های بارز آسیب‌شناسی اجتماعی- اقتصادی است. وضعیت ارزی کشور هم مشعشعانه نیست و با احتساب هزینه سرویس بدهی‌هایی که در دوران برنامه اول از طریق استفاده از تسهیلات یوزانسی^۲ به وجود آمده و هزینه‌های ارزی استخراج نفت، تجهیزات نظامی و غذا و دارو و سایر هزینه‌های ضروری دیگر در مقایسه با درآمدهای ارزی حاصله از فروش نفت و صادرات غیرنفتی ملاحظه می‌شود که ارز قابل توجهی برای صنایع موجود و یا ایجاد صنایع جدید باقی نمی‌ماند.

ظرف سال‌های بعد از جنگ تحمیلی دروازه‌های مملکت را چنان بی‌ضابطه باز کردیم که هر چه جفجغه تایوانی و میراندای عربی و ماشین کره‌ای و ژاپنی و بنجل‌های هنگ کنگی و البسه‌ی ترکی و سیگار آمریکایی و غیره بوده توانستند وارد این مملکت بشوند و بعد از عسرت^۳ نسبی دوران جنگ نه فقط مردم معمولی بلکه بعضی از دولت‌مردان ما نیز دچار آن چنان مصرف‌زدگی شدند بنزهای چند ده میلیون تومانی و موبایل‌های چند میلیونی

۲- اعتبارات اسنادی مدت‌داری که به ضمیمه‌ی اسناد حمل کالا، برات عهده بانک گشاینده ارسال می‌گردد را یوزانس گویند. یوزانس در لغت به معنی «فرجه»، «مهلت» و «وعده پرداخت» می‌باشد و در اصطلاح سرمایه‌گذاری به معنی توافق بر پرداخت قیمت فناوری و تجهیزات دریافت شده در قبال ارائه برات مدت دار می‌باشد.

۳- تنگدستی

ما، یا هر مملکت جنوبی دیگری به جز یکی دو استثنا را داشته باشند کدام کشور دنیای سومی پیرامونی را سراغ داریم که با جذب در بازار بین‌المللی سرمایه «توسعه‌ی اقتصادی» به‌دست آورده باشد؟ برزیل یا مکزیک، پاکستان یا ترکیه، شیلی یا آرژانتین؟ هدف اصلی بازار بین‌المللی سرمایه به زیر سیطره کشیدن ممالک پیرامونی و به ویژه ممالکی بوده است که منابع طبیعی سرشاری داشته‌اند، ممالکی چون عربستان، کنگو، برزیل یا ایران.

بعد از آن‌که در تار و پود شرایط و مدل‌ها و تعهدات آن‌ها گرفتار شدیم و بعد از آن‌که در چنبره دیون میلیارد دلاری آن‌ها گرفتار آمدیم نه راه پس خواهیم داشت و نه راه پیش، جز آن‌که استقلالمان را از دست بدهیم و به صورتی منفعل به اوامرشان عمل کنیم.

اکنون که خطر بالقوه حضور شوروی‌ها در حوزه‌های خلیج فارس منتفی شده و اکنون که اروپای شرقی و وحدت آلمان، گسترش بازار مشترک اروپا، رشد صنعتی مملکت ۱/۲ میلیاردی چین به عنوان استراتژیک ترین مسئله جهانی مطرح شده بازار بین‌المللی سرمایه به شواهد آمار و ارقام موجود ترجیح می‌دهد که توان سیاسی و اقتصادی خود را در درجه اول متوجه قطب‌های صنعتی موجود (آمریکا، بازار مشترک و ژاپن) یا عمدتاً کشورهای OECD^۱ و سپس وقف اروپای شرقی و احتمالاً چین کمونیست کند و در حال حاضر خاورمیانه و کشور ما (حداقل از دیدگاه سرمایه‌گذاری صنعتی) آن چنان در کانون توجه آن‌ها نیستند. بنابراین ما باید هوشیارانه عمل کنیم و بدانیم که در شرایط کنونی بین‌المللی هیچ‌کس دلش به حال ما نسوخته و مخصوصاً متولیان «نظم نوین جهانی» نه فقط در راه توسعه‌ی اقتصادی و تحول صنعتی به ما کمکی نمی‌کنند بلکه منافعشان در این است که هم‌چون سه چهار قرن گذشته جلوی پیشرفت بالقوه و بالفعل ما را بگیرند. ما باید فقط و فقط به تلاش‌ها و پوشش‌های خودجوش و درون‌زای خودمان متکی باشیم، بایستی با به کارگیری همه امکانات مادی و فرهنگی موانع توسعه‌ی اقتصادی و سرمایه‌گذاری صنعتی را از میان برداریم، بایستی به تولید بپردازیم و یادمان باشد که ممالک ثروتمند و قوی فقط و فقط از راه تولید آن هم با بهره‌وری بالا به آن‌جا رسیده‌اند، که گفته‌اند:

برو قوی شو اگر عزم زندگی داری



۱۰

ما باید هوشیارانه عمل کنیم و بدانیم که در شرایط کنونی بین‌المللی هیچ‌کس دلش به حال ما نسوخته و مخصوصاً متولیان «نظم نوین جهانی» نه فقط در راه توسعه‌ی اقتصادی و تحول صنعتی به ما کمکی نمی‌کنند بلکه منافعشان در این است که همچون سه چهار قرن گذشته جلوی پیشرفت بالقوه و بالفعل ما را بگیرند.

از ۱/۶ تقلیل یافته و با رشد جمعیت حتی اگر تمامی اهداف برنامه اول تحقق پذیرد بیش از دو میلیون کودک واجب‌التعلیم از ورود به مدرسه محرومند. تحصیلات دانشگاهی، که آن نیز از ارکان ضروری توسعه اقتصادی است مشکلات آشکاری دارد که نیاز به توضیح ندارد. مهندس علی رضا افضلی پور این بزرگ‌مرد غیرکرمانی با ایجاد دانشگاه کرمان نه فقط همه ما کرمانی‌ها را مدیون و شاکر همت خود کرده و درسی به ثروتمندان داده بلکه تا ابد نام نیکی از خود بر صفحه روزگار به یادگار گذاشته (همچنین لازم می‌دانم همین جا از یک همشهری با حمیت، یک کرمانی اصیل، یک انسان سازنده و والامقام به نام آقای عطا... احمدی، که در ایجاد فضاهای آموزشی کرمان تلاشی بی‌نظیر نموده و بیش از چند ده هزار متر ساختمان مدرسه ساخته است یاد می‌کنم و از ایشان به خاطر همت والایشان قدردانی نمایم).

عارضه دیگری که گریبان‌گیر جامعه ما شده و امیدواریم که کوتاه مدت واگذار باشد، تنبلی، بیکاری و دم‌غنیمی است، به جرات می‌توان گفت که به استثنای افراد معدودی تقریباً هیچ‌کس آن‌طور که باید و شاید کار سازنده و مثبت نمی‌کند، آن‌هایی هم که کار می‌کنند بهره‌وری مطلوب را ندارند. هر فردی هم که ظاهراً «کار» دارد بار تکفل ۶ الی ۷ نفر را بر دوش می‌کشد. طبق برآورد سازمان امور اداری و استخدامی کشور میانگین کار مفید هر کارمند دولت در روز کمتر از یک ساعت است.

متأسفانه بعضی از هم‌وطنان و همشهریان ما که در دستگاه‌های دولتی صاحب مقام و قدرتی شده‌اند به جای این‌که مسئولیت

و غیره نمادهای بسنده‌ای از چنین رویه‌ای است که مصالح دراز مدت کشور نادیده گرفته شد. مگر نه این است که درآمد سرانه‌ی ما به کمتر از ۸۰۰ دلار رسیده و نسبت به سال‌های قبل از جنگ سه چهار مرتبه فقیرتر شده‌ایم، مگر نه این است که اگر به خود نیاییم و طرحی نو درنندازیم و زمینه‌های مساعد برای سرمایه‌گذاری صنعتی، برای صنعتی شدن، برای ایجاد اشتغال و برای انباشت سرمایه مولد را فراهم نکنیم آینده‌ای هولناک انتظارمان را می‌کشد؟

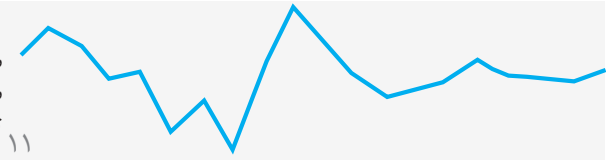
اگر می‌خواهیم فرزندانمان را از عقب‌ماندگی مزمن برهانیم نباید اجازه دهیم سرمایه‌هایی که بایستی ایجاد صنعت کنند و زاینده و ازنده و اشتغال‌زا باشند به وسیله دلال‌های وطنی و غیروطنی این چنین به یغما بروند و نیست و نابود شوند.

در این جا لازم است به نکته‌ای در مورد ماهیت اقتصادی ایران اشاره کنم که متأسفانه اقتصادی است مبتنی بر مناسبات دلالی و سرمایه‌داران ایران اغلب واسطه‌کارند نه مولد و پویا که این خود ریشه در عوامل فرهنگی و تاریخی و سیاسی و اجتماعی دارد و شدیداً احتیاج به تحول دارد.

چنانچه رشد بی‌رویه و سرطانی‌گونه جمعیت، طبق روند لجام گسیخته فعلی ادامه یابد و به وسیله‌ی زعمای روحانی و سیاسی کشور مه‌ماه نشود هر چند توقعات در یکی دو سال گذشته بدست آمده هولناک‌ترین خطری است که آینده این مملکت را تهدید می‌کند و اگر توفیقی در توسعه‌ی اقتصادی و روند صنعتی شدن و ایجاد کار مناسب بدست نیاوریم ظرف چند ساله آینده وضعیتی نظیر کشورهای قحطی زده آفریقا خواهیم داشت.

در استان کرمان سالانه حدود ۱۰ تا ۱۵ هزار نفر وارد بازار کار می‌شوند یا حداقل در شرایط کنونی به خیل افرادی که برای کسب معاش به تکاپو می‌افتند اضافه می‌شوند و چون مفری وجود ندارد و چون فعالیت‌های اشتغال‌زایی نیست بخشی از اینان به انبوه سرخوردگان اجتماعی، بخشی به جمع قاچاقچیان، بعضی به جماعت سیگار فروش و دلالان دوره‌گرد و بخشی به جمع اشاعه‌کنندگان مفساد و اعتیاد و بالاخره بخشی هم به حرف غیرمولد و مخرب دیگر می‌پیوندند.

از یک طرف آموزش در مقاطع دبیرستانی و دانشگاهی عارضه بیکاری در بین جوانان را برای مدتی کوتاه به عقب می‌اندازد و از طرف دیگر آموزش که لازمه توسعه‌ی اقتصادی است در کشور وخیم است و فقط به همین نکته اکتفا می‌کنم که هزینه سرانه‌ی آموزشی طی سال‌های ۵۹ تا ۶۷ (با قیمت‌های ثابت) به کمتر



شجاعت و در برابر مشکلات و مصائب بی‌شمار اقدام به احداث واحدهای صنعتی در استان کرمان می‌نمایند و از موانع عدیده بوروکراتیک می‌گذرند و در شهرک‌های صنعتی سراسر استان قطعه زمینی می‌گیرند و بعضاً سالی هم سرپا می‌کنند و بالاخره در مانده و مال‌باخته متوقف می‌شوند، با تأمین آب و برق مسئله دارند، با تسهیلات بانکی مسئله دارند، با امکانات ارتباطی مسئله دارند، با قانون کار مسئله دارند، با انواع مقررات ضد و نقیض سازمان‌های دولتی مسئله دارند و بالاخره با تورم فزاینده و افتتاح اعتبار و غیره نیز مسئله دارند.

سایر موانع محلی ملحم از شرایط بین‌المللی و ملی است که جلوتر به آن‌ها اشاره رفته است.

بنابراین همان‌طور که قبلاً اشاره شد، جامعه دچار بحران است و ما کرمانی‌ها هم جزئی از این جامعه هستیم و این بررسی بسیار مختصر نشان می‌دهد که جامعه ما مریض است و با آسپیرین و حتی آنتی‌بیوتیک درمان می‌شود و سخت نیاز به عمل جراحی دارد. حالا ما مخیریم به این که کنج قناعت پیشه کنیم، یا طرحی نو دراندازیم.

سال‌ها پیش استادی داشتم که می‌فرمود برای حل یک مسئله بایستی در درجه‌ی اول اذعان نمود که مسئله‌ای هست بعد باید صورت مسئله را آشکارا تبیین کرد و فهمید و بعد از آن باید اراده و تصمیم به حل آن مسئله گرفت. یعنی با نادیده گرفتن مسئله، تظاهر به این که مسئله‌ای وجود ندارد و یا به تعویق انداختن و فرار از حل آن مسئله نه حل می‌شود و نه ناپدید می‌شود. زمانی که وجود مسئله ثابت و بیان و درک شد بایستی کمر همت بست و رودررو با مسئله برخورد عقلانی کرد و در این مورد خاص بایستی جراحی کرد.

خوشبختانه اسباب کار و تمهیدات عمل در ایران و مخصوصاً در کرمان فراهم است و می‌توان نوید داد که برنامه اول توسعه به توفیق‌هایی هر چند بر طبق پیش‌بینی‌های طراحان آن در راه بهبود اوضاع دست یافته و آینده نیز سیاه نیست، هر چند که تا سرمنزل مقصود که رفاه و تعالی هم است راه درازی در پیش داریم، آمار تشکیل سرمایه ثابت رو به رشد است، تولیدات صنعتی و معدنی کشور طی سال‌های ۶۷ به بعد بیش از پیش‌بینی‌های برنامه‌ی اول رشد داشته، تولید ناخالص ملی از رشد متوسط سالانه‌ای برابر با ۳/۲ درصد برخوردار بوده (هر چند به علت انفجار جمعیت درآمد سرانه رشد منفی داشته) صادرات بخش صنعت رشد متوسط سالانه‌ای بیش از صد درصد داشته و

وجدانی و اداری خود را ایفا کنند، به جای این که خدمت‌گزار جامعه و افراد و آحاد آن باشند امر بر آنان چنان مشتبه شده که ایشان سالارند و امیر و مردم فرمان‌بردار و تابع. و باز هم متأسفانه علاوه بر تورم کارمند، تقریباً هیچ کنترلی در ارائه و کمیت خدماتی که دولت ارائه می‌دهد نیست و این دستگاه‌ها مشابه دیوان‌سالاری‌های کشورهای بلوک شرق قبل از فروپاشی نظام کمونیستی شده‌اند. ناگفته نماند که شریف‌ترین و دلسوزترین و متدین‌ترین انسان‌ها نیز در همین نظام دولتی وجود دارند و نظام قائم و استوار به این‌هاست ولی به طور کلی قاعده بر آن است که عرض شد.

آیینه گر عیب تو بنمود راست

خود شکن آیینه شکستن خطاست

بعد محلی توسعه‌ی صنعتی

در کرمان سه مجموعه نسبتاً بزرگ صنعتی وجود داشتند که به وسیله بخش خصوصی و در سال‌های قبل از انقلاب احداث شده بودند. این واحدهای عبارتند از: کارخانه سیمان، شرکت سیم‌رغ و مجتمع شرکت‌های پلاستیک، ریخته‌گری، کود مایع‌سازی و سردخانه. تمام این واحدهای صنعتی به نحوی از انحاء از ید مالکین خارج شد و قسمت عمده اگر نه تمام مالکیت آن‌ها به تملک دولت با نهادهای دولتی درآمد.

این بسیار طبیعی است که بخش خصوصی اعم از سرمایه‌گذار بالقوه جدید و یا صاحب صنعت قبلی و یا تاجر و باغدار قدیم و جدید به دلایل متعدد رغبتی به سرمایه‌گذاری در صنعت نشان ندهد.

در جو متشنج سیاسی کشور پس از انقلاب در مورد مقولات اقتصادی خارج از آن مقوله تصمیم گرفتند و صنایع را دولتی کردند بعد از گذشت ۱۶ سال دیدیم که بعضی از این تصمیم‌ها صحیح نبوده است. آیا وقت آن نرسیده که بر اساس تجربه‌های ملموس، داده‌های عینی و مطالعه‌ی وضعیت موجود اقتصادی کشور برای این واحدها تصمیم خردمندانه‌ای گرفته شود تا گرایش به سرمایه‌گذاری صنعتی این‌گونه مجدد نابود نشود.

عدم هماهنگی در زمینه‌های تولید و تسهیلات و خدماتی که سازمان‌های دولتی موظف به ارائه آن‌ها هستند مددکار که نیستند هیچ بلکه محل هم هستند. در سال‌های اخیر با وجود همه موانع و مصادیقی که برای شبکه سرمایه‌گذاری صنعتی وجود داشته و دارد صدها شخصیت حقیقی و حقوقی با تهور و

و ایجاد اشتغال می‌دانیم معنی‌اش این نیست که خدای ناکرده موضعی خلاف منافع کارگران اتخاذ می‌کنیم، کاملاً برعکس، مراد ما از توسعه نهایتاً «تعالی انسان‌ها» است و از این دیدگاه کاهش همه‌ی نابرابری‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی مد نظر است. بر این عقیده هستیم که فقر و بی‌عدالتی از موانع توسعه است و امیدواریم که با گسترش مالکیت به کارگران قدمی در تعمیم عدالت اقتصادی برداشته شود. در عین حال برای سامان بخشیدن به هر سازمانی تنبیه و پاداش را ضروری می‌دانیم و هر خطایی را مستوجب عقوبتی و اگر اختیار پاداش و تنبیه کارفرمایان و مدیران و صاحبان صنعت سلب شود در دراز مدت نه فقط کمکی به کارگر نکرده‌ایم که تیشه به ریشه‌اش زده‌ایم. قانون فعلی کار به جای حفظ حقوق کارگر از طریق بیمه‌های اجتماعی و پرداخت حقوق ایام بیکاری عملاً کارگر و کارفرمای ناراضی را در مقابل هم قرار می‌دهد و مجبور به ادامه قرارداد کار می‌نماید و شرائط دخالت کارمندان ناراضی دولتی را نیز در روابط این دو فراهم می‌سازد و محیط کار عملاً محل مانور این سه نیروی متضاد می‌شود.

هم‌چنین لازم است که هرچه بیشتر از فرهنگ مصرف‌زدگی بپرهیزیم و جداً صرفه‌جویی پیشه کنیم، کار سازنده و مولد را تشویق کنیم، دلالی و دلال‌صفتی را مذموم بداریم، هماهنگی خردمندان‌های در زمینه‌های سرمایه‌گذاری صنعتی ایجاد کنیم. گفته می‌شود کارخانه فولاد کرمان که قرار است در بردسیر احداث شود به حدود ۳۰۰ مگاوات نیروی برق نیاز دارد در صورتی‌که برای صنایع و مصارف موجود با کمبود نیروی برق مواجه هستیم و یا مثلاً در رفسنجان گاوآردی بزرگی احداث شده که گاوش را از هلند، علوفه‌اش را از نرماشیر و بوم و بردسیر

رشد جمعیت در اثر مساعی (ناکافی) همگان کندتر شده است که البته همه این‌ها بسیار امیدوار کننده است.

بدون تعارف ملت ایران از ضریب هوشی بسیار بالایی برخوردار است، ترکیب جمعیت جوان است و توانایی‌های بالقوه یادگیری و ازدیاد بهره‌وری را دارد. نتایج غرور آفرینی که بچه‌های ما با وجود همه تنگناهای اطلاعاتی و آموزشی در المپیادهای بین‌المللی کسب می‌کنند و موفقیت‌های ممتازی که دانشگاه رفته‌های ما در ممالک دیگر بدست می‌آورند موید این مدعا است. ایران سرشار از منابع طبیعی است و کرمان علاوه بر متجاوز ۲۰۰۰ میلیارد ریال درآمد ناخالص از محصولات کشاورزی، مس و آهن و ذغال سنگ و غیره (که طبیعتاً متعلق به همه‌ی کشور است) دارای شبکه حمل و نقل قابل قبولی است.

انرژی هم یکی از بزرگترین معضلات و نیازهای کشورهای پیشرفته صنعتی است و به خاطر آن جنگ می‌افروزند و کشتار می‌کنند و کشورهای جنوبی را به جان هم می‌اندازند و نسل‌کشی می‌کنند در اختیار ماست. طبق اظهار نظر کارشناسان خبره مملکت هیچ یک از کشورهای خاورمیانه در دوران معاصر به اندازه ایران در ابزار تکنولوژی سرمایه‌گذاری نکرده است (هرچند که باید به خاطر بسپاریم که به صرف وارد کردن ابزار صنعت الزاماً صنعتی نمی‌شویم).

برخلاف شوخی رایج بین ما کرمانی‌ها که خودمان را به بی‌حالی و لاقیدی متهم می‌کنیم، همین کرمانی‌ها در طول تاریخ صدها هزار کیلومتر قنات ساختند و در دوران معاصر بیش از سیصد هزار هکتار باغات مثمر به وجود آوردند. پس پیش زمینه‌های همت کهن نیز نمرده است. در صورتی‌که شرایط مساعد باشند و زمینه امر فراهم باشد و موانع مصنوعی از سر راه برداشته شوند می‌توان بر مشکلات فایز آمد، مشروط بر این‌که سازمان دولت «باز» باشد و مردم را در جریان کلیه‌ی اطلاعات و آمار و ارقام و وضعیت موجود قرار دهد، ملت و دولت احساس تعلق متقابل کنند، نه دولت خودش را آقا بالاسر ملت بداند و نه ملت خودش را جدا و خدای ناکرده در مقابل دولت ببیند، دولت‌مردان اعم از خرد و کلان از انتقاد نهراسند و در حقیقت از آن استقبال کنند، آزادی و امنیت سیاسی و مالی و قضایی باشد تا هم بیان درد بشود و هم با مشارکت و مشاورت کارشناسان دلسوز ارایه طریق شود. قوانین و مقررات دست و پاگیر نظیر قانون کار فعلی اصلاح بشوند (توضیحاً عرض می‌شود که اگر قانون فعلی کار را مانعی در راه گسترش سرمایه‌گذاری صنعتی

ظرف سال‌های بعد از جنگ تحمیلی دروازه‌های مملکت را چنان بی‌ضابطه باز کردیم که هر چه جغیغه تابوانی و میراندای عربی و ماشین کره‌ای و ژاپنی و بنجل‌های هنگ کنگی و البسمه‌ی ترکی و سیگار آمریکائی و غیره بوده توانستند وارد این مملکت بشوند.



در حالی که میلیون‌ها ایرانی زیر خط فقر زندگی می‌کنند، قسمت عمده‌ی نقدینگی کشور، که چند برابر بودجه عمومی دولت است تنها در دست اشخاص معدودی در بخش خصوصی است و این تفاوت فاحش درآمدها نشانگر فقدان عدالت و از مشخصه‌های بارز آسیب‌شناسی اجتماعی - اقتصادی است.

گرفتن شماره‌های بین‌المللی در شرایط ایران که نرخ ارز و به تبع آن نرخ کالا و مواد روزانه و گاه ساعت به ساعت متغیر است نداشتن ارتباط تلفنی یعنی قطع ارتباط با بازار، وعده‌های ده سال گذشته در مورد سیستم مخابراتی کشور جامه عمل پوشیده و وضع به طور محسوسی حتی از زمان جنگ تحمیلی بدتر شده است. سرمایه‌گذار تهرانی به علت تمرکز امور در تهران و همچنین امکان ارتباط مستقیم با خارج به مراتب در موقعیت بهتری نسبت به سرمایه‌گذار کرمانی قرار گرفته است.

اگر عملکرد سالانه حساسی در بانک‌های دولتی بیش از هزار میلیون ریال باشد و استثنائاً صاحب حساب نیاز به یک میلیون ریال تسهیلات over drought (بیش از موجوی چک کشیدن) داشته باشد بانک‌های دولتی چک این صاحب حساب را برمی‌گردانند در حالی که اگر بانک خصوصی باشد، برای مشتری خوش حساب خود قطعاً بیش از این ارزش قایل است. البته این مسئله انحصاراً مربوط به کرمان نیست ولی در تهران منابع مالی غیربانکی متمرکز وجود دارند که صاحب صنعت یا سرمایه‌گذار در زمان گرفتاری می‌تواند از تسهیلات خصوصی (هر چند با بهره بالاتر) استفاده کند و این امکانات در کرمان وجود ندارد و لذا ضرورت تأسیس و گسترش بانک‌های خصوصی را در کرمان دو چندان می‌کند.

نکته‌ی آخر و بلکه یکی از مهم‌ترین نکته‌ها اعتماد به نفس و باور داشتن خودمان است. باید باورمان بشود که می‌توانیم با تلاش خردمندان روی پای خودمان بایستیم و سیر قهقاریایی چندصد ساله را عوض کنیم، می‌توانیم با تکیه بر نیروی لایزال همیشگی ملی و فرهنگی و مشارکت صادقانه زنان و مردان ایرانی در سازندگی، موانع را از میان برداریم.

و نگار فراهم می‌کند و بازار بزرگ مصرف شیرش در شهر کرمان است.

ما ناچار هستیم به تحقیقات و پژوهش‌های ملی و محلی عنایت بیشتر کنیم و به جای این که الگوهای تقلیدی و عاریتی را در بست قبول کنیم در پی دیدگاه‌های ملی و محلی با راهبردهای متناسب باشیم که این مهم از عهده‌ی کارشناسان و پژوهشگران و خردمندانی ساخته است که دلشان برای این سرزمین می‌تپد. مسوول اداره کل صنایع کرمان یکی از صدیق‌ترین مثبت‌ترین خدمت‌گزاران جامعه کرمانی است و در مدت کوتاهی که این مسوولیت را داشته و حتی قبل از آن هم خود را تا آن جایی که به حوزه مسوولیت ایشان مربوط است در راه توسعه صنعت کرمان معطوف دانسته ولی هنوز استان یزد با مردم سخت‌کوش و هوشیارش و با امنیت و اعتماد محلی فزون‌تر از ما در راه توسعه‌ی صنعتی بسیار موفق‌تر از ما کرمانی‌ها عمل کرده است. پیشنهاد می‌شود که دستگاه‌های عریض و طویل دولتی شدیداً کوچک شوند، کارایی آن‌ها زیاد شود و روند خصوصی‌سازی از روی تأمل و تعمق پیش رود و مقدار عمده‌ای از مسوولیت‌هایی که فعلاً بر دوش بخش دولتی است (نه همه‌ی آن‌ها) به بخش خصوصی منتقل شود. به طور مثال سیستم بانکی ما تماماً دولتی است و خدمات بانکی متناسب با سرمایه‌گذاری تجاری یا صنعتی ارایه نمی‌شود.

ایجاد یک بانک اطلاعات سرمایه‌گذاری صنعتی و نشریات مربوط در این مورد ضروری است تا اطلاعات مفید و مطلوب را به گونه‌ای در اختیار باغدار زرنندی و رفسنجانی و تاجر کرمانی و هر علاقمند بالقوه قرار دهد که هم به آسانی قابل دسترسی و هم مفهوم باشد.

انباشت سرمایه مولد از ضروریات پیشرفت و توسعه‌ی اقتصادی است، مخصوصاً سرمایه‌ای که نتیجه‌ی تلاش و پویندگی و فعالیت اشتغال‌زا باشد و بنابراین کارخانه‌دار و یا تولیدکننده‌ای که «سرمایه‌دار» شده است را به دیده حقارت ننگریم بلکه در کنف حمایتش قرار دهیم و تمهیدات آن را چنان فراهم کنیم که این سرمایه‌دار اعم از حقیقی و یا حقوقی در راستای توسعه‌ی اقتصادی ملی قدم بردارد.

* مسئله‌ی ارتباطات تلفنی یا خطوط ردوبدل اطلاعات جدید در کرمان یکی از موانع بزرگ سرمایه‌گذاری است. گرفتن شماره‌ای در تهران گاه یکی دو ساعت وقت لازم دارد و بعد از دوسه دقیقه که ارتباط برقرار شد خط تلفن قطع می‌شود.

تحلیلی بر مقاله‌ی «سرمایه‌گذاری صنعتی در استان کرمان»

○ محمدرضا دهقان پور؛ کارشناس ارشد اقتصاد، کارشناس مرکز تحقیقات اتاق کرمان

براساس آخرین آمار رسمی موجود در جدول شماره ۱، در سال ۱۳۹۰، سهم استان کرمان از مصرف آب‌های کشور ۶٫۷ درصد و از تولید ناخالص داخلی کشور ۲٫۶ درصد می‌باشد. این نشان می‌دهد که سهم مصرف آب سایر استان‌ها از مقدار آب باقیمانده در کشور به طور متوسط ۳٫۱۱ درصد می‌باشد و از طرف دیگر اگر سهم تولید استان ۲٫۶ درصد باشد نشان می‌دهد که متوسط سهم تولید سایر استان‌ها ۳٫۲۴ درصد می‌باشد. این آمار به نوعی راندمان پایین آب در استان کرمان را نشان می‌دهد. براساس این آمار، سهم بخش کشاورزی استان در مصرف آب ۹۴٫۶ درصد، صنعت و معدن ۱٫۱ درصد و بخش خدمات ۴٫۳ درصد می‌باشد. در حالی که سهم تولید بخش کشاورزی از کل تولیدات استان ۲۱٫۹ درصد، صنعت و معدن ۳۷٫۴ درصد و خدمات ۴۰٫۷ درصد می‌باشد. این آمار گویای بهره‌وری بسیار پایین آب در بخش کشاورزی می‌باشد، به گونه‌ای که بهره‌وری آب در بخش کشاورزی به ازای یک متر مکعب ۶۰۱۳ ریال، در بخش صنعت ۸۶۶۰۵۷ ریال و در بخش خدمات استان ۲۴۴۹۴۰ ریال می‌باشد. به طور کلی میزان بهره‌وری آب در تولید ناخالص داخلی استان به ازای هر متر مکعب ۲۵۹۶۷ ریال می‌باشد که نسبت به میانگین کشوری با رقم ۶۶۲۴۱ ریال بسیار پایین است. در جدول زیر میزان بهره‌وری آب و تولیدات بخش‌های مختلف در استان کرمان و میانگین کشوری با یکدیگر مقایسه شده‌اند.

مقاله‌ی «سرمایه‌گذاری صنعتی در استان کرمان» را همان‌طور که ملاحظه می‌کنید فضای مربوط به دو دهه‌ی قبل استان کرمان با محوریت رشد صنعت و افزایش سرمایه‌گذاری در بخش صنعت را ترسیم نموده است.

بنابراین این فرصت را مغتنم شمرده و با تاکید بر برخی نکات ارایه شده در این مقاله به تشریح وضعیت فعلی اقتصاد و صنعت در استان و بعضاً در کشور می‌پردازیم تا نشان دهیم استان کرمان به لحاظ صنعتی طی این دو دهه چه پیشرفت‌هایی داشته است، چه مشکلاتی را پشت سر گذاشته و کدام یک به قوت خود باقی مانده‌اند. بنابراین در طی بندهای زیر به برخی نکات مهم بدین شرح اشاره می‌شود.

۱- صاحب قلم ضمن ابراز خرسندی از این موضوع که دو دهه قبل در استان کرمان توانسته‌ایم با حفر قنات و با کمک نوبغ ایرانی از دل خشک کویر، آب را استحصال نماییم و تسلط بر یک چهارم باغ‌های کشور را به دست آوریم، از این‌که ماحصل این اقدامات کمکی به رشد صنعتی و افزایش سرمایه‌گذاری‌ها در بخش صنعتی نکرده است ابراز نارضایتی می‌کند.

حال می‌توان نشان داد که طی این دو دهه با این منابع آبی چه برخوردی شده است و دستاورد این دو دهه چه بوده است و اینکه آیا این استحصال و دستیابی به این منابع آبی چقدر توانسته است رشد پایدار اقتصادی را موجب شود.

جدول ۱- مقایسه بهره‌وری آب و میزان تولید بخش‌های مختلف در استان و کشور سال ۱۳۹۰

سهم استان از مصرف آب در کشور	سهم استان از تولید ناخالص داخلی کشور	کشور			استان			شرح
		بهره وری یک متر مکعب آب (ریال)	آب مصرفی (میلیون مترمکعب)	تولید ناخالص داخلی (میلیارد ریال)	بهره وری یک متر مکعب آب (ریال)	آب مصرفی (میلیون مترمکعب)	تولید ناخالص داخلی (میلیارد ریال)	
۶٫۷	۲٫۶	۶۶۲۴۱	۹۳۰۰۰	۶۱۶۰۴۴۲	۲۵۹۶۷	۶۲۵۰	۱۶۲۲۹۷	تولید ناخالص داخلی
۶٫۹	۷٫۱	۵۷۹۴	۸۶۰۰۰	۴۹۸۲۶۵	۶۰۱۳	۵۹۱۰	۳۵۵۳۷	کشاورزی
۳٫۵	۲٫۳	۱۳۳۷۴۶۰	۲۰۰۰	۲۶۷۴۹۱۹	۸۶۶۰۵۷	۷۰	۶۰۶۲۴	صنعت و معدن
۵٫۴	۲٫۲	۵۹۷۴۵۱	۵۰۰۰	۲۹۸۷۲۵۷	۲۴۴۹۴۰	۲۷۰	۶۶۱۳۴	خدمات

ماخذ: معاونت برنامه‌ریزی استانداری کرمان



یا فرصت» به تحلیل نقش دلالتان در اقتصاد استان پرداخته است که به برخی از مطالب آن اشاره می‌شود.

در این گزارش آمده که در مواد ۳۳۵ و ۳۳۶ قانون تجارت جمهوری اسلامی برای دلالت، تعریفی بدین شرح ارائه شده است: «دلالت کسی است که در مقابل اجرت، واسطه‌ی انجام معاملاتی شده یا برای کسی که می‌خواهد معاملاتی نماید، طرف معامله پیدا کند. اصولاً قرارداد دلالتی تابع مقررات، راجع به وکالت می‌باشد. دلالت می‌تواند در رشته‌های مختلف دلالتی نموده و شخصاً نیز تجارت کند» و همچنین به مطالبی پیرامون پروانه‌ی دلالتی و نحوه صدور آن، نحوه‌ی تعیین اجرت دلالتی و چگونگی قرارداد انعقاد دلالتی نیز اشاره شده است. همچنین در ادامه بیان می‌دارد: «اگرچه دلالتی در ذهن و دیدگاه بسیاری از مردم جایگاهی منفی دارد، اما اغلب از این غافل هستیم که واسطه‌گری برای نظام اقتصادی یک امر ضروری است. اگر چه گاهی اوقات مردم، گناه گرانی را به گردن دلالتان می‌اندازند، اما فضای کاری منفی کنونی دلالت‌ها، در حقیقت محصول همان فضای غیررقابتی است که اکنون در اقتصاد ما وجود دارد». نتیجه‌ی این گزارش نشان می‌دهد که دلالتی بایستی به مثابه یک سیستم و ساختاری منظم برای سهولت معامله باشد، حال هر چه این ساختار از هم گسیخته و بدون برنامه باشد و یا دخالت بیش از اندازه‌ی دولت را در خود داشته باشد، قاعدتاً نتایج نامطلوبی به دنبال خواهد داشت که یکی از نتایج آن حضور پررنگ واسطه‌هایی است که درآمدها را از چرخه‌های مولد به سمت فعالیت‌های نامولد می‌برند. حال اگر منظور از دلالت در این مقاله همان باشد که اینجا مطرح شد می‌توان بیان داشت که متأسفانه با گذشت دو دهه هنوز نتوانسته‌ایم سیستم دلالتی را مکانیزه نماییم و ظاهراً هنوز هم با جدیت این مسئله دنبال نمی‌شود. البته بیشتر به نظر می‌رسد که این موضوع به درستی تشریح و درک نشده است و تقریباً استنباط دقیقی از ابعاد آن وجود ندارد. تا زمانی که با برنامه‌ریزی دقیق و مدیریتی صحیح نتوانیم این چرخه را سیستماتیک نماییم هم‌چنان به عنوان یک معضل سر باز می‌کند و فعالین اقتصادی را آزار می‌دهد.

۳- در این مقاله ضمن اشاره به برخی از شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی، ادعان می‌دارد که کشور و استان در وضعیت مطلوبی قرار ندارد. بنابراین لازم است وضعیت برخی از شاخص‌های مذکور مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد تا نشان دهیم وضعیت امروز نسبت به دو دهه قبل چه تغییراتی کرده است. برای این

آمار ارایه شده به خوبی نشان می‌دهد اگر در استان برای ایجاد منابع آبی و استحصال آب از دل کویر خوب عمل کرده‌ایم، در مصرف آن به خصوص در بخش کشاورزی موفق نبوده‌ایم. البته شاید مقایسه‌ی بهره‌وری آب در فعالیت‌های مختلف خالی از ایراد نباشد اما وقتی در استان به ازای مصرف هر متر مکعب آب در بخش کشاورزی، زیر یک کیلوگرم محصول داشته باشیم، نمی‌توان انتظار داشت که بتوان از سر ریز بخش کشاورزی برای تقویت و توسعه‌ی صنعت استفاده نمود. همچنین وضعیت بحران آب امروزه در استان کرمان چنان وخامتی پیدا کرده است که به گفته‌ی مسوولین استان حداقل ۲۰۰ میلیارد تومان اعتبار برای حل مشکلات حوزه‌ی آب تنها تا پایان سال ۱۳۹۳ مورد نیاز است. حتی بحران آب، زمینه‌ی فرار سرمایه را در این استان تا حدی فراهم آورده است چرا که به نظر می‌رسد کاهش ۳۰ درصدی تولید پسته در سال جاری به دلیل خروج سرمایه‌ها از این حوزه و این استان باشد.

به طور کلی می‌توان چنین ادعان داشت که مدیریت مصرف آب به خصوص در بخش کشاورزی روند مطلوبی نداشته است به گونه‌ای که بحران آب امروز مهر تاییدی بر این گفته می‌زند. پس می‌توان نتیجه گرفت که دستیابی به منابع آبی در استان نه تنها ما را به رشد پایدار نرسانده است بلکه موجبات بحران آب و فرار سرمایه را نیز فراهم کرده است و به نظر می‌رسد تنها دلایل مترتب بر این وضعیت برنامه‌ریزی ضعیف و مدیریت ناکارآمد باشد.

۲- در این مقاله اشاره شده علی‌رغم این که بسیاری از پسته‌داران ما مناسبات روستایی و کشاورزی را بهتر از فرهنگ صنعتی می‌دانند و تجربه‌ی نسبتاً خوبی دارند، نتوانسته‌اند بهره‌ی کافی و وافی از ماحصل دسترنج خویش ببرند چرا که حضور افرادی در پوشش دلالت، همواره موجبات آزار آن‌ها را فراهم آورده است که درآمدهای مولد را وارد چرخه‌های غیرمولد می‌کنند. از آنجایی که این گفته بعد از گذشت دو دهه همچنان به گوش می‌رسد، لازم بود تا تحلیلی در این خصوص را ارایه نماییم که نشان دهیم این مسئله تا به صورت ریشه‌ای حل نشود در دهه‌های آتی نیز همچنان تکرار خواهد شد و ما مجدداً تجربه را تجربه خواهیم کرد.

به دلیل اهمیت این موضوع، مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان طی یک گزارشی با عنوان «دلالت بازی در اقتصاد استان کرمان، تهدید

در جدول شماره ۲ براساس آخرین گزارش معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری وضعیت برخی شاخص های اقتصادی تا پایان سال ۱۳۹۲ مشخص شده است.

منظور به صورت کمی به تحلیل برخی از آنها پرداخته می شود. بهترین مقیاس برای نشان دادن وضعیت اقتصادی کشور، بررسی وضعیت عملکردی شاخص های هدف گذاری شده است.

جدول ۲- مقایسه اهداف و عملکرد برنامه پنجم توسعه تا پایان سال ۱۳۹۲

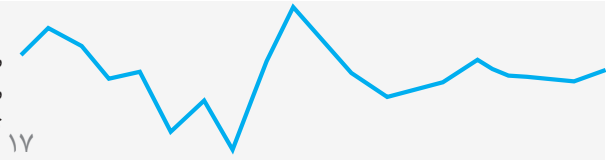
شاخص ها	هدف برنامه پنجم توسعه تا پایان سال ۱۳۹۲	عملکرد در سال ۱۳۹۲
رشد اقتصادی (درصد)	۷,۹	-۳,۴
رشد سرمایه گذاری (درصد)	۱۰,۶	-۱۴,۳
رشد مصرف خصوصی (درصد)	۸,۷	۳,۷
نرخ تورم (درصد)	۱۲	۳۴,۷
رشد نقدینگی	۲۰	۲۹,۱
ضریب جینی	۰,۳۵	۰,۳۶۵۰
نرخ بیکاری (درصد)	۷	۱۰,۴ درصد (تابستان ۱۳۹۳ این نرخ ۹,۵ درصد می باشد)

ماخذ: معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری

حد ممکن شکاف درآمدی کاهش یافته است. اما به نظر می رسد امروز که درآمد سرانه ای کشور بالغ بر ۱۳ هزار دلار براساس شاخص یکسان سازی قدرت خرید (PPP) است و تقریباً ۶ برابر دو دهه ای قبل شده است نمی توان وضعیت را قویاً مطلوب ارزیابی کرد. مضافاً این که مرکز پژوهش های مجلس در گزارشی با بررسی آسیب شناسانه فاز اول هدفمندی یارانه ها که اواخر آذرماه ۱۳۸۹ اجرایی شد، «تاثیر یارانه نقدی بر توزیع درآمدی خانوارهای یارانه بگیر» را بررسی کرده که در آن «پرداخت یارانه نقدی به صورت برابر و به همه دهک ها» را در «کاهش شکاف طبقاتی» بی تاثیر خوانده و معتقد است که به دلیل شوک های تورمی ایجاد شده پس از اجرای این طرح، وضع دهک های بالای درآمدی را به میزان بیشتری نسبت به دهک های پایین درآمدی بهبود بخشیده است. در بخشی از این گزارش تاکید شده که درست است با اجرای هدفمندی یارانه ها، خانوارها به صورت ماهانه دریافتی داشته اند؛ اما از طرفی، به دلیل تورم های ناشی از اجرای نادرست این سیاست و نیز شوک های ارزی ناشی از سیاست های نادرست، هزینه های خانوار افزایش پیدا کرده است. در واقع این گزارش نشان می دهد که پس از اجرای این طرح، ۷ دهک روستایی و شهری وضعیت شان نسبت به قبل بدتر شده

همان طور که در جدول شماره ۲ ملاحظه می کنید حصول رشد اقتصادی -۳,۴ درصد، رشد سرمایه گذاری ۱۴,۳- درصدی و هم چنین رشد حداقلی مصرف خصوصی به اندازه ۳,۷ درصد حکایت از رکودی عمیق در اقتصاد کشور دارد. هم چنین نرخ تورم ۳۴,۷ درصد و رشد نقدینگی ۲۹,۱ درصدی نشان می دهد که این رکود با تورمی شدید همراه است. در واقع وقوع رکود تورمی در کشور به حدی شدید بوده است که کشور را با بحران جدی مواجه کرده است. به حدی این موضوع جدی است که دولت تدبیر و امید ناگزیر به ارایه ی طرح خروج غیرتورمی از رکود رو آورده است. فارغ از این که نقاط قوت و ضعف این طرح چیست می توان آن را گواهی بر این گفته گرفت و وضعیت وخیم فعلی را نشان داد.

نکته ای جالب دیگر که در این مقاله بدان اشاره شد کاهش درآمد سرانه ای کشور به ۸۰۰ دلار در دو دهه ای قبل می باشد. نویسنده ی مقاله، دستیابی به این درآمد سرانه را معادل با چهار برابر فقیرتر شدن مردم نسبت به زمان جنگ دانسته است. همان طور که در جدول فوق ملاحظه می کنید، ضریب جینی که بیانگر میزان شکاف درآمدی بین ضعیف ترین و متمول ترین قشر مردم به لحاظ درآمدی است رقم ۰,۳۶۵۰ را نشان می دهد و تا حدی بیانگر نزدیک شدن عملکرد به هدف می باشد. یعنی تا سر



افزایش ظرفیت دانشگاه‌ها و مشغول به تحصیل شدن نیروی کار باعث کاهش نرخ بیکاری شده است. البته در بند دیگری به تشریح کامل این موضوع پرداخته می‌شود.

نکته‌ی دیگر اینکه براساس آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۰ مشخص می‌شود که تولید یا درآمد سرانه در استان کرمان به مراتب کمتر از متوسط کشوری می‌باشد. به گونه‌ای که متوسط تولید سرانه‌ی کشور حدود ۸۲ میلیون ریال و در استان کرمان ۵۵ میلیون ریال می‌باشد. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت، با فرض این که درآمد سرانه به تنهایی بیانگر وضعیت اقتصادی باشد، این آمار نشان می‌دهد که استان کرمان از متوسط کشوری بسیار پایین تر است. این آمار به نوعی نشان می‌دهد که وضعیت اقتصادی کشور در شرایط فعلی چندان مطلوب نیست و متأسفانه این شرایط برای استان کرمان کمی وخیم‌تر از متوسط کشور است.

۴- رشد بی‌رویه جمعیت و ورود سالانه ۱۵-۱۰ هزار نفر به بازار کار استان کرمان از جمله نگرانی‌هایی بود که در این مقاله بدان اشاره شده است. قبل از تحلیل مباحث فوق، در جدول شماره ۳ آمار و ارقام مربوط به تغییرات جمعیت (فعال، شاغل و بیکار) در سه دهه‌ی قبل استان کرمان ارائه شده است که بسیار حایز اهمیت می‌باشد.

است و جالب‌تر آن که در این بین وضعیت روستاییان نسبت به شهری‌ها از وخامت بیشتری برخوردار است یعنی وضعیت بدتری پیدا کرده‌اند.

در باب نرخ بیکاری که رقم آن در جدول شماره ۲ مشخص شده است به نظر می‌رسد که در جهت حصول اهداف برنامه خوب پیش رفته‌ایم. اما واقعیت این است که تعریف ما از نرخ بیکاری کمی دور از واقعیت است. دستیابی به نرخ بیکاری ۷ درصد حتی برای کشورهای پیشرفته‌ی جهان یک وضعیت مطلوب ارزیابی می‌شود. به عبارتی این نرخ تا حدی نشان دهنده‌ی وضعیت اشتغال کامل را نشان می‌دهد. یعنی در کشور تعدادی از افراد نمی‌خواهند کار کنند و به عنوان بیکار باقی مانده‌اند که اصطلاحاً به آنها بیکاران ارادی گفته می‌شود. در واقع از یک طرف با تغییر تعریف بیکاری منجر به حصول چنین نرخ شده است، چرا که تا سال‌های ۱۳۸۳ تعریف بیکاری این گونه ارایه می‌شد که هر شخصی در هفته کمتر از ۲ روز کار کند بیکار محسوب می‌گشت. در سال ۱۳۸۳ (دولت هشتم) بیکاری بدین شکل تعریف شد که هر شخصی در هفته کمتر از دو ساعت کار کند بیکار محسوب می‌شود. این تغییرات از بهار ۱۳۸۴ در آمارها نیز منظور شده است. از طرف دیگر کاهش جمعیت فعال یا عرضه‌کننده نیروی کار باعث این موضوع شده است. چرا که

جدول ۳- مقایسه جمعیت، عرضه و تقاضای نیروی کار و بیکاران استان کرمان در سه دهه‌ی اخیر

شاخص	واحد	۱۳۶۵-۷۵	۱۳۷۵-۸۵	۱۳۸۵-۹۰
افزایش جمعیت (سالانه)	نفر	۳۸۱۳۷	۶۴۸۰۹	۵۷۳۱۵
رشد متوسط جمعیت (سالانه)	درصد	۲,۱۳	۲,۸۴	۲,۰۷
افزایش عرضه ی نیروی کار (سالانه)	نفر	۸۳۸۵	۳۸۰۲۷	۴۶۴۵
رشد متوسط عرضه ی نیروی کار (سالانه)	درصد	۱,۸	۵,۸	۱,۰۳
ایجاد شغل (سالانه)	نفر	۱۰۱۲۶	۲۳۸۰۰	۶۳۵۰
رشد متوسط تقاضای نیروی کار (سالانه)	درصد	۲,۵۵	۴,۳۱	۰,۸۸
افزایش جمعیت بیکار (طی دوره)	نفر	-۱۷۴۱۳	۱۴۲۲۴۶	-۱۷۰۵۰
رشد متوسط جمعیت بیکار	درصد	-۳,۱	۱۵,۹	-۱

مآخذ: معاونت برنامه‌ریزی استانداری کرمان

باشد. اما زمانی که این چرخش به سمت کسب درآمد بیشتر باشد، چندان قابل دفاع نخواهد بود و وضعیت خوبی را نشان نمی‌دهد. به عبارتی چون مقدمات لازم برای تامین جمعیت رشد یافته در دو دهه قبل فراهم نشده بود، وضعیت فعلی را چنین بی‌سروسامان کرده است. حال مجدداً همان سیاست رشد جمعیت قرار است در کشور اجرا شود و اگر این بار نیز زمینه‌ی لازم برای تامین این جمعیت در دهه‌های آتی فراهم نشود قاعدتاً مشکلات فعلی به قوت خود باقی خواهند ماند و چه بسا اوضاع نابسامان‌تر از وضعیت فعلی گردد.

۵- نویسنده در قسمتی از مقاله‌ی خود اشاره می‌کند که در دو دهه‌ی قبل افرادی تحت عنوان فعال اقتصادی تکه زمینی در محل‌هایی به نام شهرک‌های صنعتی را تهیه و سوله‌ای بعضاً در آن بنا می‌کردند، اما نهایتاً زیرساخت‌های نامناسب باعث می‌شد این فعالین در تامین آب، برق، تسهیلات بانکی و در مواجهه با قوانین کار دچار مشکلات عظیمی شده و مالباخته و درمانده گردند. حال باید دید شرایط کنونی چه تغییری نسبت به قبل پیدا کرده است. همان‌طور که مشخص است شرکت شهرک‌های صنعتی متولی راه‌اندازی شهرک‌ها و نواحی صنعتی هستند که طی ضوابط خاصی آن را در اختیار فعالین اقتصادی قرار می‌دهند. براساس آخرین آمار این شرکت (در سال ۱۳۹۲) در استان کرمان ۴۱ شهرک و ناحیه صنعتی راه‌اندازی شده است که بسیاری از آنها فعال هستند. در بین این‌ها، شهرک صنعتی شماره ۲ شهر کرمان و شهرک صنعتی شماره یک سیرجان جزء فعال‌ترین شهرک‌های صنعتی استان محسوب می‌شوند. براساس این گزارش ۱۲۹۷ واحد صنعتی در استان در حال بهره‌برداری هستند که حدود ۲۰ هزار نفر شغل ایجاد کرده است. به تبع آن نیز رشد شهرک‌ها و نواحی صنعتی کشور نیز رشد چشم‌گیری داشته است. با وجود تامین چنین زیرساخت‌هایی در کشور و استان، آخرین رتبه‌بندی فضای کسب و کار بین‌المللی نشان می‌دهد که رتبه‌ی ایران در سال ۲۰۱۵ در بین ۱۸۵ کشور، ۱۳۰ می‌باشد.

هم‌چنین براساس آخرین گزارش مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی مجلس شورای اسلامی، استان کرمان در این شاخص، رتبه‌ی ۲۷ام را بین استان‌های کشور به خود اختصاص داده است. این بدان معناست که هنوز شرایط مطلوبی برای فضای کسب و کار در استان فراهم نشده است چرا که هنوز فعالین اقتصادی با مسئله‌ی تامین منابع مالی به شدت مشکل دارند،

دوره‌ی ۷۵-۱۳۶۵

در دهه‌ی ۷۵-۱۳۶۵ به طور متوسط رشد جمعیت استان کرمان ۲,۱۳ درصد بوده است. نرخ رشد عرضه‌ی نیروی کار ۱,۸ درصد یعنی سالانه ۸۳۸۵ نفر به بازار کار اضافه می‌شوند، اما در مقابل نرخ رشد ایجاد اشتغال ۲,۵۵ درصد بوده است که نتیجه آن کاهش جمعیت بیکاران بوده است.

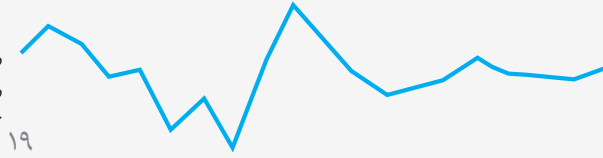
دوره‌ی ۸۵-۱۳۷۵

در این دوره متولدین سال‌های ۶۰ به مرور به بازار کار راه یافتند. رشد جمعیت در این دوره به بالاترین رقم یعنی ۲,۸۴ درصد رسید اما رشد عرضه‌ی نیروی کار با رقم ۵,۸ درصد به حدی رسید که سالانه حدود ۳۸ هزار نفر به بازار کار راه پیدا کردند. اما در مقابل رشد اشتغال ۴,۳۱ درصد بیشتر نبوده است، یعنی سالانه حدود ۲۳ هزار شغل ایجاد شده است. بنابراین در نتیجه‌ی رویارویی عرضه و تقاضای نیروی کار، جمعیت بیکار به طور متوسط ۱۵,۹ درصد رشد کرده‌اند. در واقع رشد جمعیت لجام گسیخته‌ای که تمامی کارشناسان را اوایل انقلاب نگران کرده بود به یک نگرانی جدی در این دوره تبدیل شد.

دوره‌ی ۹۰-۱۳۸۵

شرایط نامطلوب اقتصادی و سیاست‌های کنترل جمعیت در این دوره بیشتر نمایان گردید چرا که نرخ رشد جمعیت در این دوره به ۲,۰۷ درصد کاهش یافته و هم‌چنین عرضه‌ی نیروی کار با نرخ رشد ۱,۰۳ درصد باعث ورود ۴۶۴۵ نفر به طور متوسط در هر سال به بازار کار شد. اما در مقابل تقاضای نیروی کار نرخ رشد ۰,۸۸ درصد را تجربه کرد و سالانه حدود ۶۳۵۰ شغل ایجاد گردید.

بنابراین واژه‌ی رشد لجام‌گسیخته و سرطانی‌گونه‌ی جمعیت که در این مقاله مطرح گردید توسط آمار و ارقام ارایه شده به وضوح تبعات به وجود آمده را نمایان می‌کند. گرچه قسمت اعظم مسئله‌ی بیکاری و بحران بازار کار از طریق افزایش ظرفیت دانشگاه‌ها حل و فصل گردید. در واقع زمانی که نتوانستیم شرایط اقتصادی را برای جمعیت افزایش یافته فراهم گردانیم، فضای آموزش را برای خروج جمعیت از طرف عرضه‌ی نیروی کار را فراهم کردیم. این موضوع به حدی افزایش یافته است که محیط‌های آموزشی کشور و استان را تحت تاثیر قرار داده و هدف‌های غیرانتفاعی آنان را به سمت اهداف انتفاعی و رقابت با یکدیگر چرخانده است. البته رقابت در فضای آموزشی به خودی خود و فی‌الغافه مذموم نیست، اگر با هدف رشد علمی



مورد نیاز توسعه صنعت فولاد را از استان کرمان تهیه کرد. لازم به ذکر است، براساس محاسبات انجام شده به ازای هر ۱۰۰۰ تن فولاد تولیدی، یک نفر نیروی انسانی مورد نیاز می‌باشد، بنابراین ایجاد چنین ظرفیت عظیمی در وهله‌ی اول نیروی انسانی متخصص و تکنسین زیادی را می‌طلبد.

لذا دانشگاه‌ها، مراکز آموزش عالی، فنی و حرفه‌ای بایستی نیروی انسانی مورد نیاز را تامین کنند و با انتخاب، آموزش و آماده‌سازی نیروی انسانی زمینه‌ی این فعالیت وسیع را فراهم سازند. اما متأسفانه عدم تعلیم و پرورش تکنسین و نیروی متخصص از جمله مشکلاتی است که صنایع ما از آن رنج می‌برند و لازم است با جدیت در مورد آن تصمیم‌گیری کرد.

مسئله‌ی دیگر آب است. برای تولید هر تن فولاد نیاز به ۲,۳ مترمکعب آب می‌باشد. نیاز به آب در این حجم و از طرفی عدم امکان برداشت‌های جدید از سفره‌های زیرزمینی، ما را به مدیریت منابع آب رهنمون می‌سازد. در حال حاضر حدوداً ۱ درصد مصرف آب‌های زیرزمینی صرف صنعت می‌شود و مابقی صرف بخش کشاورزی و شرب می‌شود. بنابراین جهت تامین آب مورد نیاز می‌توان با مدیریت منابع آب صنعت را تامین کرد و این یعنی افزایش بهره‌وری در مصرف آب. اما در حال حاضر مدیریت ناکارآمد آبی باعث شده که بیلان منفی آب در استان کرمان به حدود یک میلیارد متر مکعب برسد و حتی پیش‌بینی می‌شود این وضعیت بدتر شود.

موضوع دیگر برق است. برای تولید هر تن فولاد نیاز به مصرف ۷۵۰ کیلووات ساعت برق می‌باشد که برای تامین برق مورد نیاز لازم است زمینه‌ی راه‌اندازی نیروگاه‌های برق فراهم گردد که این قاعدتاً به لحاظ زمانی بسیار وقت‌گیر می‌باشد.

هم‌چنین هر تن فولاد، جابجایی ۳ تا ۴ تن مواد اولیه و محصول را در پی خواهد داشت. پس ۲۴ تا ۳۰ میلیون تن به ظرفیت حمل و نقل اضافه می‌شود و این یعنی ۲ برابر وضع فعلی باید ناوگان حمل و نقل را گسترش داد و بیشتر به سمت استفاده از واگن رفت.

اما در حال حاضر حمل با قطار گران‌تر است. باید شبکه ریلی را توسعه داد تا هم سرعت حمل و نقل، هم صرفه‌جویی در مصرف گازوئیل و هم امنیت جاده‌ها بالا برود. لذا حمل و نقل برای ساماندهی تولید و مصرف فولاد مقوله‌ای بسیار پیچیده، موثر و تحول‌آفرین است که بایستی قبل از هر اقدامی جدی گرفته شود.

مسئله‌ی انرژی به خصوص برق هنوز حل نشده باقی مانده است. وضعیت بحران آب بر کسی پوشیده نیست. در این خصوص حتی مسوولین شرکت شهرک‌های صنعتی استان کرمان اذعان دارند بزرگترین مسئله‌ی شهرک‌های صنعتی در حال حاضر، بحث بحران آب می‌باشد.

بنابراین این اوضاع نشان می‌دهد که ما هنوز کمافی‌السابق تنها زمین و سوله‌ای در اختیار فعالین اقتصادی قرار می‌دهیم تا سرمایه‌گذاری و فعالیت نماید سپس راه را برای آنان با بروکراسی‌های پیچیده، قوانین مزاحم و مدیریت ناکارآمد ناهموار می‌سازیم.

۶- در این مقاله پیرامون راه‌اندازی کارخانه‌ی فولاد بردسیر در دو دهه قبل ابراز نگرانی شده بود که نیاز به حداقل ۳ هزار مگاوات ساعت برق دارد و قاعدتاً این مسئله می‌تواند مجموعه‌ی فوق‌الذکر را دچار مشکل سازد. امروز تقریباً دو دهه از این مسئله می‌گذرد و در حال حاضر بحث راه‌اندازی ۵ کارخانه‌ی فولاد دیگر، در کرمان مطرح شده است. در نتیجه‌ی این راه‌اندازی‌ها قرار است زمینه‌ی ایجاد ظرفیت ۱۷ میلیون تن محصول نهایی فولاد فراهم شود که پیش‌بینی می‌شود برای این منظور نیاز به ۵ هزار مگاوات برق باشد که حدود ۳ هزار مگاوات آن نیاز آتی استان است. اما قاعدتاً راه‌اندازی چنین مجموعه‌هایی نیز نیاز به مقدمات دیگری هم دارد که در اینجا به طور مختصر به آنها اشاره می‌شود.

امروزه در جهان، صنعت فولاد یکی از پایه‌های مهم اقتصاد هر کشور به حساب می‌آید و همواره مصرف سرانه فولاد از جمله شاخص‌های اصلی میزان صنعتی بودن یک کشور است. در ایران نیز فولاد به عنوان صنعتی پیشرو، نقشی اساسی در اقتصاد ملی و توسعه دیگر بخش‌های اقتصادی کشور ایفا می‌کند، لذا توسعه این صنعت به عنوان زیربنای توسعه سایر صنایع کشور حایز اهمیت است. براساس آمارهای موجود، کشور ایران با حدود ۴ میلیارد تن ذخایر زمین‌شناسی و ۲,۲ میلیارد تن ذخایر قابل استخراج سنگ آهن رتبه ۱۱ام را در بین کشورهای دارای ذخیره در اختیار دارد. عمده‌ی این ذخایر حدود ۸۷۸ میلیون تن در گل‌گهر، ۳۰۰ میلیون تن در منطقه چادرملو و ۶۲۶ میلیون تن در سنگان قرار دارد.

ذخایر سنگ آهن استان کرمان نیز در حدود ۱,۵ میلیارد تن می‌باشد. با توجه به ذخیره سنگ آهن و ذخیره ۲۰۰ میلیون تنی زغالسنگ در استان می‌توان بخش قابل توجهی از مواد اولیه

کلام آخر

با توجه به ابعاد مختلف مقاله‌ای که فضای دو دهه‌ی قبل در زمینه‌ی سرمایه‌گذاری صنعتی را ترسیم کرده بود و آمار و ارقامی که وضعیت فعلی را نشان می‌داد، می‌توان این نتیجه را گرفت، علی‌رغم این که طی این دو دهه برخی زیرساخت‌های لازم برای افزایش سرمایه‌گذاری، تولید، درآمد سرانه و نهایتاً افزایش رفاه انسانی فراهم شده است اما همچنان با مشکلات بسیار ریشه‌ای و اساسی مواجه هستیم. به تعبیر دیگر برخی مشکلات اقتصادی و اجتماعی ما مثل فضای کسب و کار همچنان به قوت خود باقی مانده‌اند و برخی دیگر تنها شکل‌شان تغییر کرده است و تقریباً لاینحل باقی مانده‌اند. این تصویر می‌تواند حامل پیامی با این محتوا باشد که به جای تمرکز بر میوه‌ی مشکلات بایستی به سراغ ریشه‌ی آنها رفت و به صورت ریشه‌ای آن‌ها را حل و فصل نمود. به نظر می‌رسد ریشه‌ی تمام این مباحث در این باشد که سیستم آموزشی و پرورشی ما نتوانسته است انسان توسعه‌ای تعلیم دهد و تربیت کند. انسانی که منطقی، قانون‌گرا، مسوولیت‌پذیر و علم‌باور باشد و در سایه‌ی تعامل و انجام کار گروهی و تیمی، معتقد به رفتاری توأم با احترام و اعتماد دست بزند. در واقع ما در مرحله‌ی اول نیازمند پرورش انسان‌هایی هستیم که زمینه‌ی افزایش سرمایه اجتماعی را فراهم آورند تا از ماحصل ایجاد شبکه‌هایی انسانی بتوانیم در مسیر توسعه گام درست برداریم. تا این گونه نشود قاعدتاً در دهه‌های آتی نیز این سیکل را تکرار خواهیم کرد و اسیر دور باطل یا تسلسل توسعه خواهیم شد.

یک جامعه‌ی صنعتی و علمی طبیعتاً در وهله‌ی اول نیازمند انسان صنعتی و توسعه‌ای است. البته در اینجا منظور انسانی نیست که برده‌ی تکنولوژی یا ماشین شود، بلکه منظور انسانی است که از تکنولوژی و صنعت برای بالا بردن سطح زندگی و افزایش رفاه انسانی در جهت تکریم حریت و حرمت خود استفاده‌ی صحیح و کارا نماید.

امید است در آینده‌ای نه چندان دور زمینه‌ی چنین امر مهمی فراهم آید تا به درستی بتوانیم در مسیر توسعه گام برداریم.

منابع

- ۱- تحلیل برنامه پنجم توسعه، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهور
- ۲- مرکز آمار استان کرمان
- ۳- سالنامه‌های آماری استان و کشور





○ غلامعباس پارساپور

استاد بار فرآوری مواد معدنی، گروه مهندسی معدن دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان
عضو کارگروه انرژی کمیسیون صنعت و انرژی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان

آینده صنعت زغال سنگ در استان کرمان

چکیده

بخش اعظمی از زغال سنگ تولیدی در کشور در استان کرمان تولید می شود. عمده این زغال سنگ تبدیل به کک می شود و در صنایع فولادسازی کاربرد دارد. تولید زغال سنگ در استان کرمان از سال ۱۳۸۸ به شدت کاهش یافته است در حالی که در همین مدت چندین کارخانه زغالشویی و کک سازی در استان احداث شده و یا در حال احداث می باشند و با توجه به تولید فعلی زغال سنگ در استان این کارخانه ها با حدود ۳۰ درصد ظرفیت اسمی مشغول به کار می باشند. برای کار کردن این واحدها با ظرفیت کامل نیاز است که استخراج زغال سنگ از معادن کرمان حدود هفت برابر شده و به بیش از چهار و نیم میلیون تن در سال برسد. این افزایش می تواند مشکلات مالی صنعت زغال استان را حل کرده و علاوه بر این با توجه به گردش مالی بالای این صنعت، وضعیت اشتغال منطقه را نیز بهبود دهد. برای رسیدن به این امر، مشکلات مالی شرکت معادن زغال سنگ کرمان، عدم تمایل بخش خصوصی به سرمایه گذاری و مشکلات ایمنی از مهم ترین چالش هایی می باشند که باید برنامه ریزی مناسبی در این مورد صورت گیرد.

مقدمه

زغال سنگ نوعی سنگ رسوبی سوختنی و ناهمگن است که از اجزای گیاهی مختلفی تشکیل شده است. همان گونه که سنگ ها از اجزای موسوم به کانی ها تشکیل شده اند، زغال سنگ ها نیز از اجزایی تشکیل می شوند که آن ها را ماسرال می نامند.

ماسرال ها بر خلاف کانی ها، ساختمان بلورین و ترکیب شیمیایی معینی ندارند [۱].

به طور کلی زغال سنگ طی دو مرحله تشکیل می شود. در مرحله اول مواد گیاهی در داخل باتلاق های خاصی رسوب می کنند و پس از تغییر و تحولاتی تورب ایجاد می شود. در مرحله دوم تورب حاصله به وسیله رسوباتی که بعدها کمر بالای آن را تشکیل می دهند پوشیده می شود و بعد از تغییرات فیزیکی و شیمیایی، انواع زغال سنگ را بوجود می آورد. تغییرات فیزیک و شیمیایی تورب پس از مدفون شدن در زیر رسوبات یا به عبارتی دیگر فرآیند تبدیل تورب به انواع زغال های قهوه ای، نیمه آنتراسیت و آنتراسیت را زغالی شدن یا دگرگونی زغال می گویند. این تغییرات تحت تاثیر دما، فشار و زمان ایجاد می شود [۱].

زغال سنگ یکی از مهم ترین و پر ارزش ترین مواد معدنی است که در صنایع مختلف مورد استفاده قرار می گیرد. این ماده معدنی را چندین قرن قبل از میلاد مسیح می شناخته اند. تاریخچه اکتشاف و استخراج زغال سنگ به بیش از ۲۰۰۰ سال پیش می رسد ولی شواهد زیادی نشان می دهد که استخراج اصولی آن از قرن ۱۲ میلادی آغاز شده است. در ابتدا از این ماده بیشتر برای مصارف حرارتی استفاده می شده است [۲].

کاربردهای زغال سنگ

از نظر تاریخی یونانی ها، رومیان و چینی ها نخستین استفاده کنندگان از زغال سنگ بودند. آهنگران یونانی در سال های ۳۷۱-۲۸۸ قبل از میلاد مسیح و چینی ها نیز ۱۰۰ سال قبل از میلاد مسیح از زغال سنگ استفاده می کردند.

در سال های ۱۵۵۸-۱۶۰۳ لندن اولین شهر مهمی بود که از زغال سنگ برای تولید گرما استفاده می کرد. با پیشرفت صنعت و آغاز انقلاب صنعتی، با تولید کک از زغال سنگ و استفاده از آن در صنایع متالورژی کاربرد زغال سنگ توسعه بیشتری یافت. از قرن هفتم به بعد استفاده از تولیدات فرعی زغال سنگ نظیر قطران رواج یافت. در قرن هجدهم مواد شیمیایی بیشتری نظیر نفت های سبک

و محصولات سنگین تر قطران از زغال سنگ استخراج شد. اوایل قرن نوزدهم گاز حاصل از فرآیند کک سازی برای تولید روشنایی و حرارت به کار رفت. بعدها نفت را از سرد کردن گازهای کوره کک سازی بدست آوردند و در حل کردن لاستیک به کار بردند و از محصولات قطران، رنگ های مصنوعی درست کردند [۳].

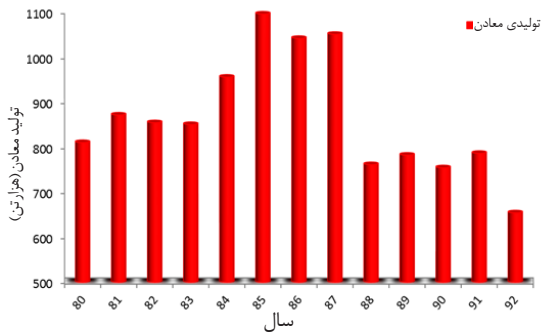
تا بعد از جنگ جهانی دوم که نفت کاربرد گسترده ای یافت، زغال سنگ منبع اصلی انرژی دنیا محسوب می شد به گونه ای که در قرن نوزدهم حدود ۵۰ درصد انرژی دنیا از زغال سنگ تولید می شد و بعد از ورود نفت و گاز به صحنه انرژی در اواخر قرن بیستم سهم زغال سنگ از انرژی به حدود ۲۰ درصد کاهش یافت. در حال حاضر نشانه هایی وجود دارد (مانند کاهش ذخایر نفت در جهان) که بار دیگر زغال سنگ موقعیت ممتاز خود را در جهان صنعتی بدست خواهد آورد، به خصوص با کاربردهای جدیدی نظیر تولید سوخت هواپیما، به همین دلیل زغال سنگ را سوخت گذشته و آینده جهان می دانند [۳].

هم اکنون مهم ترین کاربردهای زغال سنگ در جهان عبارتند از تولید انرژی (۲۳ درصد انرژی مورد نیاز جهانی)، تهیه کک برای صنایع فولاد سازی و تولید برق در نیروگاه ها (۳۸ درصد برق جهان با نیروگاه های زغالی تولید می شود). از زغال سنگ استفاده های دیگری مانند تولید گاز هیدروژن، تبدیل به سوخت مایع، سوخت هواپیما (انتظار این است که در قرن ۲۱ این مورد عملیاتی گردد)، تولید قطران، تولید کربن فعال، مواد اولیه واکس صنعتی و تولید گاز نیز می شود [۳].

در ایران ابتدا از زغال سنگ به عنوان سوخت استفاده می شد اما پس از اکتشاف نفت، مصرف آن به عنوان سوخت خانگی از بین رفت و امروزه بیشتر زغال سنگ تولیدی ایران برای تولید کک استفاده می شود و کاربرد حرارتی کمتری دارد. کک برای احیاء مستقیم آهن استفاده می شود، به این ترتیب که سنگ آهن، کک و آهک وارد کوره بلند می شوند و بعد از انجام چند واکنش در نهایت آهن مذاب تولید می شود. از دیگر کاربردهای کک در ایران می توان از صنایع قند، ریخته گری ها، ساخت کربید، تولید فروسیلیس و صنایع نظامی نام برد [۳].

فرآوری زغال سنگ

زغال سنگ استخراج شده همواره دارای ناخالصی هایی مانند



شکل ۱- زغال سنگ استخراجی از معادن استان کرمان از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲

ب: کنسانتره تولیدی و فروخته شده

در شکل ۲ میزان کنسانتره تولیدی و فروخته شده در شرکت معادن زغال سنگ کرمان از سال ۱۳۸۰ نمایش داده شده است. همانگونه که در این نمودار مشخص است روند تولید کنسانتره به صورت طبیعی مانند روند استخراج زغال سنگ از معادن می باشد و این هماهنگی به این معنی است که در فرآوری زغال سنگ تولید شده مشکلی نبوده و کارخانه‌های زغالشویی استان توانایی فرآوری زغال سنگ استخراجی از معادن را داشته‌اند. اما مقایسه کنسانتره تولیدی با فروخته شده نشان می‌دهد که در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ کنسانتره تولیدی بیش از کنسانتره فروخته شده بوده است و در سال ۱۳۸۶ این دو تقریباً برابر شده‌اند اما مجدداً با شدت بسیار بیشتری این اتفاق در سال ۱۳۸۷ رخ داده است. عامل اولیه بوجود آمدن این مشکل زلزله اسفند ماه ۱۳۸۳ در شهرستان زرنده بود که باعث دو مشکل در شرکت معادن زغال سنگ کرمان گردید. مشکل اول فوت مرحوم مهندس کاشی‌گر مدیر عامل فقید شرکت بود که برنامه‌ریزی‌های شرکت با رفتن ایشان دچار مشکل گردید و عامل دوم تعطیلی دو هفته‌ای کارخانه زغالشویی زرنده بود که در این مدت کنسانتره به کارخانه ذوب آهن اصفهان ارسال نگردید و در نتیجه اعتماد ذوب آهن اصفهان به شرکت زغال سنگ کرمان کم شد و در نتیجه خرید از زغال سنگ کرمان در سال ۱۳۸۴ کاهش پیدا کرد. البته علاوه بر این، مشکلات کک‌سازی اصفهان در سال‌های بعد از آن نیز در بوجود آمدن مشکلات شرکت زغال سنگ کرمان مؤثر بودند. از طرفی در برنامه‌های کاری شرکت زغال سنگ کرمان اشتباهات زیر رخ داد:

الف: عدم توانایی ارسال این پیام به ذوب آهن اصفهان که زلزله

رس، ماسه سنگ و شیل می‌باشد که خاکستر همراه زغال سنگ را تشکیل می‌دهند. کاربرد مستقیم زغال سنگ به دلیل وجود خاکستر، از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نیست و محدودیتی را نیز برای فرآیندهای بعدی فراهم می‌کند. زغال سنگ فرآوری شده از لحاظ ترکیب یکنواخت‌تر می‌باشد. در نتیجه هدف اصلی از فرآوری زغال سنگ، کاهش مقدار خاکستر آن و بدست آوردن محصول قابل فروش با حداکثر بازیابی می‌باشد.

برای فرآوری زغال سنگ از روش‌های ثقلی مانند واسطه سنگین، جیگ، مارپیچ، میزهای لرزان و روش فلو تاسیون استفاده می‌شود. در استان کرمان هم اکنون پنج کارخانه زغالشویی در حال کار می‌باشند. از مجموع این کارخانه‌ها دو کارخانه برای بازیابی مجدد زغال سنگ از باطله‌های کارخانه زغالشویی زرنده احداث شده است و سه کارخانه دیگر در حال فرآوری زغال سنگ‌های تولیدی از معادن استان می‌باشند. این کارخانه‌ها در مجموع قابلیت فرآوری سالیانه بیش از ۴ میلیون تن زغال سنگ استخراجی از معادن را دارند ولی هم اکنون با توجه به تولید پایین زغال سنگ در معادن استان، این کارخانه‌ها با حدود یک سوم ظرفیت اسمی در حال کار می‌باشند.

ذخایر زغال سنگ

در حال حاضر عمده‌ترین کشورهای تولید کننده زغال سنگ دنیا چین، روسیه، آمریکا، آفریقای جنوبی، لهستان و کانادا هستند. ایران با دارا بودن حدود ۷ تا ۱۰ میلیارد تن ذخیره زغال سنگ از نظر ذخیره در رتبه دوازدهم در دنیا قرار دارد ولی از نظر تولید با تولید حدود ۲ میلیون تن در رتبه چهارم دنیا قرار دارد.

تولید زغال سنگ در استان کرمان

الف: زغال سنگ خام استخراجی از معادن

شکل ۱ زغال سنگ استخراجی از معادن استان از سال ۱۳۸۰ را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در شکل ۱ دیده می‌شود تولید از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ روندی افزایش یافته و از حدود ۸۰۰ هزار تن به بیش از یک میلیون تن رسیده است. پس از آن روند کاهش تولید شروع شده و تا سال ۱۳۸۷ با شیب ملایمی تولید کاهش یافته است ولی از سال ۱۳۸۸ کاهش شدیدی در تولید زغال سنگ از معادن استان مشاهده می‌شود.



زغال سنگ مورد نیاز استان کرمان

هم اکنون سه کارخانه کک سازی در استان کرمان احداث شده و یا در دست احداث است. این واحدها برای تولید سالانه حدود دو میلیون و چهارصد هزار تن کک طراحی شده اند. برای تولید این میزان کک نیاز به حدود سه میلیون و دویست هزار تن کنسانتره زغال سنگ می باشد. خصوصیات زغال سنگ های استان کرمان به گونه ای است که برای تولید کک مطلوب نیاز است که ۲۰ درصد کنسانتره مورد نیاز از زغال سنگ های طبس و استان های شمالی تامین گردد. بنابراین نیاز به کنسانتره تولیدی در استان حدود دو و نیم میلیون تن سالیانه است. برای تولید این میزان کنسانتره باید سالانه حدود چهار میلیون و ششصد هزار تن زغال سنگ از معادن استان استخراج گردد، در حالی که هم اکنون حدود یک هفتم این میزان استخراج می شود.

اثرات افزایش استخراج زغال سنگ از معادن استان

کرمان

تولید فعلی شرکت معادن زغال سنگ کرمان در حدی است که حتی هزینه های نیروی انسانی شرکت را نیز به سختی می تواند تامین کند (تا به حال به دلیل وجود کنسانتره از سال های قبل این مشکل به سختی دیده می شد ولی با توجه به تمام شدن کنسانتره های قدیمی مشکلات مالی شرکت در حال آشکار شدن می باشند). اولین اثر افزایش تولید در شرکت کاهش مشکلات مالی شرکت و سودده شدن این شرکت می باشد. علاوه بر این گردش مالی تولید بیش از چهار و نیم میلیون تن کنسانتره چندین هزار میلیارد تومان می باشد که می تواند علاوه بر اشتغال زایی مشکلات زیادی را در استان حل کند.

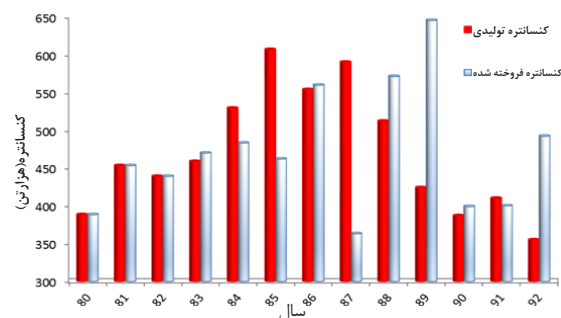
لازم به ذکر است که تولید زغال سنگ به گونه ای است که برای افزایش تولید نسبت به سایر صنایع اشتغال زایی بیشتری را دارد و با توجه به هزینه های زیاد تولید، بخش زیادی از گردش مالی آن باید در استان باشد. از طرفی سه کارخانه زغالشویی و سه کارخانه کک سازی در استان احداث شده و یا در دست احداث است که هم اکنون واحدهای احداث شده با حدود ۳۰ درصد ظرفیت اسمی خود در حال کار می باشند که با افزایش تولید، مشکلات این واحدها نیز برطرف می گردد و این کارخانه ها با ظرفیت کامل مشغول به کار می شوند.

یک اتفاق نادر است و شرکت زغال سنگ توانایی برنامه ریزی برای زلزله های احتمالی بعدی برای جلوگیری از متضرر شدن ذوب آهن اصفهان را دارد. لازم به ذکر است که متاسفانه دقیقاً زلزله در زمانی اتفاق افتاد که کارخانه در حال تعمیرات کلی بود و سیلوهای کنسانتره خالی بودند و از طرفی برخی تجهیزات برای تعمیرات باز شده بودند و نیروی متخصص کافی برای تعمیر و راه اندازی تجهیزات وجود نداشت و علاوه بر این به برخی از تجهیزات نیز آسیب کمی رسیده بود. اما در هر صورت شرکت زغال سنگ باید مشتری خود را توجیه می کرد.

ب: عدم توانایی در یافتن مشتری جدید.

در کارخانه با تغییرات جزئی امکان تولید محصولات متفاوتی وجود دارد و در صورتی که شرکت می تواند مشتری های جدیدی را پیدا کند، امکان تولید محصولات مختلفی در کارخانه وجود داشت و این عامل می تواند مشکلات شرکت را حل کند. ج: تولید بدون فروش.

متاسفانه بدترین کار ممکن که می توانست در شرکت انجام شود، همین راهی بود که انتخاب شد و آن تولید کردن و نفروختن بود. در این حالت علاوه بر این که کیفیت کنسانتره تولیدی به دلیل اکسید شدن (کاهش پلاستومتری) پایین آمد، عملاً تمام درآمد شرکت صرف تولید شد و برای آماده سازی کارگاه های جدید و پیشروی تونل های جدید هیچ گونه سرمایه گذاری انجام نشد و به همین دلیل هم اکنون که مشتری وجود دارد نیز امکان تولید بیشتر وجود ندارد و عملاً الان با وجود این که مشتری وجود دارد ولی تولید تقریباً کمی بیش از ۵۰ درصد سال های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷ است.



شکل ۲- کنسانتره زغال سنگ تولیدی و فروخته شده در استان کرمان از سال ۱۳۸۰ [۴]



منابع

- ۱- قنادپور سید سعید، هزارخانی اردشیر و عشقی حمید. معرفی نرم افزاری برای شناسایی نوع زغال سنگ های ایران با توجه به خصوصیات اصلی و تکمیلی. اولین کنگره ملی زغال سنگ، ۸-۱۰ شهریور ۱۳۹۱، دانشگاه شاهرود.
- ۲- کاظمی نجف آبادی اکبر. روش های تولید الکتریسیته از زغال سنگ در نیروگاه های حرارتی. اولین کنگره ملی زغال سنگ، ۸-۱۰ شهریور ۱۳۹۱، دانشگاه شاهرود.
- ۳- یزدی محمد. زغال سنگ (از منشاء تا اثرات زیست محیطی). انتشارات جهاد دانشگاهی واحد امیر کبیر، ۱۳۸۲.
- ۴- گزارشات سالانه سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو)، <http://www.imidro.gov.ir>.

چالش های افزایش تولید زغال سنگ در استان کرمان

اولین چالش در افزایش استخراج در معادن استان، مشکلات مالی شرکت معادن زغال سنگ کرمان می باشد که امکان سرمایه گذاری را مشکل می کند از طرفی با توجه به حاشیه سود پایین و دوره بازگشت سرمایه بالا در صنعت زغال سنگ معمولاً بخش خصوصی تمایلی برای سرمایه گذاری در این صنعت را ندارد. بنابراین باید در این زمینه از مجموعه دولت و بخش خصوصی با کمک یکدیگر استفاده کرد. هم چنین مشکلات ایمنی در معادن زغال سنگ نیز یکی از مشکلات در توسعه سریع این بخش می باشد.

نتیجه گیری

- در صورت عدم افزایش تولید در شرکت معادن زغال سنگ کرمان مشکلات مالی این شرکت در سال های آینده بسیار جدی می شود.
- با افزایش تولید زغال سنگ مشکلات مالی شرکت زغال سنگ حل شده و این شرکت به یک شرکت سود ده تبدیل می گردد.
- با افزایش تولید زغال سنگ، کارخانه های کک سازی و زغال شویی استان با ظرفیت کامل کار می کنند.
- سرمایه گذاری در صنعت زغال سنگ استان نسبت به سایر صنایع اشتغال زایی و گردش مالی بالاتری در استان دارد.
- مشکلات ایمنی، عدم تمایل سرمایه گذاری توسط بخش خصوصی و مشکلات مالی شرکت معادن زغال سنگ کرمان از موانع اصلی افزایش تولید می باشند.



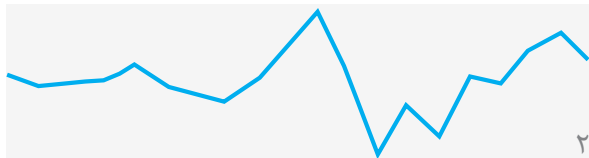


مدیریت تغییر: چرا تلاش‌های تغییر به شکست می‌انجامد؟

چکیده

شرایط متغیر و نامطمئن محیطی در دهه‌های اخیر سازمان‌ها را با چالش‌های متعددی روبرو کرده است. شرکت‌ها برای پاسخ‌گویی به این شرایط و باقی ماندن در صحنه رقابتی، مجبور به تن‌دادن به تلاش‌های مستمر و انعطاف‌پذیری هستند. این تلاش‌ها در لوای عناوینی چون مدیریت کیفیت جامع، مهندسی مجدد، طراحی مجدد ساختار و تغییرات فرهنگی صورت می‌گیرند اما در غالب این موارد، هدف اصلی، مشترک است و آن ایجاد تغییرات بنیادین در چگونگی پیشبرد کسب و کار در جهت کمک به کنار آمدن با محیط چالشی بازار است.

بررسی‌های متعدد حاکی از آن است که فقط تعداد کمی از این تغییرات کاملاً موفق و تعداد کمی نیز کاملاً شکست خورده‌اند. عمده تلاش‌ها جایی در میان دو سر این طیف قرار دارند. تحلیل شکست‌ها و موفقیت‌های شرکت‌های کوچک و بزرگ می‌تواند درس‌های بسیاری برای مدیران به همراه داشته باشد. تحلیل چنین وقایعی به بینش عمیقی از ماهیت و فرایند تغییرات سازمانی دارد که نیازمند تخصص و تجربه‌ای طولانی است.



هشت گام موثر در تحول سازمان

به عقیده نگارنده شاید هیچ کس به اندازه جان کاتر، پروفیسور بازنشته هاروارد، تحلیل عمیق و کاربردی از آناتومی تغییرات سازمانی و آسیب شناسی آن به زبان عملیاتی ارائه نکرده باشد. وی در طول دهها همکاری با بیش از یکصد شرکت بزرگ و کوچک، در آمریکا و سایر کشورهای جهان، آموخته‌های خود را در قالب یک مدل چندمرحله‌ای با جامعه آکادمیک و مدیران و متخصصان سازمانی به اشتراک گذاشته است. می‌توان جان کاتر را در چند جمله خلاصه کرد؛ وی بر این باور است که تغییر، یک واقعه تک مقطعی نیست، بلکه یک فرایند است. فرایندی که بصورت گام به گام و پیوسته در طول زمان (سال‌ها) پیش می‌رود. هر گام، سنگ بنای گام بعدی است که نیازمند گذر زمان است. هیچ راه میانبری وجود ندارد و تلاش برای حذف مراحل و فشرده کردن فرآیند، رفتن به استقبال شکست است. اشتباهات کلیدی رایجی در هر یک از این گام‌ها می‌تواند اثر ویران کننده‌ای داشته باشند یا سرعت حرکت را کند نماید. مدل پیشنهادی تغییر سازمانی بیان شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، لازمه تغییر موفقیت آمیز در سازمان، عبور از هشت گام متوالی است که با ایجاد حس ضرورت تغییر آغاز شده و به نهادینه کردن تغییر می‌انجامد. این هشت گام عبارتند از:

۱- ایجاد حس اضطرار

* واقعیت‌های بازار رقابت را ببینید.
* بحران‌ها و فرصت‌های بالقوه و بالفعل را شناسایی کنید و به بحث بگذارید.

۲- ایجاد کمیته راهبری قدرتمند

* گروهی با قدرت کافی برای رهبری تغییر فراهم کنید.
* اعضای گروه را به کار تیمی تشویق کنید.

۳- ایجاد چشم انداز

* برای جهت بخشی به تلاش‌های تغییر، چشم انداز الهام بخش ایجاد کنید.
* استراتژی‌هایی برای رسیدن به چشم انداز تدارک ببینید.

۴- به اشتراک گذاشتن چشم انداز

* از تمامی کانل‌های ممکن برای انتقال چشم انداز و استراتژی

بهره ببرید.

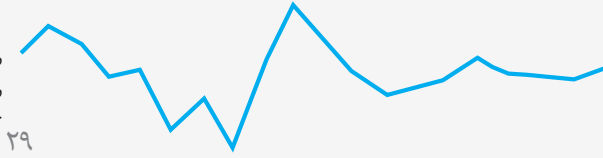
- * رفتارهای مطلوب را با مثال‌های عملی آموزش دهید.
- ۵- توانمند کردن کارکنان برای عمل در راستای چشم انداز
- * موانع تغییر را شناسایی و برطرف کنید.
- * سیستم‌ها و ساختارهایی که مانع جدی چشم انداز هستند را اصلاح یا حذف کنید.
- * ایده‌ها و فعالیت‌های نوآورانه و ریسک‌دار را تشویق کنید.
- ۶- برنامه ریزی برای دستیابی به موفقیت‌های کوتاه مدت
- * برنامه‌ریزی و اجرای بهبودهای مشهود در عملکرد.
- * کارکنانی که مشارکت مناسب در بهبودها دارند را شناسایی کرده و پاداش دهید.
- ۷- تثبیت بهبودها و پیگیری تغییرات بیشتر
- * با پیشروی تغییر، سیستم‌ها، ساختارها و سیاست‌های نامناسب را اصلاح کنید.
- * کارکنان برای اجرای چشم انداز جدید استخدام، ارتقا یا توسعه دهید.
- * پروژه تغییر را با افراد و منابع جدید زنده نگه دارید.
- ۸- نهادینه کردن رویکردهای جدید
- * ارتباط بین رفتارهای جدید و موفقیت سازمان را ترسیم کنید.
- * ابزارهای لازم برای توسعه رهبری و جانشین پروری را تدارک ببینید

خطاهای هشت گانه

عبور از هر گام، مستلزم توجه به توصیه‌های راهنما و حذر از خطاهای رایجی است که در عمل اتفاق می‌افتد. در ادامه بصورت خلاصه به معرفی خطاهای هشت گانه پیاده سازی تغییر پرداخته شد.

خطای یک: ایجاد نکردن حس اضطرار به میزان کافی

غالب تغییرات سازمانی با مشاهده شرایط رقابتی نامناسب شرکت، موقعیت بازار، تغییرات تکنولوژی یا عملکرد مالی توسط اشخاص یا گروه‌هایی آغاز می‌شود. آنچه در این مرحله دست مدیر ارشد برای شروع تغییر را می‌بندد وجود مدیران زیاد و فقدان رهبر است. می‌دانیم که تعهد اصلی مدیریت، کاهش ریسک و حفظ عملیات جاری شرکت است در حالی که طبق تعریف، تغییر نیازمند خلق یک سیستم جدید است که به وجود



خطای سه: فقدان چشم‌انداز

کمیته راهبری باید تصویری از آینده ایجاد کند که به آسانی بتوان آن را با مشتریان، سهامداران و کارکنان به اشتراک گذاشت. معمولاً چشم‌انداز بر مبنای برنامه‌های پنج ساله بنیان گذاشته می‌شود و یک استراتژی برای تحقق چشم‌انداز توسعه می‌یابد.

بدون یک چشم‌انداز الهام‌بخش، تلاش‌های تغییر به آسانی به سمت فهرستی از پروژه‌های گیج‌کننده و غیرقابل اتمام سوق پیدا خواهد کرد. در تحولات ناموفق، معمولاً تعدادی برنامه و طرح مشهود است در حالی که چشم‌انداز روشنی از آینده قابل تصور نیست. در اینجا، یک قانون سرانگشتی وجود دارد؛ چنانچه قادر نیستید در عرض پنج دقیقه یا کمتر چشم‌انداز تغییر را با یک نفر به اشتراک بگذارید؛ و عکس‌العملی مبنی بر هم‌فهم و هم‌ایجاد علاقه در وی پیدا کنید، هنوز از این مرحله عبور نکرده‌اید.

خطای چهار: ضعف در به اشتراک گذاشتن چشم‌انداز

در دنیای واقعی سه الگوی معمول برای انتقال چشم‌انداز وجود دارد که که همگی بسیار رایج هستند؛

* ارائه چشم‌انداز تغییر در قالب یک جلسه رسمی، باید آگاه بود که این جلسه ۰,۰۰۰۱ درصد از ارتباطات درون سازمانی سالانه را شامل می‌شود و تعداد کمی از افراد آن را دریافت می‌کنند.

* صرف زمان زیاد توسط مدیران ارشد با سخنرانی برای کارکنان، این سبک اطلاع‌رسانی نیز تنها ۰,۰۰۰۵ درصد ارتباطات درون سازمانی را به خود اختصاص می‌دهد و بسیاری از کارکنان آن را دریافت نمی‌کنند.

* انتشار نوشتارها و بیانیه‌ها در کانال‌های مختلف ارتباطی از جمله نشریات داخلی

در بیشتر تلاش‌های تحولی موفقیت‌آمیز، مدیران از تمامی کانال‌های ارتباطی برای گسترش چشم‌انداز استفاده می‌کنند. به اشتراک گذاشتن چشم‌انداز باید هم در قالب گفتار و هم در قالب کردار (رفتار) صورت پذیرد در حالی که، نقش دومی به مراتب قوی‌تر و اثربخش‌تر است.

خطای پنج: برطرف نکردن موانع چشم‌انداز جدید

توسعه و انتشار چشم‌انداز، به معنای فراگیر شدن آن و شروع تغییر نیست، بلکه لازم است کارکنان برای عمل مطابق چشم‌انداز جدید توانمند شوند. در بسیاری از موارد کارکنان چشم‌انداز جدید را فهمیده‌اند و تمایل دارند به تحقق آن کمک کنند اما فیل‌ها

برخی اوقات، موانع در ذهن فرد وجود دارد و باید فرد را متقاعد کرد که در بیرون مانعی وجود ندارد اما در بسیاری از موارد، موانع واقعی‌اند از قبیل ساختار سازمانی، نظام جبران خدمات و ارزیابی عملکرد. باید اذعان داشت که در نیمه راه تغییر، هیچ سازمانی توان، زمان و قدرت از بین بردن تمام موانع را ندارد، اما مهم‌ترین موانع باید شناسایی و رفع گردند.

رهبر نیازمند است. مادامی که به تعداد کافی رهبر در مشاغل سطح بالا وجود نداشته باشد، تغییر راه به جایی نخواهد برد.

در گام اول، وضعیت نامناسب کسب و کار شرکت، هم موهبت و هم مصیبت است. موهبت از این نظر که توجه افراد به ضرورت تغییر را جلب می‌کند و مصیبت از این باب که قدرت مانور را کم می‌کند. به همین ترتیب وضعیت مناسب کسب و کار شرکت به صورت برعکس عمل می‌کند؛ متقاعد کردن افراد به نیاز برای تغییر سخت‌تر می‌کند اما در این حالت، منابع بیشتری برای ایجاد تغییر در اختیار است (قدرت مانور).

خطای دو: ایجاد نکردن کمیته راهبری به اندازه کافی قوی

تجربه نشان داده که برنامه‌های بازآفرینی بزرگ، اغلب توسط فقط یک یا دو نفر شروع می‌شوند و چنانچه با موفقیت روبرو شود، کمیته (ائتلاف) رهبری در طول زمان بزرگ و بزرگ‌تر می‌شود. اما اگر یک تعداد حداقلی اولیه ایجاد نشود، هیچ اتفاق مهمی رخ نخواهد داد.

اغلب گفته می‌شود که اگر مدیران ارشد سازمان حمایت فعالی نداشته باشند هر تغییر بزرگی غیرممکن است اما در این‌جا منظور از کمیته، بسیار فراتر از این موضوع است. در تحولات موفق، هیات مدیره یا مدیران بخش‌ها به علاوه ۵ یا ۱۵ یا ۵۰ نفر، کنار هم جمع می‌شوند و یک تعهد جمعی برای تعالی عملکرد از طریق تغییرات را پیش می‌برند. هر کدام از اعضای این ائتلاف صاحب نوع خاصی از قدرت مثل عنوان، اطلاعات و تخصص، شهرت و ارتباطات است. در نهایت باید اذعان کرد که کمیته بدون رهبران قوی صفی، هرگز به قدرت لازم برای تغییر، دست نخواهد یافت.



که نسل بعدی مدیران ارشد به صورت واقعی رویکرد جدید را شخصی سازی کرده‌اند. چنانچه الزامات ارتقاء سمت‌های سازمانی متناسب با تغییرات، تغییر نکرده باشد، امیدی به پایداری تغییر نخواهد بود. در مسیر پر پیچ و تاب تغییر، خطاها و چالش‌های بیشتری در انتظار مدیران است اما هشت خطای گفته شده، بزرگ‌ترین آن‌ها هستند. گرچه در این نوشتار تلاش شد تا این خطاها به اختصار و ساده‌ترین بیان فهرست شوند، در دنیای واقعی باید منتظر شگفتی‌های بیشتر بود. شناخت این خطاها و تلاش برای بر حذر بودن از آن‌ها، تعیین کننده مرز موفقیت و شکست سازمان‌ها در مسیر تغییر خواهد بود.

منابع

- [۱] Kotter, J. P. (۱۹۹۶). Leading change. Harvard Business Press.
- [۲] Collins, J. C., & Porras, J. I. (۱۹۹۶). Building your company's vision. Harvard business review, ۶۵, (۵), ۷۴.
- [۳] Schaffer, R. H., & Thomson, H. A. (۱۹۹۲). Successful change programs begin with results. Harvard business review, ۷۰, (۱), ۸۰-۸۹.
- [۴] Kotter, J. P., & Cohen, D. S. (۲۰۰۲). The heart of change: Real-life stories of how people change their organizations. Harvard Business Press.

1 Personify



ظاهر می‌شوند و راه را سد می‌کنند! برخی اوقات، موانع در ذهن فرد وجود دارد و باید فرد را متقاعد کرد که در بیرون مانعی وجود ندارد اما در بسیاری از موارد، موانع واقعی اند از قبیل ساختار سازمانی، نظام جبران خدمات و ارزیابی عملکرد. باید اذعان داشت که در نیمه راه تغییر، هیچ سازمانی توان، زمان و قدرت از بین بردن تمام موانع را ندارد، اما مهم‌ترین موانع باید شناسایی و رفع گردند.

خطای شش: فقدان برنامه‌ریزی سیستماتیک برای کسب موفقیت‌های کوتاه مدت

رسیدن به تغییرات واقعی، فرآیندی زمان‌بر است و چنانچه عاملان و شرکای تغییر تا زمان پیروزی نهایی، هدف‌های کوتاه مدتی را دنبال نکنند و دستیابی به آن را جشن نگیرند، تلاش‌های تحولی در خطر ایستادن از حرکت قرار خواهند داشت. افراد باید در بازه‌های کوتاه مدت بین ۱۲ تا ۲۴ ماه به یکسری انتظارات دست یابند. اما نباید موفقیت‌های زود هنگام با پیروزی نهایی اشتباه گرفته شود. در حالی که جشن گرفتن موفقیت خوب است، اعلام بردن جنگ می‌تواند فاجعه انگیز باشد!

خطای هفت: اعلام زود هنگام پیروزی

بعد از چند سال کار سخت، مدیران ممکن است با مشاهده اولین بهبود مشهود در عملکرد، وسوسه شوند که پیروزی را اعلام کنند. در حالی که تغییر می‌تواند در فرهنگ سازمان تغییراتی ایجاد کند که پنج تا ده سال بعد بروز می‌کند. به طور معمول مشکلات در فازهای قبلی رخ می‌دهند اما آن‌چه که منجر به مرگ حرکت می‌شود، اعلام زود هنگام پیروزی است. آنگاه است که نیروی قدرتمند سنت دوباره مسلط خواهند شد (بازگشت به سنت و حالت قبل از تغییر).

خطای هشت: وصل نکردن تغییرات به فرهنگ سازمانی

تغییر باید به گوشت و خون سازمان نفوذ کند. تا زمانی که رفتارهای جدید در هنجارهای اجتماعی و ارزش‌های مشترک ریشه نندوانند، تمام فشارها برای تغییر به سرعت از بین خواهد رفت. دو فاکتور به صورت خاص برای نهادینه‌سازی تغییر در فرهنگ سازمانی مهم هستند.

- * اولی کوششی جمعی برای نشان دادن این‌که چگونه رویکرد، رفتارها و نگرش‌های جدید به ارتقاء عملکرد کمک می‌کند.
- * عامل دوم صرف زمان کافی برای مطمئن شدن از این نکته



برنامه‌ریزی توسعه نیروگاه‌های استان کرمان به منظور تامین تقاضای برق تا سال ۱۴۰۴

چکیده

برنامه‌ریزی توسعه ظرفیت تولید انرژی الکتریکی از جمله مهم‌ترین بخش‌های برنامه‌ریزی توسعه سیستم‌های انرژی است. بدین منظور، در ابتدا لازم است میزان تقاضای انرژی الکتریکی در افق مورد مطالعه پیش‌بینی گردد. در این تحقیق، ابتدا میزان کل تقاضای انرژی الکتریکی استان کرمان تا افق ۱۴۰۴ با استفاده از مدل‌های پیش‌بینی مناسب تخمین زده شده است. سپس به منظور برنامه‌ریزی توسعه ظرفیت نیروگاه‌ها و پاسخگویی به میزان تقاضای پیش‌بینی شده از نرم‌افزار LEAP که یک ابزار مدل‌سازی سیستم انرژی معتبر جهانی «که کشور ایران به آن دسترسی دارد» می‌باشد و امکان طرح و مدل‌سازی گزینه‌های مختلف عرضه و تقاضای انرژی را دارد، استفاده شده است. داده‌های مورد نیاز شامل پیش‌بینی شده تقاضای برق و نیز مشخصات نیروگاه‌های فعلی استان و همچنین نیروگاه‌های در حال ساخت که از ترازنامه انرژی کشور جمع‌آوری شده، به محیط نرم‌افزار وارد و سیستم تولید برق استان کرمان مدل‌سازی شده است. در نهایت، میزان ظرفیت، تولید، سهم نیروگاه‌های مختلف در تولید برق، دسپاچینگ نیروگاه‌ها بر اساس پروفیل بار استان کرمان و نیز هزینه‌های سرمایه‌گذاری، سوخت و هزینه‌های تعمیرات و نگهداری این نیروگاه‌ها تا افق ۱۴۰۴ تخمین زده شده است.

مقدمه

به خدمات نوین انرژی در مضیقه بوده و شدیداً به سوخت‌های زیست توده برای تامین مایحتاجشان وابسته هستند. در حال حاضر ۲۳۵۷۳ نفر از ۱۹۱ کشور جهان در حال استفاده از این نرم افزار به منظور تجزیه و تحلیل ساختار انرژی در کشورهای مختلف می‌باشند. هم چنین داده‌های مربوط به ساختار انرژی پایه بیش از ۱۰۴ کشور مختلف از جمله ایران به منظور استفاده کاربران در سراسر جهان در وب سایت تخصصی این نرم افزار به آدرس <http://www.energycommunity.org> موجود می‌باشد.

یکی از مهم‌ترین پیش نیازهای برنامه‌ریزی توسعه تولید، پیش‌بینی میزان تقاضای بار در افق برنامه‌ریزی می‌باشد. داشتن تخمین درست از میزان تقاضای بار در افق برنامه‌ریزی می‌تواند به واقعی‌تر شدن نتایج برنامه‌ریزی کمک شایانی نماید. لذا انتخاب مدل پیش‌بینی از اهمیت بسزایی برخوردار است.

پیش‌بینی تقاضای برق استان

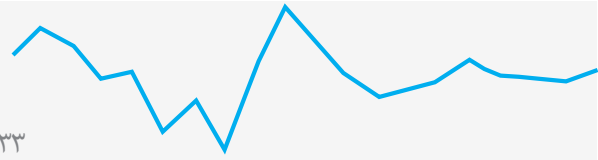
پیش‌نیاز اصلی برنامه ریزی تولید در افق‌های زمانی گوناگون، پیش‌بینی بار آتی شبکه است. به دلیل وجود رفتار تصادفی بار، همواره مقداری خطا در پیش‌بینی بار وجود دارد ولیکن این خطا نباید از حد معقولی بیشتر باشد. از سوی دیگر برنامه‌های توسعه شبکه و ظرفیت نیروگاهها براساس پیش‌بینی حداکثر بار همزمان برای دوره‌های برنامه ریزی تدوین می‌شود. بنابراین پیش‌بینی بار می‌تواند مبنای توسعه و بهره‌برداری بهینه از نیروگاه‌ها و شبکه برق رسانی جهت تامین انرژی الکتریکی مطمئن مورد نیاز مصرف‌کنندگان به اقتصادی‌ترین وجه ممکن در شرایط شبکه باشد. لازم به ذکر است پیش‌بینی همراه با گشاده‌دستی موجب سرمایه‌گذاری اضافی و بلا استفاده ماندن تأسیسات می‌شود. برعکس پیش‌بینی کمتر از نیاز واقعی، شبکه را با کمبود تولید و صدمه به تجهیزات بر اثر بار اضافی و افزایش خاموشی‌ها مواجه

برنامه‌ریزی توسعه ظرفیت‌های تولید برق، نیازمند آینده‌نگری و پیش‌بینی تقاضای برق می‌باشد. با توجه به سرمایه‌بری زیاد این صنعت و همچنین زمان نسبتاً طولانی ایجاد ظرفیت نیروگاهی، طبعاً برنامه‌ریزی برای توسعه ظرفیت‌های نیروگاهی، نیازمند پیش‌بینی‌های میان‌مدت و بلندمدت است. با توجه به بالا بودن هزینه‌های احداث نیروگاه‌ها و نقشی که نیروگاه‌ها در تامین برق بر عهده دارند، باید همواره برنامه‌ریزی جهت احداث ظرفیت‌های جدید نیروگاهی و بهره‌برداری از واحدهای موجود با دقت کافی صورت گیرد، زیرا کمبود ظرفیت تولید و عدم آمادگی مطلوب نیروگاه‌های موجود، اثرات نامطلوب بر تامین برق مطمئن و باکیفیت خواهد گذاشت.

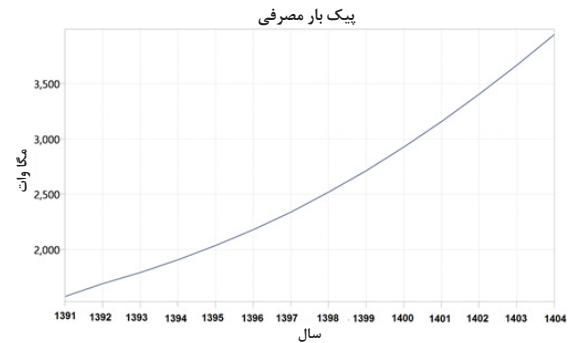
در این مطالعه، چشم‌انداز میان‌مدتی از تقاضای برق و ظرفیت عملی نیروگاهی مورد نیاز استان کرمان طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۴ ارائه شده است. بدین منظور ابتدا پیش‌بینی تقاضای برق استان کرمان تا افق ۱۴۰۴ انجام شده است. سپس به منظور برنامه‌ریزی توسعه ظرفیت‌های جدید نیروگاهی با رویکرد کاهش هزینه‌های اجرایی و بهره‌برداری بهینه از واحدهای موجود، سیستم تولید برق استان کرمان با استفاده از نرم افزار LEAP¹ مدل گردیده است. در پایان با توجه به نتایج ارائه شده، ظرفیت مورد نیاز تولید برق استان کرمان، میزان ظرفیت هر کدام از نیروگاه‌ها و نیز میزان تولید نیروگاه‌های مختلف و دیسپاچینگ نیروگاه‌ها بر اساس پروفیل بار استان کرمان تا افق ۱۴۰۴ تعیین گردیده است. لازم به ذکر است که نرم‌افزار مذکور توسط موسسه زیست محیطی استکهلم توسعه داده شده و کاربران ایرانی نیز می‌توانند به صورت رایگان و پس از ثبت نام اینترنتی نرم افزار را دانلود و مورد استفاده قرار دهند. پس از نصب و فعال سازی نرم افزار، با اجرای این نرم‌افزار، با ساختار انرژی یک کشور فرضی روبرو خواهیم شد. این ساختار انرژی به منظور نشان دادن چگونگی کاربرد نرم‌افزار در زمینه‌های مختلف و برای انعکاس ویژگی‌های توامان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه، ایجاد شده است. برای نمونه جمعیت شهری کشور فرضی^۲ همگی برق رسانی شده و در سطح استانداردهای OECD زندگی می‌کنند، در صورتی که جمعیت روستایی فقیرتر بوده و از نظر دسترسی

1 Long range Energy Alternative Planning

2 Freedomia



می‌کند. در این مطالعه، با توجه به دقت روش TGM^۱ از این روش برای پیش‌بینی تقاضای بار استان در افق مورد مطالعه استفاده شده است که در شکل شماره ۱ قابل مشاهده است.

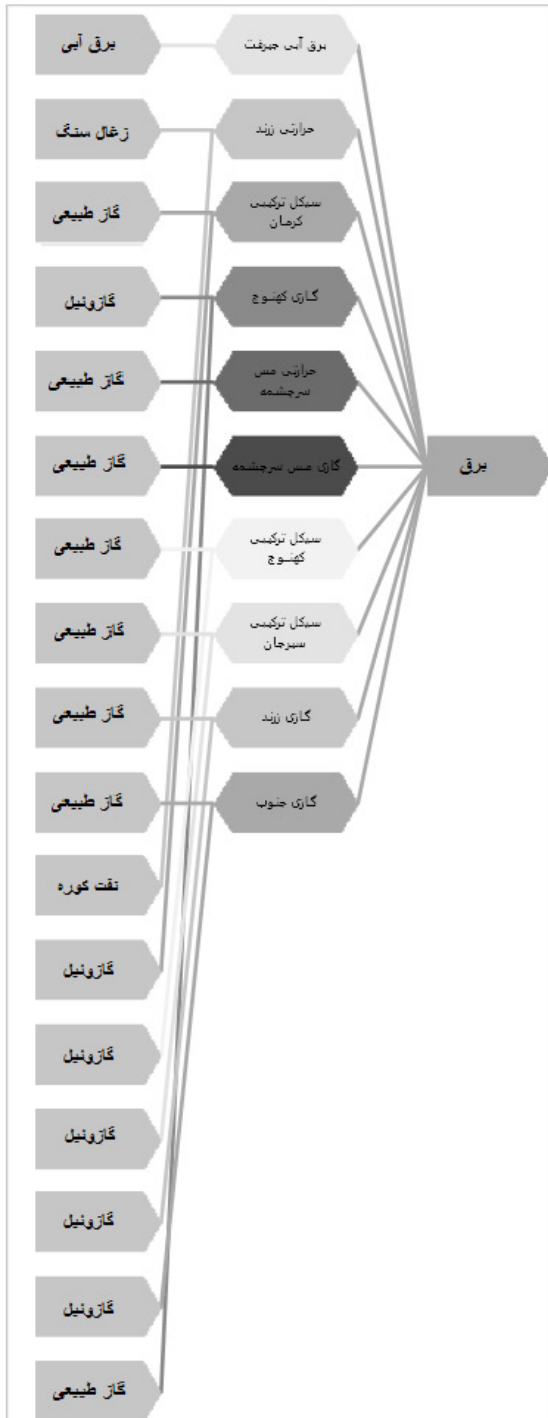


شکل ۱: نمودار پیک بار استان کرمان در سال‌های آتی

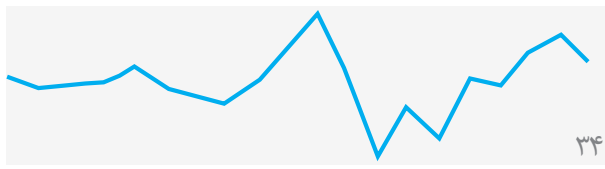
چنانچه در شکل نشان داده شده است، پیک بار استان کرمان از ۱۷۴۹ مگاوات در سال ۱۳۹۱ به تدریج تا بیش از ۳۹۴۶ مگاوات در افق ۱۴۰۴ افزایش یافته است.

برنامه‌ریزی توسعه تولید برق استان کرمان

برنامه‌ریزی تولید به عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های فرایند برنامه‌ریزی انرژی الکتریکی است که پس از تخمین بار مورد نیاز انجام می‌شود. هدف از برنامه‌ریزی تولید یافتن اقتصادی‌ترین الگوی توسعه تولید برای رسیدن به یک سطح مشخص از قابلیت اطمینان به منظور تأمین بار پیش‌بینی شده و میزان افزایش آن در یک دوره زمانی مشخص است. در این مقاله به منظور برنامه‌ریزی تولید برق از مدل موجود در نرم افزار LEAP استفاده شده است. خط مشی اصلی این مدل بر اساس سناریوی مصرف نهایی است. در این مدل وضعیت حاضر انرژی در سال شروع بدست می‌آید و سناریوی پایه با توجه به سهم گرایش‌های حاضر توسعه داده می‌شود. بنابراین با توجه به نتایج پیش‌بینی و نیز وضعیت تولید برق استان کرمان در سال پایه (۱۳۹۱) سیستم تولید برق استان کرمان در محیط نرم‌افزار مدل‌سازی گردید که در شکل ۲ نمایی از این مدل نشان داده شده است.



شکل ۲- مدل سازی سیستم تولید برق استان کرمان



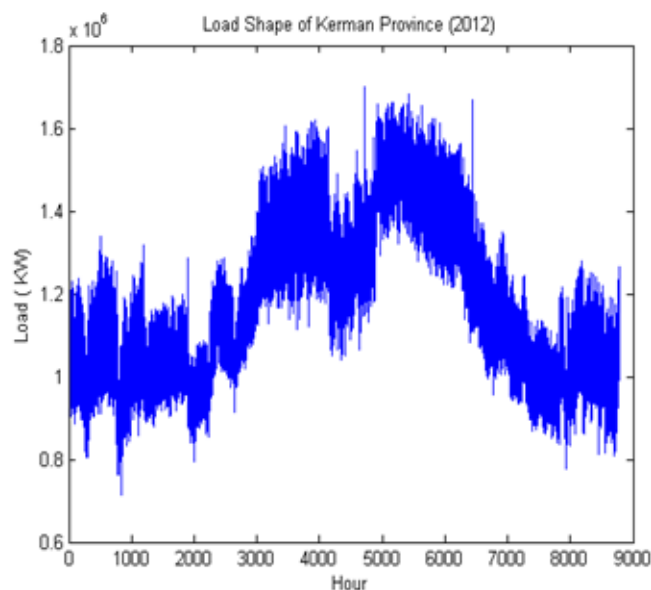
داده‌های مربوط به مشخصات نیروگاه‌های مختلف استان کرمان از ترازنامه انرژی کل کشور و آمار تفصیلی صنعت برق ایران جمع آوری گردیده است. در این مطالعه هم چنین هزینه‌های نیروگاه‌های مختلف از قبیل هزینه‌های سرمایه‌گذاری، تعمیرات و نگه‌داری ثابت، تعمیرات و نگه‌داری متغیر و نیز هزینه سوخت نیروگاه‌ها تا افق ۱۴۰۴ پیش‌بینی شده است لذا اطلاعات مربوط به هزینه‌های سرمایه‌گذاری و تعمیرات و نگه‌داری نیروگاه‌ها در سال پایه تعیین گردیده است و هزینه سوخت نیروگاه‌ها در سال پایه (۱۳۹۱) مطابق جدول ۱ فرض شده است که از آمار تفصیلی صنعت برق ایران در سال ۹۱ استخراج گردیده است. هم چنین فرض شده است که در سال‌های بعد، قیمت سوخت با توجه به سیاست‌های موجود در برنامه پنج ساله پنجم توسعه افزایش یابد. بدین ترتیب فرض شده است که تا پایان سال ۱۳۹۴ (سال پایان برنامه پنج ساله پنجم توسعه) قیمت سوخت‌های گازوئیل و نفت کوره به ۹۰ درصد قیمت فوب خلیج فارس و قیمت گاز طبیعی نیز به ۷۵ درصد قیمت گاز صادراتی افزایش یابد.

جدول ۱- قیمت سوخت تحویلی به نیروگاه‌ها در سال پایه (۱۳۹۱)

نوع سوخت	گاز طبیعی \$/m ³	گازوئیل \$/Liter	نفت کوره \$/Liter
قیمت سوخت	۰,۰۳	۰,۱۳۴	۰,۰۸

پروفیل (تغییرات ساعتی) بار استان کرمان

به منظور توزیع مناسب بار بین نیروگاه‌ها، شکل بار استان کرمان در سال پایه به محیط نرم افزار وارد شده است. شکل بار بیانگر چگونگی تغییرات بار از ساعتی به ساعت دیگر در طی سال می باشد. همان‌طور که در شکل ۳ نشان داده شده است، بیشینه بار استان کرمان در مرداد ماه سال ۱۳۹۱ برابر با ۱۷۵۹ مگاوات بوده است.



شکل ۳ - پروفیل بار استان کرمان در سال ۱۳۹۱

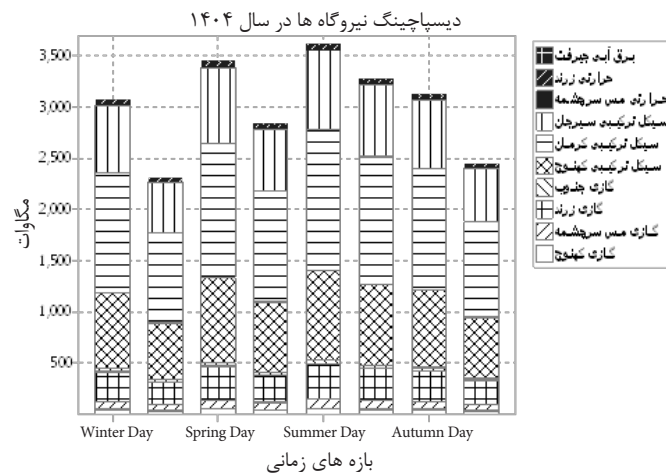


نتایج مدلسازی در نرم افزار

در این بخش نتایج حاصل از مدل سازی بخش برق استان کرمان بر پایه مدل موجود در نرم افزار ارائه شده است.

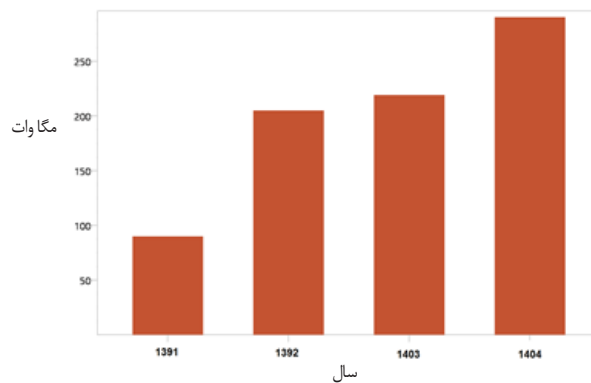
الف: دیسپاچینگ نیروگاه ها بر اساس پروفیل بار استان کرمان

با وارد کردن داده های مورد نیاز به محیط نرم افزار و با توجه به ظرفیت برنامه ریزی شده برای تولید برق در سال های آتی بنا بر اطلاعات موجود در معاونت برنامه ریزی انرژی استان کرمان و ترازنامه انرژی کل کشور نتایج مربوط به توزیع بار نیروگاه ها و میزان تولید نیروگاه ها در سال های آتی تا افق ۱۴۰۴ مشخص گردیده که نتایج حاصل در شکل ۴ آورده شده است.



شکل ۴- دیسپاچینگ نیروگاه ها در پیک بار فصل های مختلف سال (۱۴۰۴)

در شکل ۵ دیسپاچینگ نیروگاه ها در چهار فصل سال (زمستان، بهار، تابستان و پاییز) و در بازه های روزانه شامل روز و شب، نشان داده شده است. همان گونه که در شکل ۵ نشان داده شده است، بیشینه توان تولید استان کرمان در تابستان سال ۱۴۰۴ برابر با ۳۶۵۶ مگاوات خواهد بود که با توجه به پیک بار برابر با ۳۹۴۶ مگاوات، مقدار ۲۹۰ مگاوات کسری برق در پیک بار این سال پیش بینی شده است. هم چنین این میزان کسری تولید در پیک بار استان در سال ۱۴۰۳ نیز برابر با ۲۱۹ مگاوات پیش بینی شده است که لزوم برنامه ریزی به منظور اصلاح پروفیل بار در استان را نشان می دهد. مقدار کسری توان تولید برق در سال های مختلف در شکل ۵ نشان داده شده است.

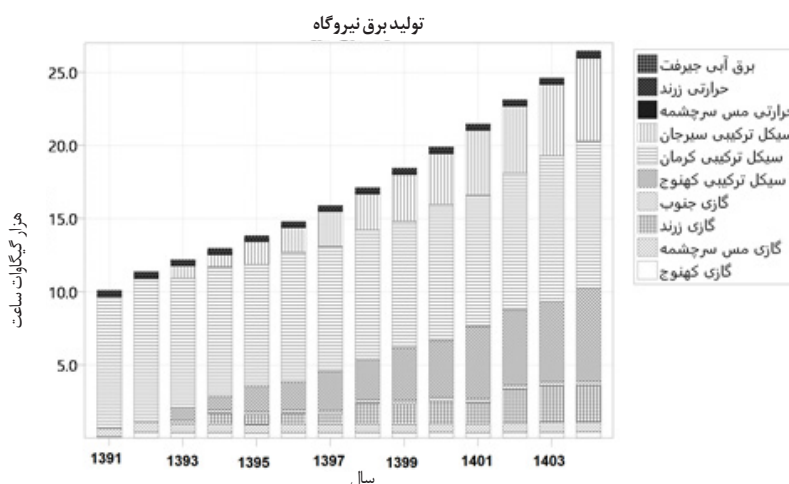


شکل ۵- کسری تولید برق در پیک مصرف سال های مختلف

همانطور که در شکل ۵ دیده می شود پس از سال های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ به دلیل وارد مدار شدن فازهای اولیه نیروگاه های سیکل ترکیبی کهنوج و سیرجان و نیز نیروگاه گازی جنوب در سال ۱۳۹۳، میزان کسری تولید برق در پیک مصرف سال های آتی برطرف شده است اما در سال های پایانی افق پیش بینی یعنی سال های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴، با توجه به افزایش میزان مصرف و تعداد مشترکان، مجدداً این مشکل ایجاد شده است که می توان با برنامه های مدیریت سمت تقاضا و اصلاح پروفیل بار، گام های مفیدی در برطرف نمودن این مشکل برداشت.

ب: ظرفیت و میزان تولید برق نیروگاه ها در سال های آتی

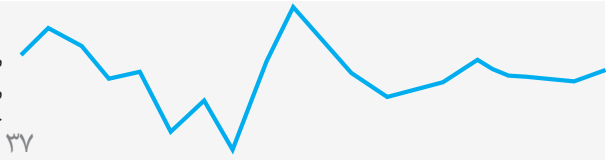
با توجه به افزایش تقاضای برق در سال های آتی، ظرفیت و میزان تولید برق نیروگاه ها نیز به تدریج و متناسب با میزان تقاضا افزایش یافته است که میزان تولید نیروگاه ها در سال های پیش رو و در افق ۱۴۰۴ در شکل ۶ و جدول ۲ نشان داده شده است.



شکل ۶ - میزان تولید نیروگاه ها در سال های آتی

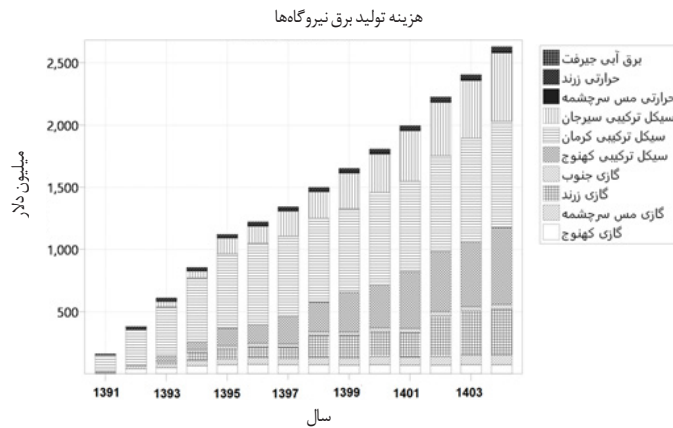
جدول ۲ - میزان ظرفیت و تولید نیروگاه ها در افق ۱۴۰۴

نیروگاه	تولید مگاوات ساعت	ظرفیت مگاوات
برق آبی جیرفت	۳۲	۳۲
بخاری زرد	۳۵۱/۲	۵۵۰
سیکل ترکیبی کرمان	۹۴۰/۲	۱۹۱۲
گازی کهنوج	۸۴/۱	۵۰
بخاری مس سرچشمه	۱۷۳/۲	۲۴
گازی مس سرچشمه	۷۴۴/۹	۱۳۰
سیکل ترکیبی کهنوج	۶۲۹۲/۵	۹۶۸
سیکل ترکیبی سیرجان	۵۵۹۳/۳	۹۸۴
واحد گازی نیروگاه زرد	۳۴۸۱/۳	۴۸۰
نیروگاه گازی جنوب	۳۶۲/۶	۵۰
جمع	۲۶۵۱۷/۲	۴۶۹۰



ج: آنالیز هزینه

مجموع هزینه‌های سرمایه‌گذاری، تعمیرات و نگهداری و هزینه سوخت نیروگاه‌ها در سال‌های مختلف در شکل ۷ نشان داده شده است.



شکل ۷- هزینه تولید نیروگاه‌ها

همان‌طور که در شکل ۷ نشان داده شده است، طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ به دلیل فرآیند آزادسازی قیمت سوخت تحویلی به نیروگاه‌ها، میزان هزینه تولید نیروگاه‌ها با شیب نسبتاً زیادی افزایش یافته است که در سال‌های بعد این روند شکل ملایم‌تری به خود گرفته است. در جدول ۳ مقایسه‌ای بین مجموع هزینه‌های مختلف نیروگاه‌ها در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۴۰۴ انجام گرفته است.

جدول ۳ - مجموع هزینه نیروگاه‌ها (میلیون دلار)

سال / نوع هزینه	۱۳۹۱	۱۴۰۴
سرمایه‌گذاری	۷/۴	۱۷۵/۹
تعمیرات و نگه‌داری	۳۹/۴	۱۰۲/۷
سوخت	۱۲۳/۳	۲۳۵۱/۸

نتیجه‌گیری

در این مقاله ابتدا میزان کل مصرف برق استان کرمان تا افق ۱۴۰۴ پیش‌بینی گردید. بنابر این بر اساس نتایج پیش‌بینی، میزان برق مصرفی استان کرمان از ۹۱۰۳ گیگاوات ساعت در سال ۱۳۹۱ به بیش از ۲۲۸۰۰ گیگاوات ساعت در افق ۱۴۰۴ خواهد رسید. بنابر این به منظور پاسخگویی به این میزان تقاضا لازم است برنامه ریزی جامعی به منظور افزایش ظرفیت نیروگاه‌ها صورت گیرد. با توجه به نتایج حاصل از شبیه‌سازی سیستم تولید برق استان کرمان توسط نرم‌افزار LEAP میزان تولید هر کدام از نیروگاه‌ها تا افق پیش‌بینی ۱۴۰۴ تعیین شد. طبق نتایج ارائه شده توسط این شبیه‌سازی مشاهده می‌شود که تا سال ۱۴۰۴ میزان کل ظرفیت نیروگاهی استان کرمان به ۴۶۹۰ مگاوات خواهد رسید و میزان کل تولید برق بالغ بر ۲۶۵۰۰ گیگاوات ساعت خواهد بود که توسط نیروگاه‌های موجود در استان تامین شده است اما توجه به این نکته حائز اهمیت است که در پیک بار استان کرمان در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ به ترتیب میزان ۲۱۹ و ۲۹۰ مگاوات کسری برق پیش‌بینی شده است و نشان می‌دهد که چنانچه برنامه جامعی به منظور اصلاح پروفیل بار استان کرمان تدارک دیده نشود، این میزان کسری می‌تواند در سال‌های آینده در تامین برق استان مشکل‌ساز شود. هم‌چنین توجه به میزان تولید انواع نیروگاه‌ها در سال‌های متوالی طبق این برآورد نشان می‌دهد که سهم نیروگاه‌های سیکل ترکیبی در میزان تولید برق به مراتب بالاتر از سایر نیروگاه‌ها می‌باشد و این به دلیل پایین بودن هزینه تعمیرات و نگهداری و نیز بازدهی بالاتر این نوع نیروگاه‌ها نسبت به سایر نیروگاه‌های تولید برق است.



منابع

- [۱] عباس زاده ، شرکت مهندسين مشاور نیرو- دانشگاه صنعتی امیرکبیر، برنامه ریزی کلان انرژی الکتریکی کشور.
- [۲] گودرزی،مینا؛ نوشاد، بهرام؛ جوادی،محمدصادق، " برنامه ریزی توسعه نیروگاه ها برای شبکه سراسری برق ایران با هدف تامین قابلیت اعتماد به کمک برنامه توسعه تولید (WASP-IV) و الگوریتم پیشنهادی به روش برنامه دینامیکی و مقایسه آنها"، سومین کنفرانس نیروگاه های برق ، ۱۸۴-۱۷۷.
- [۳] صفاری پور، مسعود، "چشم انداز تقاضای برق و ظرفیت عملی نیروگاهی مورد نیاز کشور در برنامه سوم توسعه " ، سومین همایش ملی انرژی ایران، ۱۸۰-۱۷۱.
- [۴] ایران ، وزارت نیرو ، دفتر برنامه ریزی کلان برق و انرژی ، "ترازنامه انرژی سال ۹۱" / معاونت امور برق و انرژی.
- [۵] شرکت مادر تخصصی توانیر ، " آمار تفصیلی صنعت برق ایران ویژه تولید نیروی برق در سال ۹۱ " ، معاونت منابع انسانی و تحقیقات وزارت نیرو .





گزارش نشست‌های تخصصی تابستان ۹۳

چکیده

در تابستان ۱۳۹۳ سه نشست تخصصی با محوریت مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی در اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان برگزار شد. نشست تخصصی اول با حضور دکتر مسعود نیلی مشاور عالی اقتصادی رییس‌جمهور پیرامون موضوع «راه‌کارهای خروج غیرتورمی از رکود اقتصادی»، نشست تخصصی دوم با حضور دکتر محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام با موضوع «اقتصاد مقاومتی» و نشست تخصصی سوم با حضور دکتر ناظمی عضو مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور با موضوع «بناگاه‌های مبتنی بر ایده‌های نو و نقش سرمایه‌گذاران مخاطره‌پذیر» برگزار گردید. در این گزارش به تشریح خلاصه‌ای از نشست‌های مذکور پرداخته می‌شود.



راه کارهای خروج غیر تورمی از رکود اقتصادی

دکتر مسعود نیلی مشاور عالی اقتصادی رییس جمهور

واقع کوتاه مدت و برای حل مشکلات فوری اقتصادی عنوان کرد و بر لزوم توجه به مشکلات اصلی نیز تاکید کرد. وی در تشریح روند رشد اقتصادی کشور طی ۲۵ سال گذشته تا اوایل دهه ۸۰ گفت: اقتصاد کشور در این روند بلندمدت، با رشد اقتصادی ۵ درصدی، نرخ تورم ۱۸ درصد و نرخ بیکاری ۱۱ درصدی در وضعیت نسبتاً خوبی قرار داشته است که باثبات ترین دوره ی اقتصادی در طول سال های ۶۸ تا ۸۴ در واقع فاصله ی سال های ۷۹ تا ۸۳ بوده است که با رشد ۶ درصدی و نرخ پایین تورم و اشتغال ۶۹۰ هزار نفر در سال، رکورد اشتغال زایی را طی سال های بعد از انقلاب داشته است.

چالش های اقتصاد

وی در ادامه، افزود: با توجه به موج جمعیت متولدین سال های ۶۰ تا ۶۴ و تقاضای اشتغال به کار این جمعیت جوان، سال ۱۳۸۰ از لحاظ فراهم کردن زمینه ی اشتغال برای برنامه ریزان بسیار مهم تلقی می شد، بنابراین فایده ی آمدن به مشکل بیکاری، مستلزم رشد ۸ درصدی اقتصاد در سال بود که محقق نشد و بیکاری به صورت چالش اول اقتصاد ایران در سال های بعد خودش را نشان داد.

نیلی، چالش دوم اقتصاد ایران را ناکارآمدی دولت و تسلط آن بر بخش های اقتصادی عنوان کرد و بر لزوم کیفیت سیاست گذاری های دولتی بر اراییه ی خدمات عمومی تاکید کرد. وی، چالش سوم را تنگناهای طبیعی در بخش آب و انرژی ذکر و خاطر نشان کرد: این نگرانی همواره وجود دارد که کشور چگونه می تواند از این بحران ها نجات پیدا کند.

بیماری مزمن اقتصاد ایران

وی با اشاره به وجود مشکلات ذکر شده، دلیل بیمار شدن اقتصاد ایران را در حال حاضر مربوط به افزایش قیمت نفت در سال ۸۰ و ناکارآمدی در هدایت و برنامه ریزی اصولی برای

محمدرضا احمدی: همایش راه کارهای خروج غیر تورمی از رکود اقتصادی با حضور مشاور عالی اقتصادی رییس جمهور آقای دکتر مسعود نیلی روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۳/۰۶/۲۹ با محوریت مرکز تحقیقات و بررسی های اقتصادی در محل اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان کرمان برگزار گردید. مسعود نیلی در این همایش و در جمع کارشناسان و مسئولان اقتصادی استان کرمان، ضمن اشاره به مشکلات اقتصادی کشور، به طرح راه کارهای خروج غیر تورمی از رکود اقتصادی پرداختند. بیکاری قشر جوان، ناکارآمدی و تسلط دولت بر بخش اقتصاد و تنگناهای طبیعی آب و انرژی از جمله مسایلی بود که ایشان به عنوان چالش های پیش روی کشور مطرح نمودند.

وی در این همایش با اشاره به بحرانی شدن شرایط اقتصادی ایران طی سال های ۹۱ و ۹۲، بر لزوم توجه و بررسی صحیح مشکلات پیش آمده تاکید کرد و گفت: در صورت سطحی گرفتن مشکلات اقتصادی، توصیه ها و پیشنهادهای که برای بهبود اوضاع ارائه می کنیم، چندان کارآمد نخواهند بود، بر این اساس در شرایط فعلی که اجماع و وفاق ملی از اهمیت برخوردار است، این گونه جلسات باید برگزار شود تا بتوانیم با همفکری یکدیگر به عمق مشکلات کشور توجه بیشتری کرده و نتیجه ی خوبی از آن به دست آوریم.

وی، مبنای پیچیدگی و بحرانی شدن وضعیت اقتصادی موجود را مربوط به سه سال اخیر دانست و افزود: در این شرایط ضمن این که کشور با مشکلات ساختاری اقتصادی مواجه بود، به همراه آن مسایل دیگری که از فوریت و اهمیت خاص برخوردار بودند نیز به وجود آمد و بر تصمیمات اقتصادی تحمیل شد که بررسی اصولی آن نیازمند تفکیک این دو دسته از مشکلات است که در طرح خروج از رکود اقتصادی دیده شده است.

گذشته ی روشن اقتصاد

نیلی، مجموعه ی سیاست های تشریح شده در این طرح را در



به دنبال آن کاهش تقاضا برای خرید کالا، خدمات و پس انداز دانست و خاطر نشان کرد: راه حل در این است که بتوان این کاهش را با افزایش صادرات غیرنفتی جبران کرد و در این رابطه با تعامل با کشورهای اطراف، تقاضای بیرونی را افزایش داد تا تولید با محوریت صادرات به تدریج افزایش یابد.

وی افزود: موضوع دیگری که باید به آن توجه کرد، تسلط دولت بر مجموعه بنگاه های اقتصادی و بدهی های دولت به پیمان کاران، سیستم بانکی و شرکت های دولتی است که باید به گونه ای این بدهی ها مدیریت شود.

وی ادامه داد: برای رهایی از تنگنای مالی باید دست به اصلاح ساختاری زد، چرا که دغدغه اقتصاددانان این است، بانک هایی که طی سال های گذشته از واسطه گری مالی فاصله گرفته و به بنگاه داری پرداخته اند و یا برای خود درآمد ثابت خریداری کرده اند، به واسطه گری مالی برگردند و به دنبال جذب پس انداز و اعطای تسهیلات مردم باشند و در صورتی این اتفاق محقق می شود که چشم انداز کشور کاهش تورم باشد و در این رابطه ضروری است که بانک به فعالیت اصلی خودش برگردد و بانک مرکزی به عنوان ناظر بازار پولی، جایگاه خودش را پیدا کند.

استفاده از این فرصت دانست و گفت: این افزایش قیمت می تواند به فرصت سرمایه گذاری برای عبور از مشکل بیکاری تبدیل شود که متاسفانه با مدیریت غیراصولی، درآمد نفت وارد اقتصاد کشور شد و به دنبال آن واردات کالاهای ارزان قیمت افزایش یافت.

وی افزود: با ثابت نگهداشتن نرخ ارز و افزایش تورم، قدرت رقابت از تولیدکننده داخلی گرفته شد و به دنبال آن تولید داخلی کاهش یافت، بنابراین در این شرایط غیرمنصفانه، تولیدکننده داخلی به کنار کشید و بخش صنعت و کشاورزی نیز تضعیف شد، بر این اساس با کاهش سرمایه گذاری، در نتیجه ی سرشماری سال ۹۰ رشد اشتغال در کشور به صفر رسید و نگرانی دولت برای ایجاد اشتغال جوانان دوچندان شد.

نیلی ادامه داد: طی این سال ها درآمد ارزی حاصل از صادرات یک محصول و افزایش واردات، کشور را بیش از گذشته وابسته کرد و در اوج این وابستگی، تحریم های اقتصادی به سرعت خودش را در اقتصاد ایران نمایان کرد و در سال ۹۰ رشد تولید ناخالص ملی به منفی ۶٫۸ درصد رسید و ارزش افزوده ی درآمد نفت به منفی ۳۷٫۴ درصد کاهش داشت که این وضعیت در تاریخ ایران بی سابقه بوده است.

وی خاطر نشان کرد: در این شرایط که حجم نقدینگی رشد و تولید کاهش پیدا می کند، تورم و به دنبال آن رکود تورمی ایجاد می شود به طوری که در سال ۹۲ کشور تورم ۴۰٫۴ درصدی را تجربه می کند.

مشاور عالی اقتصادی رییس جمهور با اشاره به این که دولت اولویت کاری خودش را کاهش تورم قرار داده است، گفت: خوشبختانه با تلاش دولت، میزان تورم در تیرماه امسال به ۱۴٫۶ درصد رسید که امیدواریم دست آوردهای کاهش تورم را از دست ندهیم و طوری سیاست گذاری کنیم که بدون دامن زدن به رکود از آن خارج شویم.

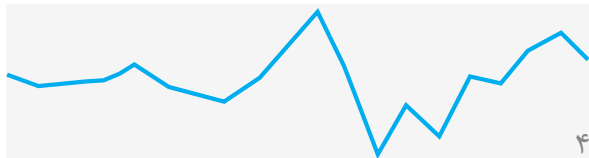
با توجه به موج جمعیت متولدین سال های ۶۰ تا ۶۴ و تقاضای اشتغال به کار این جمعیت جوان، سال ۱۳۸۰ از لحاظ فراهم کردن زمینه ی اشتغال برای برنامه ریزان بسیار مهم تلقی می شد، بنابراین فایق آمدن به مشکل بیکاری، مستلزم رشد ۸ درصدی اقتصاد در سال بود که محقق نشد و بیکاری به صورت چالش اول اقتصاد ایران در سال های بعد خودش را نشان داد.

چهار مسئله و دو راه حل

وی افزود: در بسته ی پیشنهادی دولت، چهار مسئله ذکر و برای آن ها راه حل هایی در نظر گرفته شده است که این چهار مورد شامل تحریم های اقتصادی، تنگنای مالی، کاهش تقاضای موثر و کاهش سرمایه گذاری است که بیشتر راه حل های ارائه شده، معطوف به تنگنای مالی و کاهش تقاضای موثر است. نیلی، کاهش تقاضای موثر را ناشی از کاهش درآمد مردم و

بهبودی در وضعیت اقتصادی با وجود تحریم

مشاور عالی اقتصادی رییس جمهور تصریح کرد: راه کارهای ارائه شده برای خروج از رکود، موقتی نیست، بلکه در یک نگاه بلندمدت به دنبال آن هستیم که با وجود تحریم، بهبودی در وضعیت اقتصادی اتفاق بیفتد. وی خاطر نشان کرد: در راس این سیاست ها، فعالیت های



ضرورت مشارکت دو سطح ملی و استانی در اجرای طرح نیلی، مشارکت دو سطح ملی و استانی را در اجرای طرح خروج از رکود، ضروری دانست و گفت: این گزارش، مبنای سیاست‌های اقتصادی کشور تا پایان سال ۹۴ خواهد بود.

وی در خصوص بخش ملی طرح، گفت: این بخش، شامل سیاست‌های ملی و مرکزی، مانند سیاست‌گذاری‌های بانک مرکزی و سیاست‌های خاص مالی در تنظیم بودجه‌ی سالیانه است.

مشاور ارشد اقتصادی رییس جمهور، بخش دوم را در ارتباط با استان‌ها و در برخورد مستقیم با مردم دانست و گفت: موفقیت اجرای طرح، در گرو هماهنگی و هم‌افزایی دو بخش ملی و استانی است.

نیلی، تلاش دولت در تهیه‌ی این طرح را نشان‌دهنده‌ی بلوغ دولت و حساسیت بخش خصوصی نسبت به پیچیدگی‌های شرایط موجود بیان کرد و افزود: نوع نگارش و نحوه‌ی تهیه‌ی این طرح، متفاوت است و همه راغب هستند جزئیات آن را بدانند.

وی با اشاره به دوره‌های مکرر رکود از سال ۶۸ تا پایان سال ۹۲، گفت: عمق رکود و تورم در دوره‌ی اخیر رکود که از زمستان سال ۹۰ تا پایان سال ۹۲ ادامه داشت، به وجود آمد، در هیچ یک از دوره‌های رکود سابقه نداشته است.

مشاور ارشد اقتصادی رییس جمهور افزود: حتی در دوره‌ی جنگ که رشد منفی ۹ درصد داشتیم، تورم تا این حد نبود.

نیلی ادامه داد: در هیچ یک از دوره‌های رکود، دولت‌ها طرحی را برای خروج از رکود ارائه نکردند.

مشکل اصلی اقتصاد کشور، تحریم نیست

وی با بیان این که مشکل اصلی اقتصاد کشور، تحریم نیست، گفت: این که فرهنگ ما ضد سرمایه است، نظام بانکی ما ایراد دارد، بازار سرمایه، فعال نیست و موانع سرمایه‌ای داریم، ربطی به تحریم ندارد و باید این شرایط را اصلاح کرد.

مشاور ارشد اقتصادی رییس جمهور با اشاره به این که تجربه‌ی سیاست‌گذاری از سال ۱۳۲۷ در کشور ما وجود دارد، گفت: در طی این سال‌ها همه‌ی راه‌ها امتحان شده ولی جمع‌بندی اصولی انجام نشده است.

نیلی در ادامه، با اشاره به موفقیت‌های کشورهای مختلف در کاهش تورم و خروج از رکود، این سوال را مطرح کرد که چرا در بسیاری از کشورها می‌توانند در زمینه‌ی کاهش تورم به

صرفه‌جویی کننده در مصرف انرژی است که باید آن را کاهش داد، اما این که چگونه می‌توان انگیزه ایجاد کرد، مبتنی بر ایجاد مکانیزم‌های مالی است، مثلاً مصرف سوخت حمل و نقل ریلی نسبت به حمل و نقل جاده‌ای کم‌تر است و اگر حمل و نقل ریلی توسعه پیدا کند، می‌توان درآمد بیشتری از صدور نفت خام به‌دست آورد، بنابراین با حرکت به سمت کاهش انرژی تحرک حداکثری ایجاد خواهد شد.

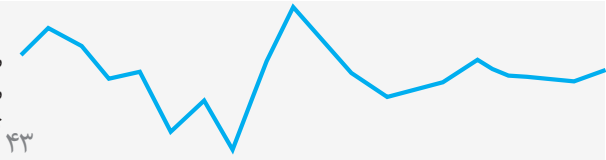
وی، در مورد بسته‌ی راه‌کارهای خروج غیرتورمی از رکود اقتصادی گفت: فوریت این بسته‌ی پیشنهادی به تصویب رسیده و تا پایان شهریور آماده می‌شود که امیدواریم با اجرا شدن این بسته و با افزایش سطح تولید ناخالص ملی در سال‌های آینده، به رشد مثبت اقتصادی برسیم.

با ثابت نگه‌داشتن نرخ ارز و افزایش تورم، قدرت رقابت از تولیدکننده‌ی داخلی گرفته می‌شود و به‌دنبال آن تولید داخلی کاهش می‌یابد، بنابراین در این شرایط، تولیدکننده‌ی داخلی به کنار می‌کشید و بخش صنعت و کشاورزی نیز تضعیف می‌گردد.

استان کرمان؛ پشتتاز خروج از رکود

مشاور ارشد اقتصادی رییس جمهور، بخش دوم سخنرانی خود را در استانداری کرمان و در جمع مسوولین و کارشناسان چنین ادامه داد: استان کرمان با وجود فضای صمیمی بین نیروهای دولتی و بخش خصوصی آن، می‌تواند بالاترین جایگاه را در رشد اقتصادی سال ۹۳ داشته باشد.

مسعود نیلی افزود: چیزی که از استان کرمان در ذهن داریم، حضور مدیران خوشفکر و علاقه‌مند به توسعه‌ی کشور است. استان کرمان، نیروی انسانی مستعدی دارد و مدیران آن همیشه ابتکارات خوبی داشته‌اند که به کشور نیز تسری پیدا کرده است. مشاور ارشد اقتصادی رییس جمهور خاطر نشان کرد: برگزاری چنین جلساتی، موجب ارتقای قدرت تحلیل مدیران از شرایط خاص اقتصادی و محدودیت امکانات فعلی و حرکت هماهنگ آنان در راستای اهداف دولت می‌شود.



مالیاتی، مشوق سرمایه‌گذاری و تولید خواهد بود. مشاور ارشد اقتصادی رییس جمهور به راه‌کار رونق اقتصادی استان کرمان اشاره کرد و گفت: ادارات استان باید با مدیریت اتاق بازرگانی در جلساتی با حضور فعالان بخش خصوصی، مشکلات اقتصادی استان را بررسی و حل کنند و گزارش‌های دوره‌ای ارائه دهند.

جمع‌بندی برسند، ولی ما نمی‌توانیم؟ وی، مهم‌ترین نکته در گزارش دولت را درس گرفتن از اشتباهات گذشته دانست و گفت: باید ببینیم اشکال از افراد بوده یا از سیاست‌ها و آیا حاضریم درآمدهای نفتی را به طور منطقی خرج کنیم.

مشاور ارشد اقتصادی رییس جمهور، انتشار این گزارش در دو بخش را تعمدی دانست و گفت: هدف از انتشار گزارش دولت در دو بخش تحلیلی و سیاست‌گذاری، این بوده است که به بخش اول که مربوط به چرایی بروز رکود است، توجه و تاکید شود. در بخش دوم نیز به جهت‌گیری برای خروج از رکود و اینکه آیا فقط

برای رهایی از تنگناهای مالی باید دست به اصلاح ساختاری زد، چرا که دغدغه‌ی اقتصاددانان این است، بانک‌هایی که طی سال‌های گذشته از واسطه‌گری مالی فاصله گرفته و به بنگاه‌داری پرداخته‌اند.

تحریم باعث این رکود شده یا سیاست‌های غلط هم در آن نقش داشته است.

تاکید بر اصلاح عملکرد مدیریت اقتصادی کشور

وی تصریح کرد: متأسفانه در کشور ما عملکرد مدیریت اقتصادی در دوره‌ی وفور، بدتر از دوره‌ی رکود است که این معضل باید اصلاح شود.

مشاور ارشد اقتصادی رییس جمهور به چهار فصل گزارش دولت شامل سیاست‌های اقتصاد کلان، بهبود فضای کسب و کار، تامین مالی و محرک‌های خروج از رکود اشاره کرد و گفت: مهم‌ترین سیاست اقتصاد کلان، ثبات اقتصاد کلان به معنی نداشتن نوسانات بزرگ است.

نیلی، مهم‌ترین شاخص‌های ثبات اقتصاد کلان را تورم و بازار ارز دانست و گفت: این بخش از سیاست‌های اقتصاد کلان، مربوط به بخش ملی است.

وی، بخش دیگر سیاست‌های اقتصاد کلان را سیاست‌های مالیاتی بین دولت و فعالان اقتصادی دانست و گفت: اجرای این طرح موجب تسهیل در دریافت مالیات می‌شود و سیاست‌های

اقتصاد مقاومتی

دکتر محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام

مقاومت‌پذیر شدن اقتصاد، یکی از ابعاد اقتصاد مقاومتی رضایی، با اشاره به این‌که اقتصاد مقاومتی، دو بُعد دارد، یکی از این ابعاد را مقاومت‌پذیر و تاب‌آور کردن اقتصاد در برابر فشارها و نوسانات اقتصادی دانست و گفت: مقاوم شدن اقتصاد در برابر نوسانات، یک اصطلاح بین‌المللی است و منشأ آن بحران‌هایی است که در اقتصاد آمریکا پدید آمد.

وی با بیان این‌که تنها مشکل اقتصاد ایران، نوسانات اقتصادی نیست، گفت: ما دچار تحریم‌های اقتصادی که خلاف عقلانیت و اقتصاد آزاد است نیز هستیم.

دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، افزود: اقتصاد آزاد می‌گوید باید بگذارید قیمت‌های نسبی، خود شکل بگیرند و دولت‌ها نباید در آن دخالت کنند، اما آمریکا با تحریم کشورها این اصل را نقض کرده است.

رضایی، با اشاره به جنگ سرد بین روسیه و آمریکا بر سر مسئله‌ی اوکراین، ریشه‌ی آن را اقتصادی دانست و گفت: این جنگ سرد، به این زودی‌ها حل نخواهد شد و حداقل تا بیست سال دیگر ادامه خواهد داشت.

وی، با اشاره به تحریم روسیه از سوی آمریکا، گفت: امروز روسیه نیز با مشکل تحریم درگیر شده است و به شدت به واردات میوه و مواد غذایی بسته‌بندی شده نیاز دارد که سرمایه‌گذاران و بازرگانان کشور باید از این فرصت به خوبی استفاده کنند.

سپرسازی در مقابل تحریم‌ها، بُعد دیگر اقتصاد مقاومتی

دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، هدف دوم اقتصاد مقاومتی را سپرسازی در مقابل تحریم‌ها دانست و گفت: توافق با آمریکا بر سر انرژی هسته‌ای، هیچ ضمانتی برای تداوم ندارد، ما نمی‌توانیم سرنوشت ملت را با اوهام، گره بزنیم و اقتصاد ایران باید در برابر تحریم‌ها مقاوم شود.

رضایی، مسئله‌ی سوم مورد توجه اقتصاد مقاومتی را مسایل محیط زیستی بیان کرد و گفت: مشکلات خشک شدن دریاچه‌ی ارومیه، آب‌های زیرزمینی رفسنجان، نشست سفره‌های زیرزمینی

محمد رضا احمدی: محسن رضایی، در همایش نقش اقتصاد مقاومتی در توسعه‌ی منطقه‌ای که در اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان و با حضور مسوولان استان برگزار شد، گفت: امروز ریسک امنیت در ایران پایین است و ایران بهترین منطقه برای جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی است.

رضایی با بیان اینکه امروز مسیر انقلاب اسلامی به اقتصاد رسیده است، گفت: اقتصاد یک علم جهانی است، اما توسعه، یک پدیده و حادثه‌ی بومی است. فرهنگ، جغرافیا، منابع طبیعی و انسانی در توسعه دخالت دارند و توسعه را به یک پدیده‌ی اجتماعی و مردمی تبدیل می‌کنند.

دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، با بیان این‌که ما می‌توانیم توسعه‌ی اسلامی هم داشته باشیم، گفت: رسیدن به توسعه‌ی اسلامی کار سختی است، اما شدنی است و برای تحقق آن، هم باید خودمان و هم دنیا را بشناسیم و از علوم روز استفاده کنیم. رضایی، با اشاره به این‌که با ابتکار امام خمینی (ره)، اتاق فکر نظام با عنوان مجمع تشخیص مصلحت نظام تشکیل شده که سیاست‌های کلان را به رهبر پیشنهاد می‌دهد و مسیر اقتصاد را مشخص می‌کند، گفت: این اتاق فکر، از چهره‌های فرهنگی، سیاسی و باتجربه‌ی انقلاب تشکیل شده که با رهنمودهای مقام معظم رهبری، راه‌یابی و مسیریابی اقتصاد کشور را در پیش گرفته است.

وی افزود: مهم‌ترین دغدغه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام، درست کردن مسیر اقتصاد و هموار کردن راه مشارکت مردم بوده و هست که یکی از مهم‌ترین این‌ها نیز سند اقتصاد مقاومتی است. دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، با بیان این‌که همه‌ی اسناد از جمله سند چشم‌انداز و سیاست‌های اصل ۴۴، مکمل یکدیگر هستند و یک منظومه را شکل می‌دهند، گفت: تبیین سیاست‌های اصل ۴۴، ابهامات قانون اساسی را برطرف و راه را برای حضور و فعالیت بخش خصوصی هموار کرد و براساس آن، مردم در تمام فعالیت‌ها می‌توانند مشارکت کنند و هیچ انحصاری برای دولت وجود ندارد.



باید به مردم برگردیم و مشارکت مردم در اقتصاد را افزایش دهیم. مردم باید وارد اقتصاد شوند و دولت و حکومت باید حامی باشند نه مانع ورود مردم. همچنین قوانین مجلس و عملکرد استانداری‌ها و دادگستری‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که راه را برای ورود مردم به اقتصاد و سرمایه‌گذاری باز کند.

را با یک‌سوم هزینه فراهم کرد که بهره‌وری‌اش ۹ برابر انتقال آب است.

وی افزود: از نظر ملی نیز اگر قیمت‌های انرژی شفاف شود، ۳۰۰ هزار میلیارد تومان، یعنی یک سوم نقدینگی کشور پول ایجاد می‌کند. اگر این پول تنها به اشتغال کشور تزریق شود، همه‌ی مشکلات حل خواهد شد.

صرفه‌جویی و افزایش بهره‌وری، جوهر اصلی اقتصاد مقاومتی

رضایی با بیان این‌که فاجعه‌ی بزرگ حیف و میل کردن، در کشور وجود دارد، گفت: یکی از محاسن صرفه‌جویی، پایدار شدن اقتصاد کشور است. نهضت صرفه‌جویی و بهره‌وری، اولین اقدام اقتصاد مقاومتی است. صرفه‌جویی، اقتصاد را مقاوم و باثبات می‌کند و نه تنها منابع، درآمد و اشتغال را بیش‌تر می‌کند، بلکه محیط زیست را هم نجات می‌دهد. در واقع جوهر اصلی اقتصاد مقاومتی، صرفه‌جویی و افزایش بهره‌وری است.

دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، نکته بعدی اقتصاد مقاومتی را رقابتی کردن اقتصاد ایران دانست و گفت: اقتصاد باید در سطح منطقه‌ای و استانی رقابتی شود و برای مثال کرمان باید بتواند با استان‌های دیگر رقابت داشته باشد که لازمه‌ی آن اختیار دادن به دولتی‌ها و کارآفرینان است.

رضایی با اشاره به این‌که در طرح اقتصاد مقاومتی به دنبال الگو قرار دادن برخی استان‌ها و دانشگاه‌ها هستیم، گفت: می‌خواهیم کرمان را یکی از این الگوها قرار دهیم تا در همین استان، عده‌ای از دانشگاه‌ها و بنگاه‌ها، بیمارستان‌ها و همچنین برخی از شهرها و شهرستان‌ها را الگوی اقتصاد مقاومتی در کشور شوند.

و از بین رفتن آن‌ها، خسارتی ملی است.

وی افزود: امروز در کشور مشکل آب داریم که اقتصاد ما را تهدید می‌کند، علاوه بر این، ۱۱ استان جنوبی کشور معضل غبار را دارند که زندگی و اقتصادشان را تعطیل می‌کند. اقتصاد باید در برابر تهدیدهای زیست‌محیطی نیز مقاوم باشد و از ایجاد آن‌ها جلوگیری کند.

رضایی، روی دوم اقتصاد مقاومتی را مردم دانست و گفت: باید به مردم برگردیم و مشارکت مردم در اقتصاد را افزایش دهیم. مردم باید وارد اقتصاد شوند و دولت و حکومت باید حامی باشند نه مانع ورود مردم. همچنین قوانین مجلس و عملکرد استانداری‌ها و دادگستری‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که راه را برای ورود مردم به اقتصاد و سرمایه‌گذاری باز کند. مردمی شدن اقتصاد در گرو آمدن بخش خصوصی، کارآفرینان و سرمایه‌گذاران به صحنه‌ی اقتصاد است.

رضایی، گسترش و حمایت از کسب و کار خانگی را بخش دیگر اقتصاد مقاومتی دانست و گفت: باید برای کارآفرینی از ظرفیت‌های خانگی که بسیار هم به‌صرفه است، استفاده کرد. باید در سطح قوانین و اجراء، اقدامات جدی در حکومت ایجاد شود. باید قوانینی که بر خلاف اقتصاد مقاومتی است، شناسایی و بازنگری شوند و مجلس نیز از سوی رهبری دستور دارد که این کار را انجام دهد.

تاکید بر اقدام جهادی، برای مردمی شدن اقتصاد

دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، افزود: دولت، مجلس و قوه قضاییه باید برای مردمی شدن اقتصاد ایران و مقابله با تحریم‌های ناجوان‌مردانه علیه کشور اقدام جهادی و جدی کنند. رضایی، با تأکید بر این‌که در مرحله‌ی نخست، صرفه‌جویی می‌تواند بزرگ‌ترین منبع برای کشور باشد، گفت: بهره‌وری از صرفه‌جویی شروع می‌شود و بدون صرفه‌جویی، بهره‌وری ممکن نیست.

وی، در این خصوص به راه‌های حل مشکل آب کرمان اشاره کرد و گفت: یکی راه‌ها انتقال آب از خلیج فارس و زاگرس و راه دیگر صرفه‌جویی است. انتقال آب از خلیج فارس به کرمان ۱۷ هزار میلیارد تومان و از زاگرس، ۶ هزار میلیارد تومان هزینه دارد. اما هزینه‌ی صرفه‌جویی در مصرف آب در بخش‌های مختلف ۵ هزار میلیارد تومان است. بنابراین با استفاده از شیوه‌های صرفه‌جویی در مصرف آب، می‌توان ۳ برابر پروژه‌های انتقال آب

بنگاه‌های مبتنی بر ایده‌های نو و نقش سرمایه‌گذاران مخاطره‌پذیر

دکتر ناظمی عضو مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور

بر ایده‌های نو قالبی است که در طی این فرآیند حرکت می‌کند. وی ادامه دادند: دلیل توسعه و پیچیدگی علوم انجام همه مراحل توسط یک نفر یا یک گروه خاص امکان‌پذیر نیست. کمتر دیده شده افرادی که براساس تخصص خود، به عنوان مثال در خلاقیت، ایده‌های نو مطرح و در توسعه علم و فناوری نقش آفرینی کرده‌اند، در زمینه بازار و سازوکارهای تجاری‌سازی نیز تخصص داشته باشند.

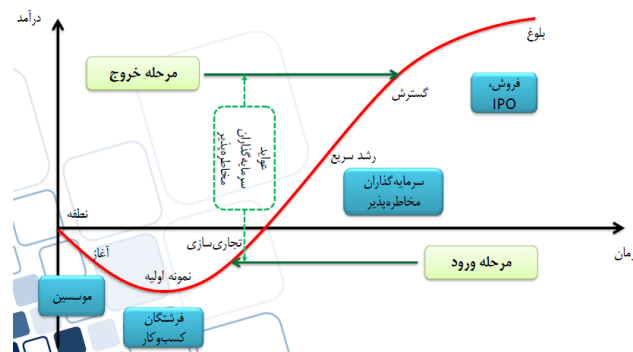
رشد طبیعی بنگاه‌های مبتنی بر ایده‌های نو

ناظمی، رشد طبیعی هر بنگاهی که براساس ایده‌ها و تکنولوژی‌های نو شکل گرفته است را براساس شکل (۱) تشریح کرد. وی خاطر نشان کرد، درآمد این بنگاه‌ها در ابتدا منفی است که بعد از گذشت مدت زمانی سیر صعودی خود را شروع می‌کند. که منظور از درآمد منفی هم هزینه‌های صرف شده و هم هزینه فرصت می‌باشد. رشد مثبت بنگاه از زمان ساخت نمونه اولیه در نقطه درآمدی منفی شروع می‌شود و تا مرحله اشباع ادامه پیدا می‌کند. در این مرحله، رشد درآمد متوقف می‌شود. البته با روش‌های متفاوتی می‌توان این مرحله را به تأخیر انداخت و یا حذف کرد. ناظمی گروه‌های متعددی که در طی فرآیند رشد بنگاه‌های مبتنی بر ایده‌های نو نقش آفرینی می‌کنند را به صورت زیر تشریح کرد.

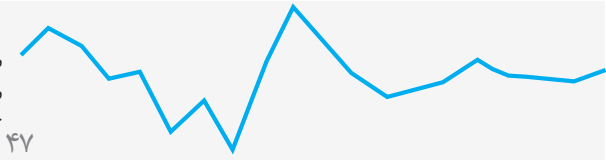
علی قاضی‌زاده احسائی: در نشست‌های که در تاریخ ۱۳۹۳/۰۶/۱۶ با حضور دکتر ناظمی عضو هیأت مدیره اندیشگاه آتی‌نگار و مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، در محل اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان برگزار شد، به موضوع سرمایه‌گذاران مخاطره‌پذیر پرداخته شد.

مقدمه‌ای بر ایده‌های نو

دکتر ناظمی در ابتدا به این نکته اشاره داشتند که یکی از ویژگی‌های بدیهی انسان‌ها، میل به بهتر زندگی کردن است و در ادامه افزودند: در مرحله اول رفع نیازها و در مرحله دوم کیفیت رفع نیازها به صورت کلی مواردی هستند که در راستای هدف گفته شده باید به آن‌ها پرداخته شود. با گذر زمان رشد پیچیدگی نیازهای جدید و سطح کیفیت مورد انتظار به صورت روزانه افزایش می‌یابد. از طرفی، منابع که یکی از موارد کلیدی در این زمینه است با گذر زمان رو به کاهش گذاشته و محدودیت‌هایی بیش از پیش ایجاد کرده است. بنابراین برای پاسخ‌گویی به نیازمندی‌ها با توجه به محدودیت‌ها چاره‌ای جز توسعه علم و دانش و بکارگیری آن نیست. برای تحقق این مأموریت لازم است از مکانیزم‌های مناسبی استفاده شود که ملزومات این فرآیند از زمان تولد علم و دانش در قالب ایده‌های نو تا استفاده موثر و همه جانبه توسط مصرف‌کنندگان را پوشش دهد. بنگاه‌های مبتنی



شکل (۱): فرآیند رشد طبیعی بنگاه‌های مبتنی بر ایده‌های نو



نمی‌دهند بلکه مجموعه‌ای از این شرکت‌ها را به گونه‌ای انتخاب می‌کنند که در نهایت این کسب‌وکار سودده باشد. زیرا نسبت موفقیت هر بنگاه مبتنی بر ایده‌های نو یک به پنج است. این شرکت‌ها معمولاً در آن واحد با سیستم مالی و مدیریتی قوی که دارند به تعداد زیادی از بنگاه‌های نوپا خدمات ارائه می‌دهند. بنابراین در صورت موفقیت؛ به عنوان مثال؛ یک بنگاه از ۱۰ بنگاه، هزینه شکست سایر بنگاه‌ها جبران می‌شود.

ناظمی در ادامه افزود: بزرگترین دلیل حضور گروه‌های مختلف در فرآیند رشد بنگاه‌های مبتنی بر ایده‌های نو، لازمه وجود تخصص بالا و نیازمندی‌های متنوع در هر دوره از رشد بنگاه است که همه آن‌ها از عهده یک گروه مشخص یا یک فرد خارج است.

وی با اشاره به اینکه شرکت‌های سرمایه‌گذار مخاطره‌پذیر یکی از کلیدی‌ترین عناصر فرآیند رشد طبیعی بنگاه‌های مبتنی بر ایده‌های نو هستند، جایگاه آن‌ها را در فرآیندهای جهانی کاملاً مشخص دانست و از سابقه فعالیت طولانی مدت آن‌ها در حوزه کسب‌وکار مخاطره‌پذیر یاد کرد و بسیاری از بنگاه‌های بزرگ و کوچک مبتنی بر ایده‌های نو را محصول این شرکت‌ها دانست. همچنین وی افزود: در فضای اقتصادی ایران هیچ جایگاهی برای شرکت‌های سرمایه‌گذاری مخاطره‌پذیر تعریف نشده است. ناظمی در ادامه عوامل عدم توسعه این شرکت‌ها را تبیین کرد.

دلایل عدم توسعه سرمایه‌گذاری مخاطره‌پذیر در ایران

ناظمی، هدف از ارایه مطالب مربوط به بنگاه‌های مبتنی بر ایده‌های نو و همچنین تشریح نقش عوامل موثر در آن را شناخت وضعیت واقعی، مدل‌های موفق رشد این گونه بنگاه‌ها و همچنین دیدگاه‌های حاکم بر آن‌ها عنوان کرد. وی، ایده گرفتن از تجربیات بدست آمده از مدل‌های موفق که در این زمینه به کار گرفته شده‌اند را بسیار منطقی‌تر از ابداع و آزمون مدل‌های جدید در زمان فعلی دانست.

وی افزود: اگر مووسسین و فرشتگان کسب و کار را طرف عرضه (عرضه‌کننده بنگاه‌های مبتنی بر ایده‌های نو) و سرمایه‌گذاران مخاطره‌پذیر را طرف تقاضا در نظر بگیریم، متوجه می‌شویم در کشور ما هم از جهت عرضه و هم از جهت تقاضای این بنگاه‌ها، دیدگاه‌های نادرست و کاستی‌های فراوانی وجود دارد که ترکیب این دو منجر به ناکارآمدی جامعه می‌شود. به عبارت دیگر به دلیل ادراکات نامناسب، بنگاه‌های مبتنی بر ایده‌های نو ایجاد

۱. مؤسسین: این گروه در اصل ایده اصلی را مطرح می‌کنند و عمده تخصص آن‌ها در خلاقیت است. بنگاه توسط این گروه بنیان نهاده می‌شود.

۲. فرشتگاه کسب‌وکار: بعد از ساخت نمونه اولیه وارد عمل می‌شوند و شرکت را تا جایی رشد می‌دهند که مورد توجه سرمایه‌گذاران مخاطره‌پذیر قرار گیرد. آن‌ها افرادی هستند که خود زمانی مؤسس و مبتکر بوده‌اند و تخصص آن‌ها در ارزیابی سریع و درست ایده مطرح شده از جهت کارآمد بودن آن است. کار فرشتگان کسب‌وکار رشد دادن شرکت تا مرحله‌ای است که سرمایه‌گذاران مخاطره‌پذیر وارد عمل شوند

۳. سرمایه‌گذاران مخاطره‌پذیر: شرکت را از فرشتگاه کسب و کار تحویل می‌گیرند، آن را رشد می‌دهند و در نهایت یا می‌فروشند و یا سهام آن را عرضه می‌کنند. کسب و کار خطرپذیر که توسط سرمایه‌گذاران مخاطره‌پذیر انجام می‌شود امری بسیار تخصصی است و حداقل دو نوع شرکت سرمایه‌گذاری مخاطره‌پذیر در این مرحله به صوت متوالی فعالیت می‌کنند. در مرحله اول سرمایه‌گذاران مخاطره‌پذیری وجود دارند که به شرکت سروسامان می‌دهند و آن را به یک کسب و کار تبدیل می‌کنند، در مرحله دوم سرمایه‌گذاران مخاطره‌پذیری وجود دارند که توانایی مهیا کردن شرکت برای فروش را دارند. بنابراین انجام همه امور توسط یک شرکت در این مرحله از رشد بنگاه امکان‌پذیر نیست، به عنوان مثال سرمایه‌گذاران مخاطره‌پذیر مرحله اول توانایی انجام امور مربوط به سرمایه‌گذاران مخاطره‌پذیر مرحله چهارم را ندارند.

عوامل متفاوتی در تعیین حوزه فعالیت شرکت‌های سرمایه‌گذاری مخاطره‌پذیر تأثیر دارند. یکی از این موارد سرمایه مورد نیاز است، اما فراتر از آن سطح دانش مدیریت و توانایی شرکت سرمایه‌گذاری مخاطره‌پذیر در کنترل بنگاه است. زیرا کار اصلی این شرکت‌ها کنترل بنگاه و انجام همه امور مالی و مشاوره‌های مدیریتی است. سرمایه‌گذاران مخاطره‌پذیر شرکت‌هایی‌اند که به بنگاه مشاوره مدیریتی و حقوقی می‌دهند، آن را تأمین مالی می‌کنند و رشد می‌دهند. سرمایه‌گذاران مخاطره‌پذیری که در مرحله نهایی قرار دارند، در آخر دو راه دارند: (۱) فروش بنگاه (۲) عرضه بنگاه در بازار سهام (IPO)، البته اولویت با فروش است.

با این‌که شرکت‌های سرمایه‌گذار مخاطره‌پذیر سرمایه‌ی زیادی دارند اما برای یک شرکت نوپا سرمایه‌گذاری زیادی انجام

ناظمی عنوان کرد: تجربیات بدست آمده از بنگاه‌های موفق در این زمینه مثل فیسبوک نشان می‌دهند که هیچ یک از آن‌ها نه تنها متعلق به دانشگاه نبوده‌اند بلکه با دانشگاه همکاری نیز نداشته‌اند و فراتر از آن اکثر مؤسسين این شرکت‌ها دانشجویان اخراجی و یا ترک تحصیلی بوده‌اند. وی برای تبیین چهارمین ایراد متوجه طرف عرضه به افرادی مثل استیو جابز، بیل گیتس و مارک روزنبرگ اشاره کرد که به ترتیب مؤسس شرکت‌های اپل، مایکروسافت و فیسبوک هستند. این افراد نه تنها جزو دانشجویان ممتاز نبوده‌اند بلکه از دانشگاه اخراج شده‌اند و یا ترک تحصیل کرده‌اند.

مبتکر ایرانی صرفاً به دلیل اینکه صاحب ایده اولیه است انتظار دارد در زمان بلوغ بنگاه سهم بالایی از آن داشته باشد. در صورتی که در واقعیت اینگونه است که مبتکرین اولیه در زمان بلوغ بنگاهی که تأسیس کرده‌اند سهم کمی از آن دارند.

کاستی‌های طرف تقاضا

ناظمی، شرایط و تصورات نادرست طرف عرضه را به تنهایی بزرگترین دلیل عدم تقاضا و یا شکل‌گیری شرکت‌های سرمایه‌گذاری مخاطره‌پذیر دانست. اما در عین حال در ادامه به برخی از کاستی‌های طرف تقاضا نیز اشاره کرد.

وی، سختی‌های خاص کسب و کار مخاطره‌پذیر را که ناشی از ماهیت آن است و عدم تخصص کافی در این زمینه را دلیل دیگری برای عدم شکل‌گیری شرکت‌های مخاطره‌پذیر عنوان کرد. ناظمی در ادامه افزود: انتخاب ایده مناسب و فروش بنگاه دو مورد از کلیدی‌ترین اقدامات شرکت‌های سرمایه‌گذاری مخاطره‌پذیر است. چراکه، اولاً؛ سرمایه‌گذار مخاطره‌پذیر باید توانایی شناسایی ایده‌های مناسب را از بین حجم زیادی از ادعاها داشته باشد. به عنوان مثال ۱۰۰۰ ادعا ارائه می‌شود که ۱۰ تای آن‌ها قابلیت سرمایه‌گذاری دارند و از بین این ۱۰ ایده یکی ممکن است موفق شود، که البته انتظار می‌رود سود حاصل از موفقیت یک بنگاه خسارت سایر بنگاه‌ها را جبران کند. دوماً؛ سرمایه‌گذار مخاطره‌پذیر باید بتواند بنگاه‌های خود را به بالاترین قیمت به شرکت‌های بزرگ بفروشد. زیرا سود شرکت‌های

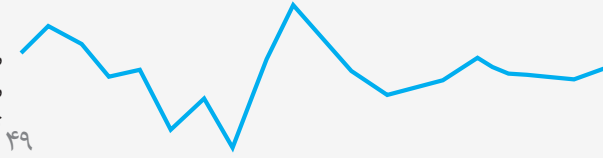
نمی‌شوند. وی در ادامه موانع ادراکی پیش رو توسعه این‌گونه بنگاه‌ها را از منظر عرضه، تقاضا و محیط حاکم بر آن یعنی سیاست‌گذاری‌ها، مورد بررسی قرار داد.

ایرادات طرف عرضه

ناظمی اولین ایراد متوجه عرضه را متوجه دانشگاهیان و افراد دارای ایده‌های نو دانست و عنوان کرد: آن‌ها دوست دارند تمامی مراحل انجام کار را از ابتدا تا انتها خودشان انجام دهند. بنابراین با توجه به مدل جهانی رشد طبیعی این‌گونه بنگاه‌ها، فهم نادرستی در این زمینه از طرف نوآوران وجود دارد. که جامعه و سیاستگذاران نیز این بدفهمی را با روش‌های گوناگون مثل دادن وام تقویت می‌کنند. در مدل جهانی فرد دارای ایده نو بعد از ساخت نمونه اولیه در کنار تیم است اما به دلیل عدم توانمندی یا انگیزه و یا هر دو آن‌ها عملاً بنگاه را اداره نمی‌کند، بلکه گروه‌هایی که بیرون از حوزه قرار دارند سرمایه‌گذاری و مدیریت را انجام می‌دهند.

ناظمی دومین چالش را انتظارات نابجای مبتکر ایرانی عنوان کرد. وی افزود: مبتکر ایرانی صرفاً به دلیل اینکه صاحب ایده اولیه است انتظار دارد در زمان بلوغ بنگاه سهم بالایی از آن داشته باشد. در صورتی که در واقعیت این‌گونه است که مبتکرین اولیه در زمان بلوغ بنگاهی که تأسیس کرده‌اند سهم کمی از آن دارند. تخصص این افراد در ارائه و یا شناسایی ایده‌های مختلف و جدید است. آن‌ها با فروش سهام خود در بنگاهی که به بلوغ رسیده به فکر راه‌اندازی ایده جدید هستند و در نهایت در تعداد زیادی از شرکت‌ها سهام دارند که البته مقدار هر کدام از آن‌ها کم است. به عنوان مثال سهم هر کدام از پایه‌گذاران فیسبوک در زمان بلوغ آن بسیار کم بود. به عنوان نمونه هرچند کریس هنوز یکی از ۵ مؤسس فیسبوک بود اما در زمان بلوغ فیسبوک فقط ۲,۴ درصد سهام داشت.

وی در مورد سومین چالش، خاطر نشان کرد: در کشور ما تصور می‌شود حتماً رشته با کار مورد نظر باید مطابقت داشته باشد، در صورتی که با توجه به تجربیات سایر بنگاه‌های موفق در این زمینه متوجه می‌شوی ملزومی ندارد حتماً تحصیلات دانشگاهی مؤسسين با ایده مطرح شده مطابقت داشته باشد. به عنوان مثال حوزه تخصصی فیسبوک بیش از هر حوزه دیگری با مباحث آی تی و کامپیوتر در ارتباط است. اما می‌بینیم که حوزه تخصصی تنها ۲ نفر از ۵ مؤسس فیسبوک کامپیوتر است.



معیارهای ما هیچ کدام از این شرکت‌ها دانش بنیان نیستند، در صورتی که در تعریف جهانی این شرکت‌ها دانش بنیان هستند. ناظمی افزود: تعریف بنگاه هایتک با تعریف معمول در کشور ما متفاوت است. در تعریف جهانی فارغ از نوع محصول بنگاه‌های تک است که بیش از دو برابر متوسط هزینه R&D بنگاه‌های مشابه در حوزه خود صرف تحقیقات در R&D می‌کنند. با توجه به این تعریف بنگاهی مثل تولید کفش نیز می‌تواند هایتک باشد. وی ادامه داد: تعریف نادرست مفاهیم و عناوین باعث تثبیت پیش فرض‌های نادرست برای سایر اقدامات بعدی می‌شود که یکی از مهمترین این پیش فرض‌ها، "شکل‌گیری بنگاه دانش بنیان از دانشگاه" است. در صورتی که همان‌طور قبلاً به آن اشاره شد، طبق مدل جهانی رشد بنگاه‌های دانش بنیان، دانشگاه و فارغ التحصیلان ممتاز آن کمترین نقش را در شکل‌گیری و توسعه این بنگاه‌ها داشته است.

ناظمی، بزرگترین دلیل عدم شکل‌گیری بنگاه‌های دانش بنیان، از دانشگاه را دور بودن دیدگاه دانشگاهیان از فرآیندهای بازرگانی، تجارت و صنعت دانست. وی در ادامه پارک‌های علم و فناوری را مثال زد و عنوان کرد: این پارک‌ها در سالیان اخیر با دیدگاه دانشگاهیان شکل گرفته‌اند، اما با وجود تعداد قابل توجه آن‌ها نسبت به سایر کشورها، خروجی مناسبی برای اقتصاد کشور در بر نداشته‌اند.

ناظمی افزود: تعاریف غلط و به دنبال آن پیش فرض‌های نادرست در زمینه شرکت‌های دانش بنیان، سیاست‌گذاری غلط برای توسعه این بنگاه‌ها را در کشور ما نشان می‌دهد. وی سیاست‌های زیر را مبنای توسعه شرکت‌های دانش بنیان در کشور ما عنوان کرد:

- توسعه شرکت‌های دانشگاهی
 - توسعه پارک‌های علم و فناوری متعلق به دانشگاه‌ها
 - توسعه کریدور علم و فناوری با محوریت دانشگاه‌ها
 - حمایت از نخبگان (نخبگان آموزشی)
 - توسعه از دانشجویان و دانشگاهیان فنی
- ناظمی، هم‌چنین اعطای مجوز و حمایت مالی از بنگاه‌های مبتنی بر ایده‌های نو را دو ویژگی شایع سیاست‌گذاران ایرانی دانست و عنوان کرد: اگر قرار است بنگاهی موفق شود هیچ نیازی به اخذ مجوز ندارد و از طرف دیگر حمایت مالی برای توسعه فناوری، سیاست ناکارآمد و منسوخ شده‌ای در اکثر کشورها است که اغلب از شرکت‌های بزرگ و قدیمی حمایت می‌کند.

سرمایه‌گذاری مخاطره پذیر در خرید بنگاه به قیمت پایین، رشد و فروش بنگاه به بالاترین قیمت است.

ناظمی، سود ده بودن یک شرکت و یا تکنولوژی آن را دو دلیل عمده‌ای دانست که به واسطه آن یک شرکت خریداری می‌شود. وی، فروش بنگاه‌ها با تکیه بر تکنولوژی آن‌ها (بجای سود ده بودن آن‌ها) را به عنوان سود اصلی شرکت‌های سرمایه‌گذاری مخاطره پذیر عنوان کرد. ناظمی دلیل این موضوع را این گونه عنوان کرد: که گاهی اوقات یک بنگاه به تنهایی سود آور نیست اما ترکیب تکنولوژی آن با سایر تکنولوژی‌ها سود آور می‌شود. به عنوان مثال یک مکمل غذایی به تنهایی ممکن است سودآور نباشد اما ترکیب آن با برخی مواد غذایی مثل ماست سودآور می‌شود. وی، منظور از سختی فروش بنگاه را در درک این نکته دانست، که یک شرکت سرمایه‌گذاری مخاطره پذیر باید بتواند به خوبی تشخیص دهد که چه محصولی را به چه کسی بفروشد. ناظمی، بازار خرید بنگاه‌های مبتنی بر ایده‌های نو را شرکت‌های بزرگ فعال در آن حوزه معرفی کرد و در ادامه افزود: بدلیل غیر رقابتی بودن اقتصاد کشور ما شرکت‌های سرمایه‌گذاری مخاطره‌پذیر در زمینه فروش محصولات خود (بنگاه‌های مبتنی بر ایده‌های نو) با مشکلات فراوانی مواجه هستند. زیرا سود مورد انتظار بنگاه‌های بزرگتر بدون توجه به وضعیت رقبا و بازار تضمین شده است و نیازی به خرید بنگاه‌های مبتنی بر ایده‌های نو از شرکت‌های سرمایه‌گذاری مخاطره پذیر برای افزایش قابلیت رقابت خود ندارند.

ایرادات طرف سیاست‌گذاران

ناظمی گفت: پیش فرض سیاست‌گذاری در مورد بنگاه‌های تکنولوژی محور و یا هایتک و یا بنگاه‌های مبتنی بر ایده‌های نو در ایران نسبت به آن‌چه که در دنیا وجود دارد، متفاوت و نادرست است و اولین انحرافی که در این زمینه به چشم می‌خورد، تعاریف متفاوت از بنگاه‌های دانش بنیان و یا هایتک است. در ادبیات جهانی اصلاً مفهومی تحت عنوان دانش بنیان وجود ندارد. اما با وجود این، اگر فرض کنیم منظور از دانش بنیان در کشور ما همان هایتک بودن یک بنگاه باشد، براساس تصور عام موجود در کشور ما هایتک بنگاهی است که تکنولوژی و دانش برای آن مهم است و ارزش افزوده آن ناشی از دانش است که با بررسی تعدادی از بنگاه‌های بزرگ و پیشگامان صنعت مثل فیسبوک، گوگل، وایبر، مایکروسافت، اپل و غیره در می‌یابیم با توجه به

